سازمان دین ودانش

جغرافیای کشورهای اسلامی

و

تاریخ اسلام

بقلم آقای
علی اصغر فقیهی

جلد اول { جغرافیا: کشورهای عربی
تاریخ: از پیدایش اسلام تا خلافت عباسیان }

محل فروش
کتابفروشی برقعی - قم

چاپ اول

چاپخانه حکمت قم

تذکر

سازمان دین و دانش
۱۳۳۴

جغرافیای کشورهای اسلامی

و

تاریخ اسلام

بقلم آقای
علی اصغر فقیهی

محل فروش

کتابفروشی برقعی - قم

چاپ اول
آبان ۱۳۳۴

چاپخانه حکمت
«قم»

۵۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین

درشهریور سال گذشته (۱۳۳۳) به پیشنهاد چند نفر از ارباب فضل و دانش سازمانی بنام سازمان دین ودانش درشهرقم تشکیل گردید.

هدف این سازمان نشر تعالیم مقدس اسلام وراهنمائی مسلمانان بخصوص طبقهٔ جوان ونونهالان بود.

برای تامین این منظور عالی دو اقدام ضرورت کلی داشت.

۱ـ تعلیم و تربیت فرزندان جامعهٔ مسلمین درمدارس و آموزشگاههائی که بتواند هم جوانان نورس را آشنا ومؤمن بحقایق دین مقدس اسلام سازد وهم آنانرا بافضیلت و دانشمند بار آورد چنانکه در آینده اعضاء سودمندی برای اجتماع مسلمانان باشند ونیازمندیهای روزافزون جامعه راتأمین نمایند.

۲ـ نشریه های ساده وروانی برای استفادهٔ عموم تهیه ومنتشر کند تامسلمانان علاقمند دسترسی بیشتری بمعارف دین خود داشته باشند و ناآشنایان نیز با سهولت بیشتری بتوانند باحقایق اسلام آشنا گردند.

درقسمت اول بلافاصله شروع بکار شد وباهمه مشکلاتی که ازنظر کمی وقت درکار بود در مهرهمانسال دبیرستان دین ودانش درشهر قم که امروز مرکز بزرگ روحانیت شیعه است تأسیس گردید.

کلاسهای اول ودوم این دبیرستان درهفدهم مهر افتتاح یافت وچنین تصمیم گرفته شد که سال بسال یك کلاس افزوده شود تا بتدریج دورهٔ دبیرستان کامل گردد.

روی همین اصل در سال جاری کلاس سوم اضافه شد وباعلاقه ای که مردم مسلمان وفرهنگ دوست نشان میدهند امیدمیرود که بخواست خداوند متعال سال بسال قدمهای بیشتری در راه تکمیل وتوسعهٔ این مؤسسهٔ دینی و فرهنگی برداشته شود.

عدهٔای از دبیران دانشمند ومتدین که بهمکاری دعوت شده بودند تدریس در کلاسهای این دبیرستان رابعهده گرفتند وهمکاری صمیمانهٔ همهٔ آنان همواره موجب تشکر وقدردانی میباشد.

همکاری صمیمانهٔ رئیس محترم فرهنگ وقت که گذشته از تسهیلات سودمند اداری با همه مشاغل و گرفتاریها تدریس قسمتی از برنامه را بعهده گرفتند نیز موجب کمال تشکر میباشد.

دربرنامهٔ این دبیرستان دواصل مهم مراعات شده است.

الف برنامهٔ مذهبی مخصوصی متناسب با احتیاجات محصلین اجراشود

ب دانش آموزان قسمتهای مختلف علمی و ادبی برنامه را بخوبی بیاموزند و در هر قسمت درس باتمرین وعمل وآزمایش توأم باشد.

نظر باصل اول در برنامهٔ تعلیمات دینی این دبیرستان گذشته از اعتقادات واحکام واخلاق دو قسمت دیگر نیز گنجانیده شد، یکی تاریخ اسلام ودیگری جغرافیای کشورهای اسلامی.

درقسمت تاریخ، پیدایش دین مقدس اسلام وپیشرفت این آئین مبین، شخصیت وصفات ربانی حضرت محمد بن عبدالله وائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین

وصحابهٔ بزرگ پیغمبر ومردان پاك وفداكاری كه‌در پیرامون آن‌حضرت بودند شرح‌داده میشود .

دراین‌قسمت حکومتهای گذشتهٔ‌اسلامی و نهضتهای مختلف دینی‌ومذهبی ووقایع بعدازظهوراسلام تازمان‌حاضر نیزموردبحث قرارمیگیرد.

درقسمت جغرافیا وضع کشورهای‌اسلامی وپیشرفتهای علمی،صنعتی سیاسی واجتماعی ملل مسلمان تشریح میگردد و آخرین اطلاعات در هرقسمت مطابق باقوه واستعداد دانش‌آموزان دردسترس آنان گذارده میشودتاازوضع زندگی برادران هم‌کیش خود آگاه گردند.

در تدریس قسمتهای مختلف برنامهٔ تعلیمات دینی مطالب سودمندی بوسیلهٔ دبیران فاضل و دانشمند هر قسمت تهیه و بصورت جزوه برای دانش آموزان گفته میشود تا پس‌ازجمع آوری و تجدیدنظر وتکمیل بصورت کتاب‌درآید وچاپ‌ومنتشر گردد.

این‌ترتیب نخستین‌قدمی است که‌درراه‌اجراءطرح‌دوم‌یعنی‌تهیه‌و انتشار نشریه‌های‌مذهبی‌مورداستفاده‌عموم‌برداشته‌میشود.

اکنون قسمتی ازتاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی برای رفع احتیاج فعلی دانش‌آموزان‌بمقدارکم چاپ میشودتاپس ازتکمیل و تجدید نظر بانقشه‌ها وعکسهای‌لازم بمقدار بیشتری چاپ ودر دسترس عموم گذارده‌شود.

انشاءالله‌درقسمتهای دیگر تعالیم دینی نیز کتابهای لازم بتدریج چاپ و منتشرخواهدشد .

قم ـ سازمان‌دین‌ودانش‌هفتم آبان ١٣٣٤ محمد حسینی‌بهشتی

باسمه تعالی

جغرافیای کشورهای اسلامی

بیان مقصود مقصود از کشورهای اسلامی ممالکی است که عموم مردم آن مسلمان هستند. امروز در جهان در حدود پانزده کشور مستقل اسلامی و تعداد بسیاری نواحی تحت الحمایه (یعنی سرزمینهایی که تحت نظر یکی از دولتهای نیرومند اداره میشود) و عدهٔ زیادی شیخ نشین در سواحل خلیج فارس و دریای عمان که مردم آنها مسلمانند وجود دارد.
(مقصود از شیخ نشین ناحیه ای استکه ساکنان آن عرب هستند واز طرف یکی از دولتهای قوی یکنفر که او نیز عرب است، بر آنان حکومت میکند.)

کشورهای اسلامی بجز چند کشور که در افریقا و یکی دو کشور که در اروپا ویك کشور که در اقیانوسیه است بقیه در قارهٔ آسیا قرار دارد. گذشته از کشورها و نواحی مسلمان نشین که مردم آن عموماً مسلمان هستند. در دیگر نقاط جهان نیز عدهٔ بسیاری مسلمان سکونت دارد که شمارهٔ آنان بطور دقیق معلوم نیست. میتوان گفت در زمان حاضر تعداد مسلمانان جهان چه در کشورها و سرزمینهای اسلامی و چه در دیگر نقاط از سیصد ملیون متجاوز میباشد.

اینك نخست خلاصه ای از اوضاع جغرافیائی کشورهای مستقل اسلامی سپس وضع نواحی تحت الحمایه و شیخ نشین ها را ذکر میکنیم.

ابتدا کشورهای اسلامی که بنام ممالک عربی معروف است شرح داده میشود
وازاین سرزمینها بشبه جزیرهٔ عربستان که مهد دین مقدس اسلام ومحل تولد
بزرگترین فردعالم بشریت پیغمبراسلام (ص) میباشد آغاز میگردد .

شبه جزیرهٔ عربستان شبه جزیرهٔ عربستان در گوشهٔ جنوب غربی
آسیاواقع ومساحت آن سه ملیون وهفتصدهزار کیلومترمربع یعنی در
حدوددو برابرو نیم ایران میباشداز طرف شمال باردن هاشمی و فلسطین ازسمت
شرق بعراق وخلیج فارس ازجنوب باقیانوس هند (دریای عمان وخلیج عدن)
وازمغرب بهتنگهٔ باب المندب و دریای احمر محدود استدرتمام شبه جزیره
تقریبا پانزده ملیون نفرساکن هستندعلت اینکه بآن شبه جزیره میگویند این
استکه از سه طرف بدریامحدوداست. گاهی بشبه جزیرهٔ عربستان جزیرةالعرب
گفته میشود شایداز این لحاظ که سه طرف دریاوطرف شمال آن شطفرات قرار
دارد(ازاین گذشته جغرافی نویسان قدیم به شبه جزیره نیز جزیره میگفته اند)

صحراهای شبه جزیره داخل شبه جزیره صحراهای بزرگ وشنزارهای
گرم وتقریبا غیرقابل سکونت فراوان است. ازاین صحراها یکی صحرائی
استکه امروز بآن نفود گفته میشود و سابقا به بادیهٔ سماوه معروف بوده
دیگری صحرای وسیعی است که تا خلیج فارس امتداد دارد ونام امروز
آن ربع الخالی استدرقدیم بقسمتی ازین صحرا (احقاف)و بقسمتی دیگر
(دهنا) گفته میشد . احقاف درقرآن مجید درآیه ۲۱ از سوره‌ای که
بهمین نام است(سورهٔ احقاف)ذکر شده است (اذانذرقومه بالاحقاف) کلمهٔ دهنا
امروز نیز کم وبیش استعمال میشود. در این صحراهای وسیع بواسطهٔ
دوری از دریا وکمی بارندگی ورطوبت و وزش بادهای شدید و هوای
بسیار گرم ، قابل سکونت نیست فقط در فصل بارندگی که در بعضی

قسمتهای آن گیاههائی روئیده میشود ، پاره‌ای از قبایل عرب مدت کمی شتر ودیگر چارپایان خود را برای چریدن بدانجا میبرند .

زمینهای حاصلخیز در اطراف شبه جزیره مخصوصاً در جنوب و شمال و اراضی نزدیك بدریا ، زمینهای حاصلخیز ، واحه‌ها ونخلستانهای بسیاری وجوددارد که در آنها قهوه ، پنبه ، نیشکر ، نارگیل ، زنجبیل خرما ، گندم ، جو ، فلفل ، انار ، بادام ، پسته ، زرد آلو ، به ، و حنا بعمل میآید ازمیان اراضی شبه جزیره ، یمن بحاصلخیزی معروف است دوشهر طائف ومدینه درقسمت حجاز نیز ازشهرهای حاصلخیز شبه‌جزیره میباشد ازحیوانات اهلی اسب (اسب عربی از قدیم معروف بوده است) شتر ، الاغ گوسفند گاومیش درشبه جزیره بخوبی پرورش می‌یابد و ازمرغان کبوتر وشتر مرغ آن شهرت دارد .

معادن معادن شبه‌جزیره فراوان است که‌جز مقدار کمی ، بقیه تا کنون استخراج نشده . مهمترین معدنهای عربستان نفت است که هر سال مقدار زیادی از آن استخراج وببازارهای دنیا صادر میگردد .

مرکز نفت‌شبه‌جزیره شهر ظهران است که اروپائیان بآن دهران میگویند . این شهر در کشور سعودی ناحیهٔ احسا درحدود خلیج فارس واقعشده وشرکت‌استاندارد که‌یك کمپانی امریکائی است ودارای امتیاز نفت عربستان میباشددر آباد کردن این ناحیه کوشش فراوان کرده‌است

آب‌وهوا هوای شبه جزیره در صحراها و اراضی مرکزی بسیار گرم وخشك ودر سواحل مرطوب ودر پاره‌ای نقاط معتدل است ، آب دراین سرزمین بسیار کم است و رودخانه‌ای که‌آب آن دائم‌جاری باشد ندارد ؛ گاهی‌سیلاب در رودخانه‌ها جاری میشود ولی درشنها فرومیرود

بهمین جهت اغلب از چاه استفاده میکنند و چاه نزد مردم شبه جزیره اهمیت بسزائی دارد.

مردم - عموم مردم شبه جزیره عرب و مسلمان هستند، بسیاری از آنان وهابی، عده‌ای زیدی و بقیه از دیگر فرقه‌های اسلامی میباشند که در دورهٔ بعد شرح هریك خواهد آمد.

در عربستان از نژاد غیرعرب بندرت یافته میشود (در این اواخر امریکائیها برای استخراج نفت زیاد در آنجا آمد ورفت میکنند). مردم در این سرزمین از لحاظ زندگی دودسته هستند

۱ - چادر نشین یعنی بیشتر مردم شبه جزیره که از راه گله داری و شتر داری زندگی مینمایند.

۲ - شهر نشین که عدهٔ آنان کم و از راه تجارت و آمد ورفت حجاج امرار معاش میکنند.

در شبه جزیره دو حکومت مستقل اسلامی وچندین ناحیهٔ تحت الحمایه و شیخ نشین وجود دارد.

دو حکومت مستقل یکی کشور سعودی ودیگری کشور یمن میباشد

۱ - کشور سعودی. کشور سعودی سابقا بنام حجاز و نجد معروف بود ولی دو بیست وچهار سال پیش یعنی در جمادی‌الاولی سال ۱۳۵۱ قمری مطابق سپتامبر ۱۹۳۲ میلادی نام رسمی آن المملکة العربیه السعودیه گردید. این کشور از خلیج فارس تا دریای احمر و از شام تا یمن امتداد دارد وشامل قسمت بزرگی از شبه جزیره میباشد (بنقشه نگاه کنید)

مساحت کشور سعودی در حدود ششصد هزار میل مربع است وجمعیت آن بطور صحیح معلوم نیست و آنرا از سه تا هشت ملیون نفر گفته اند.

اعتاب مقدسه درهر نقطهٔ ازقدیم تاامروز بوسیله ایرانیان انجام میافته است واسامی پادشاهان معروف ایران در کتیبه های مختلف خوانده میشود مثلا نام نادرشاه درایوان طلای حضرت امیر المؤمنین(ع) با خط جلی نوشته شده است (همین یکسال پیش هیئتی از ایران که حامل دو ضریح یکی برای حضرت مسلم (در کوفه) دیگری برای حضرت زینب (ع) در (دمشق) بود بعراق وشام حرکت کرد) مرقد دیگر شهدای کربلا نیز در این شهر مقدس واقع است .

کاظمین این شهر در یکفرسخی بغداد ؛ طرف مغرب قرار دارد که سابقاً قبرستانی بود بیرون بغداد بنام مقابر قریش ولی از زمانی که حضرت موسی بن جعفر (ع) ونوهٔ آنحضرت ، حضرت امام محمدتقی (ع) دراین مکان مدفون گردیدند . بتدریج بصورت شهری درآمد .

چون شط دجله ازدو طرف کاظمین جاری است . این شهر دارای باغهای فراوان و باصفا و ازشهرهای خوش آب وهوای عراق میباشد. میوه آن نیز فراوان است . جمعیت کاظمین در حدود سی وپنجهزار نفر میباشد که عده بسیاری ازآنان ایرانی هستند . مردم کاظمین عموماً شیعه میباشند. صحن حضرت امام موسی کاظم وحضرت امام محمد تقی (ع) در کاظمین از دیگر صحنهای اعتاب مقدسه عراق و سیعتر و باشکوه تر است گذشته ازمرقد مطهر کاظمین ، مزار عده ای ازامامزادگان وعلمای اعلام ازقبیل سیدرضی که یکی ازبزرگترین علماء وادبای شیعه است نیز دراین شهر قراردارد

۴ - **سامراء** سامرادرشمال غربی بغداد واقعشده وازشهرهائی است که خلفای عباسی در ایجاد وآبادانی آن کوشش فراوان کردند و مدتی پایتخت آنان بوده است مخصوصا درزمان متوکل بسیار آباد گردیده و

آثار تاریخی از آن زمان باقیمانده که از همه معروفتر منارهٔ معروف متوکل بنام حلویه میباشد . بعد از انقراض خلافت عباسی ، این شهر رو بانحطاط گذاشت تاامروز که یکی ازشهرهای کوچك عراق است ودرحدود بیست هزار نفر جمعیت دارد

درسامرا مرقد مطهر حضرت امام علی نقی(ع) وامام حسن عسگری(ع) وصحن وسردابه حضرت صاحب الزمان (ع) واقع و قبر حضرت سید محمد امامزاده معروف (برادر حضرت امام حسن عسکری) در هشت فرسنگی این شهر است .

تاریخچه بغداد

بغداد پایتخت عراق ازشهرهای تاریخی اسلامی است که همواره آباد واغلب مرکز خلافت یاحکومت بوده است ، بناکنندهٔ بغداد منصور دوانقی خلیفهٔ دوم عباسی است که درسال ۱۴۳ هجری آنرا بنا نمود شط عظیم دجله امروز ازوسط بغداد عبور میکند؛ قسمت شمالی شهردارای بناهای جدید وساختمانهای دولتی و خیابانهای وسیع وباصفاو در قسمت جنوبی بغداد کهنه واقع میباشد . آب و هوای بغداد معتدل واطراف آنرا باغها و بستانهای بسیاری احاطه کرده است . جمعیت بغداددرحدود سیصدهزار نفر میباشد ،در این شهر گذشته ازمسلمانان شیعه وسنی که اغلب جمعیت شهررا تشکیل میدهند . عدهٔ زیادی یهودی و مسیحی نیز سکونت دارند . در بغداد عده ای از علمای بزرك شیعه مدفون هستند قبر سلمان فارسی درهفت هشت فرسخی بغداد در محلی بنام سلمان پاك

که تفرجگاه اهالی بغداد نیز میباشد واقعشده . ایوان مداین (طاق کسری) که از آثار تاریخی مهم دورهٔ ساسانی است و از یادگارهای زمانی است که عراق جزو ایران بوده ، در نزدیکی سلمان پاك قرار دارد . مهمترین خیابانهای بغداد شارع الرشید (خیابان رشید) است که در امتداد دجله واقعشده و مغازه‌های مهم بغداد در این خیابان میباشد .

۵ـ سوریه ۶ ـ لبنان

۷ ـ اردن هاشمی

مقدمه ـ مختصری نواحی که در ساحل شرقی دریای مدیترانه‌ودر راجع بسرزمین‌شام قسمت غربی‌قارهٔ‌آسیا واقع‌شده تا جنك بین‌الملل اول (۱۹۱۸ ـ ۱۹۱۴) شام نامیده‌میشد .

این سرزمین بمساحت‌یکصد وهشتاد وسه هزار کیلومتر مربع‌است که‌طول آن‌در حدود یکهزار کیلومتر وعرض آن‌تقریباً یکصدوپنجاه کیلومتر میباشد . (راجع بمساحت شام‌میان جغرافی‌دانان اختلاف بسیار است) . شام ازقدیم آباد وشهرهای مهمی در آن بوده وبخوبی آب وهوا وصفای مناظر معروف بوده است .

ازشهرهای شام که امروز اهمیت سابق خودرا ازدست داده شهرهای قدیمی صور ؛ صیدا ،قیساریه معره(بفتح‌میم وعین‌وتشدید راء) انطاکیه قنسرین ، بصری (بضم‌اول والف آخر) تدمر (بضم‌اول وسکون دوم‌وضم میم) ، بعلبك میباشد . نام‌این شهرها وچند شهردیگر رادر تاریخ قدیم و تاریخ اسلام زیادمی‌بینیم . بسیاری از شهرهای شام هنوزهم پابرجا و آباد است که ازهر یك درمحل خود نام خواهیم برد .

آب وهوای شام‌معتدل‌وسالم وفصلهای‌چهارگانه آن‌منظم است‌انواع سبزیها ومیوه‌هابحدوفوروبسیارمرغوب‌در آن‌بعمل‌میآیدوانواع حیوانات وپرندگان درآن پرورش‌می‌یابد . معادن بسیارنیزدر این‌سرزمین وجود دارد که تاکنون قسمت کمی‌از آن استخراج شده است . آب گرمهای طبی‌هم درشام فراوان میباشد .

موقعیت شام - سرزمین شام باموقعیت خاصی که دارد از زمانهای باستان مورد نظر بوده دین یهود و نصاری ازاین مکان بر خاسته وپس ازظهور دین مقدس اسلام نیز همواره ازمر اکز مهم اسلامی بوده است . جهانگشایان قدیم ومتأخر بشام توجه مخصوص داشته اند ازهمین جهت درقرون مختلف بارها مورد حمله آنان قرار گرفته ودرنتیجه حوادث بسیاری در آن رخ داده است .

صرفنظر ازموقعیت جغرافیائی شام (بواسطه حد فاصل بودن میان سه قاره آسیا واروپا وافریقا) چون آب وهوای آن نسبت بدیگر کشورهای عربی ممتازاست مردم کشورهای مختلف آنجا را ییلاق خود قرارداده هنوزهم درتابستان عده زیادی برای گردش وفرار از گرما باین سرزمین رو میآورند .

مردم شام راجع بساکنان قدیم شام سخنان بسیاری گفته شده ، آنچه مسلم است اغلب آنان از نژاد سامی بوده اند ازنژادهای دیگر نیز کم و بیش وجودداشته است اقوام کنعانی در جنوب ودرشمال آرامیها سکونت داشته اند .

قرنها پیش ازاسلام اقوامی ازعرب درشام ساکن شده اند وبتدریج حکومتهای عربی درآنجاتشکیل داده اند رفته رفته دیگراقوام نیز تحت تاثیرعربهاقرار گرفته واین سرزمین بیك سرزمین عربی تبدیل شده است

زبان اغلب مردم شام عربی است وبزبانهای دیگر نیز کم وبیش سخن گفته میشود .

مردم شام عموماً مسلمان و بسیاری از آنان شیعه هستند ؛ عده ای یهودی ومسیحی نیز در آن زیست میکنند .

جبل‌عامل   یکی از مراکز مهم‌شیعه درشام جبل‌عامل است .
وجبل دوروز   این ناحیه موطن اصلی جمعی ازدانشمندان ، فقها
و محدثین بزرك شیعه میباشد . شیخ حر عاملی صاحب کتـاب وسائل
یکی ازبزرگترین کتب‌حدیث وشیخ‌بهائی دانشمندمعروف ومتبحر زمان
صفویه ازاین سرزمین برخاسته‌اند .

مرحوم علامه سیدمحسن جبل‌عاملی مؤلف کتاب اعیان‌الشیعه‌وعلامه
سیدعبدالحسین شرف‌الدین مقیم‌صورازعلماء معروف‌ومعاصراین ناحیه‌اند .
جبل دوروز یکی‌از نواحی‌شام نیزمرکز یکی‌از قبایل مهم‌شیعه میباشد.

تاریخچهٔ شام

شام ازسر زمینهائی‌است که ازقدیم مرکزتمدنهای مختلف بوده‌قرنها
پیش ازمیلادحکومتهایی درآن‌تشکیل یافته‌است ومدتها تحت‌حکومت
فراعنهٔ مصر وچندقرن درتصرف ایران بوده‌است فنیقیها که دردنیای‌قدیم
در دریانوردی معروف بوده‌اند در شام حکومت میکرده‌اند نخستین
حکومت عربی در شام حکومت نبطی‌هاست دیگر حکومت غسانیها و
تنوخیها میباشد ، ازچند قرن باسلام مانده رومیها شام رامتصرف‌شدند
ودرزمان ساسانیان چندبارشام بتصرف ایرانیان درآمده‌است .

شام بعد از اسلام   مقارن ظهور دین مقدس اسلام ، ملوکی در شام
فرمان روا بودند که بغساسنه یا آل غسان معروفند . غساسنه از طرف
پادشاهان روم‌شرقی حکومت میکردند (درآن زمان دوحکومت عربی
یکی‌در شام دیگری در حیره (نزدیك مرزهای ایران) وجود داشت
شام‌تحت نظرروم وحیره تحت نظرایران‌بود) وچون حکام شام مسیحی
بودند ، روابط آنان باپادشاهان روم‌بسیار خوب بود .

پس از آنکه آئین اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان رواج یافت ، مسلمانان بشام که نزدیکترین نقاط با آنان بود پرداختند و بعد از جنگهای متعدد ومفصل که میان آنان بارومیان وعربهای مسیحی اتفاق افتاد وشرح آنرا در تاریخ اسلام میخوانید ، درزمان عمر تمام شام بتصرف مسلمانان درآمد وازاین ببعد جزو قلمرو اسلام قرار گرفت .

از زمان معاویه دمشق مرکز شام پایتخت امویان گردید ، پس از انقراض بنی امیه وروی کار آمدن عباسیان ، مرکز خلافت ازشام بعراق انتقال یافت . تا اوایل قرن سوم هجری شام بوسیلهٔ حکام عباسی اداره میشد . ازاین ببعد بتدریج اززیر نفوذ آل عباس بیرون آمد وحکومتهای متعدد در آن تشکیل یافت . از اواخر قرن پنجم که جنگهای صلیبی (که شرح آنرا در تاریخ اسلام میخوانید) شروع شد ، سالها شام مورد تهاجم و محل جنگهای مفصل و شدیدی بود بخصوص در زمان صلاح الدین ایوبی که مهمترین وقایع جنگی از آن وقت بوقوع پیوست .

شام تااوائل قرن دهم هجری دردست سلسله های مختلف بود . درسال ۹۲۲ هجری شام درتصرف عثمانیان درآمد وتاجنگ بین المللی اول(۱۹۱۸ـ۱۹۱۴) در تحت حکومت آنان بوددر زمان جنگ مردم شام بر عثمانیها شورش کردند ، باین امید که بعد ازجنگ یك دولت مستقل تشکیل دهند ولی چون جنگ بپایان رسید وحکومت عثمانی بکلی ازمیان رفت ، دولتهای فاتح ، شام را چهار قسمت کردند : دو قسمت در شمال بنام سوریه و لبنان ، دوقسمت درجنوب بنام فلسطین وشرق اردن . سوریه و لبنان تحت قیمومت فرانسه .فلسطین وشرق اردن تحت نظر انگلیسها قرار گرفت در جنگ بین المللی دوم(۱۹۳۹ـ۱۹۴۵) که بسیاری حکومتهای غیر مستقل استقلال

یافتند استقلال سوریه و لبنان نیز برسمیت شناخته شد و درسال ۱۹٤٦ استقلال کامل این دو کشور اعلام گردید .

کشور اردن تاسال ۱۹٤٥ تحت قیمومت انگلستان بودولی در این سال انگلستان استقلال آنرا شناخت وامیرعبدالله که در آنوقت فرمان روای این سر زمین بود بنام پادشاه اردن شناخته شد و نام این کشور بهاشمی اردن تبدیل یافت .

فلسطین نیز تا سال ۱۹٤۸ تحت قیمومت انگلستان بود و در این سال که قیمومت انگلستان پایان می یافت این سر زمین بیهودیان واگذار شده کشوری بنام کشور اسرائیل تشکیل دادند ولی ازهمان وقت کشورهای عربی مخصوصاً مصر باین امر اعتراض ودر برابر آن قیام کردند

بنابر مطالب ذکرشده امروز درسر زمینی که سابقاً بتمام آن شام میگفتند ، دو کشور جمهوری سوریه ولبنان ویك کشور سلطنتی اردن هاشمی ویك سرزمین یهودی نشین بوجود آمده که نخست بشرح هریك ازسه کشور سوریه ولبنان واردن هاشمی سپس بشرح کوتاهی راجع بفلسطین میپردازیم :

جمهوری سوریه

کشور سوریه که امروز شام نیز بآن گفته میشود (چون دمشق مرکز شام در این کشور واقعشده است) در شمال سرزمین شام واقعشده و محدود است از شمال بترکیه از مشرق بعراق از جنوب بهاشمی اردن و فلسطین از مغرب بلبنان و دریای مدیترانه . مساحت سوریه را حدود هشتاد هزار کیلو متر ذکر کرده اند . جمعیت این کشور حدود سه ملیون نفر است . علت اینکه بآن سوریه میگویند ، شاید این باشد که یکی از شهرهای قدیم شام که زمان فنیقی ها اهمیت خاصی داشته و امروز جزو لبنان میباشد صور نامیده میشده است علتهای دیگری نیزدر این باره ذکر کرده اند . پایتخت سوریه شهر تاریخی دمشق است که جداگانه شرح داده میشود و مهمترین شهرهای ساحلی آن بندر لاذقیه میباشد . از نواحی معروف این کشور جبل دروز و حوران و از شهرهای مشهور آن حلب و حماة است : جبل دروز مسکن یکی از قبایل مهم شیعه است .

وضع اراضی و معادن و حیوانات زمینهای ساحلی سوریه بسیار حاصلخیز و درخت زیتون و مرکبات و دیگر درختان پرمیوه در آن فراوان است ولی قسمتهای داخلی خشک و مراتع آن بقدر کافی نیست از اینجهت گوسفند بقدر احتیاج مردم در این کشور وجود ندارد و کمبود آنرا از عراق و ترکیه وارد میکنند .

انواع حیوانات اهلی از قبیل شتر ، اسب و گاو در سوریه پرورش می یابد درسوریه معدنهای بسیاری است ولی معادن استخراج شده کم است بهمین مناسبت این کشور از صنایع مهم و کارخانه های عظیم محروم است

ولی صنایع قدیمی ازقبیل بافتن پارچه‌های دستی وحصیر وظروف گلی و پاره‌ای کارخانه‌ها ازقبیل ریسندگی وبافندگی در آن وجود دارد .

راهها درسوریه راه آهن سرتاسری ازجنوب بشمال کشیده شده راههای شوسه اتومبیل روهم درآن فراوان است .

سوریه دارای راههای هوائی بسیارمهم ودو فرودگاه مجهزیکی در دمشق ودیگری درحلب می باشد .

طرز حکومت و تقسیمات حکومت سوریه جمهوری است که رئیس جمهور آن رامجلس شورایملی انتخاب میکند ودارای هیئت وزیرانی است که مسئول مجلس میباشد .

سوریه ازنظر تقسیمات دارای ده محافظه (استان) است وهر محافظه بچندقضا (شهرستان) وهرقضا بچندناحیه (دهستان) تقسیم میشود .

استانهای دهگانه سوریه عبارت است از :

۱ـ دمشق ۲ـ حلب ۳ـ جزیره ٤ـ دیرالزور ۵ـ حمص (یکسر اول وسکون ثانی) ٦ـ حماة ۷ـ لاذقیه ۸ـ حوران ۹ـ جبل‌دروز ۱۰ـ اسکندرون

از میان این ده استان دمشق که پایتخت مملکت است از همه مهمتر می باشد واستان اسکندرون سابقاً جزوسوریه بوده ودرزمان فرانسویها بموجب عهدنامه ژوئن ۱۹۲۹ ضمیمه ترکیه شده است .

درسالهای اخیرچندین باردرسوریه کودتاشد وباین مناسبت وضع ثابتی نداشت ولی مدتی است اوضاع آن قرین آرامش میباشد .

دمشق پایتخت سوریه شهر دمشق است . این شهر ازشهرهای قدیمی وتاریخی است که درطول قرنها وقایع بسیاری در آن رخ داده وپس از زمانی طولانی که بر آن گذشته هنوز هم اهمیت خودرا ازدست نداده است

دمشق شهری بزرگ و باصفا است اطراف آنرا باغها وسبزه‌زارهای زیادی احاطه کرده منظرهٔ اطراف دمشق بنظر نویسندگان قدیم آنقدر زیبا آمده که آنرا یکی از بهشتهای چهارگانه دنیا نامیده‌اند(جهانگردان وجغرافی‌دانان قدیم که مثل امروز وسایل مسافرت نداشتند و پس ازسالها سیاحت فقط میتوانستند قسمتی از آسیا و افریقا واحیاناً گوشه‌ای ازاروپا راببینند، چهارنقطه رابعنوان باصفاترین نقاطی که دیده‌اند ذکر کرده و بآن‌نام بهشت روی‌زمین داده‌اند یکی ناحیه‌ای بوده‌است نزدیك سمرقند بنام صغددیگری دره‌ای درفارسی بنام شعب بوان سوم ناحیه‌ای درکنار شط‌العرب چهارم‌اطراف دمشق که بآن‌غوطه میگفته‌اند)

دمشق درزمان امویها ازهرموقع آبادتر بوده ووسعت بسیاری یافته است وساختمانهای مهم‌وتاریخی بسیاری از آن زمان‌باقی‌است که‌ازهمه مهمتر مسجداموی از آثار ولیدبن‌عبدالملك (اواخر قرن اول) میباشد که‌دربنای آن تزیینات بسیاری بکار رفته‌بوده‌است. گرچه کوشش‌شده که دمشق بصورت یکشهر امروزی در آید و خیابانهای متعدد در آن احداث وساختمانهای زیباوجدید در آن بناگردیده ولی‌منظرهٔ آن یك منظره کاملا شرقی است: منارههای بلند، گنبدهای مساجد و مدارس ایوانهای‌باشکوه بناهای‌مذهبی و تاریخی‌همه از یك شهر قدیمی اسلامی حکایت‌میکنند.دردمشق‌مزار بسیاری‌از بزرگان‌اسلام‌واز‌جمله‌قبر بلال‌قرار دارد.قبرصلاح‌الدین ایوبی سردار بزرك‌جنگهای‌صلیبی نیزدراین‌شهر میباشد

مزارحضرت‌زینب سلام‌الله علیها در میان زیارتگاههای متعدد و مهم دمشق ازهمه‌مشهورتر مرقدمطهر حضرت‌زینب کبری علیهاالسلام میباشد. مطابق روایات معتبر عبدالله جعفر شوهر حضرت

زینب باتفاق آنحضرت سفری بدمشق کرد وحضرت زینب در آنسفر وفات یافتند ودردمشق مدفون شدند .

مرقدحضرت زینب که امروزدر چند کیلومتری خارج شهر است دارای صحن وبارگاه مجلل وزیارتگاه عموم میباشد وسال گذشته ازطرف ایران ضریحی برای قبرمطهر آنحضرت هدیه وبوسیله نماینده گانی بدمشق فرستاده شدو باتشریفات مفصل و مجللی نصب گردید .

مسجد اموی مسجد جامع اموی دروسط شهرواقع شده ،طول این مسجد پانصد و چهل وهفت قدم و عرضش یکصدوپنجاه قدم است و دارای پنج مناره وششهزار قندیل میباشد . در شبستان این مسجد چهل ستون از سنگ مرمر نصب شده است . مسجد مزبور دارای کتابخانه مجللی است که در آن قرآنی است که معتقدند بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد . (دربعضی ازکتابخانه های دیگر ازجمله کتابخانهٔ آستان قدس رضوی علیه السلام ازاین گونه قرآنها وجوددارد).

جامع اموی ابتدا دارای تزیینات بسیاری بوده که بعداً ازبین برده اند. این مسجد قبلا کلیسا بوده (چون مردم دمشق قبل ازاسلام مسیحی بوده اند) ودراواخر قرن اول هجری بصورت مسجد درآمده است .

قبرحضرت یحیی بن زکریا درشبستان مسجد وزیارتگاه است .

وضع امروزدمشق شهر دمشق امروز دارای دوقسمت است یکقسمت شهرجدید که دارای ساختمانهای تازه وخیابانهای زیباست، قسمت دیگر شهرقدیم که تقریبا بهمان وضع سابق باقی میباشد . بازارقدیمی شام ومسجد اموی دراین قسمت قرار دارد . کوچه هاوخیابانهای دمشق کهنه تنگ وپرپیچ و خم ومغازها عموماً کوچك است .

جمعیت کنونی دمشق در حدود چهار صد هزار نفر میباشد. مردم این شهر عموماً عرب و مسلمان ولی از نژادهای دیگر ومخصوصاً ترك در آن بسیار است.

جمهوری لبنان

لبنان در مشرق دریای مدیترانه و مغرب سوریه و شمال فلسطین واقع شده است.

مساحت این کشور ده هزار کیلومتر مربع وجمعیت آن یکمیلون نفر میباشد. جمعیت لبنان نسبت بمساحت آن بسیار است و در هر کیلومتر یکصد نفر سکونت دارد

لبنان بسه منطقه ساحلی، داخلی و کوهستانی تقسیم میشود: منطقهٔ ساحلی بسیار حاصلخیز و پر درخت و با صفا میباشد مهمترین شهر این منطقه بندر بسیار معروف وزیبای بیروت است که بزرگترین شهر ساحلی شام و پایتخت لبنان میباشد این شهر مرکز تجارت وفرهنك شام است که دارای مدارس عالی و مجهز است و دانشجویان از نقاط مختلف برای تحصیل بدان رو میآورند. گذشته از تجارت وفرهنك، بیروت محل بنگاههای مهم حمل ونقل ودارای فرودگاه مجهزی است.

هوای بیروت معتدل وجمعیت آن دویست و پنجاه هزار نفر و شهری مدرن ودارای خیابانها وساختمانهای جدید میباشد.

دیگر از شهرهای ساحلی لبنان بندر طرابلس است که از نظر زراعت و باغهای مرکبات معروف است و لولههای نفت عراق در این نقطه بدریا میرسد وجمعیت آن شصت و پنجهزار نفر میباشد

دیگر دو شهر تاریخی صیدا وصور که در زمان فنیقی ها اهمیت بسیار داشته است.

درمنطقهٔ کوهستانی لبنان بلندترین کوههای شام واقع شده و از بهترین ییلاقهای دنیا محسوب میشود و هرسال عدهٔ زیادی از نقاط مختلف بعزم سیاحت ورفع خستگی باین منطقه رومیآورند .

حکومت و تقسیمات حکومت لبنان نیزمثل سوریه جمهوری است و چون دراین کشور مسیحی فراوان است ، گاهی رئیس جمهور و گاهی نخست وزیر ازمسیحیان انتخاب میشوند .

لبنان به پنج محافظه (استان) تقسیم میشود ۱ ـ بیروت ۲ ـ لبنان شمالی که مرکز آن طرابلس است ۳ ـ جبل لبنان (منطقه کوهستانی) مرکز آن بعبدا ۴ ـ لبنان جنوبی مرکز آن صیدا ۵ ـ ناحیه بقاع مرکز آن (زحله) .

در آمد لبنان از زراعت و مالیات حمل و نقل ترانزیت (مال التجاره وعبور وسائل حمل و نقل اتباع بیگانه ازاین کشور) .

معادن لبنان بسیار کم میباشد.

این کشوردارای راههای زمینی ودریائی وهوائی مهمی است .

اردن هاشمی

اردن (بضم و فتح همزه هر دو صحیح است) نام نهری است نزدیکی دمشق که مسیحیان معتقد بودند حضرت مریم فرزندخود مسیح رادر آب آن شسته است باراضی شرقی آن ماورای اردن وشرق اردن میگفته اند وامروز بآن اراضی کشور اردن هاشمی میگویند .

این کشور تاسال ۱۳۶۸ هجری مساحتی بین شصت تا هشتاد هزار کیلومتر مربع دارا بود وتقریباً چهارصدهزار نفر جمعیت داشت . ومحدود بود ازشمال بسوریه ازمغرب بفلسطین ازمشرق بعراق وازجنوب بکشور عربی سعودی وخلیج عقبه . ولی ازسال ۱۳۶۸ ببعد چون درفلسطین حکومتی

بنام اسرائیل بوجود آوردند ، قسمتی از آن ضمیمه اردن هاشمی گردید ومرز غربی این کشور وسط شهر بیت‌المقدس تعیین‌شد و اکنون نیمی از بیت‌المقدس (اورشلیم) که‌عربها بآن قدس گویند در تصرف اردن هاشمی ونیمی دیگر درتصرف یهوداست . باین‌مناسبت هم‌مساحت کشوراردن نسبت‌بسابق زیادترشد (بطوریکه‌امروزمساحت آن‌راتا یکصدوهشت‌هزار کیلومتر مربع تخمین‌زده‌اند) وهم جمعیت آن از یکملیون تجاوز کرد

وضع اراضی و محصولات وعایدات اراضی شرقی اردن هاشمی چون صحرا و ریگزار است ، تقریباً قابل سکونت نیست قسمتهای دیگر کم‌و بیش‌قابل زراعت وسکونت‌است ولی نسبت‌جمعیت بمساحت کم میباشد .

مردم اردن بدوقسمت شهرنشین و چادرنشین تقسیم میشوند . شهر نشینان بیشتر ازراه کسب وتجارت زندگی میکنند مخصوصا چون‌اردن راه‌عبور ازعراق بسوریه ومصرودیگرنقاط‌است و مسافر و مال‌التجاره‌از این کشورزیادعبورمیکند ، هم‌مردم ازاین‌راه سودفراوان‌میبرندوهم‌دولت از این‌راه حق‌ترانزیت(درزبان‌عربی‌بآن تجارةالمرورمیگویند) دریافت میدارد محصولات مهم اردن‌هاشمی‌عبارت است‌از . زیتون؛انگوروحبوب دراین‌کشور جنگل نیزوجوددارد که از چوب درختهای آن ذغال تهیه وبسوریه وفلسطین صادرمیکنند .

در اردن محصولات‌صنعتی نیست‌وهرچه‌لازم‌دارندازخارج‌واردمیکنند.

شهرهای‌مهم - پایتخت‌اردن‌هاشمی شهرعمان (بفتح‌عین وتشدید میم) است که‌از شهرهای قدیمی میباشد وآثار تاریخی از زمان رومیها درآن مشاهده میشود جمعیت این شهرپنجاه‌هزارنفراست‌واز نظر تجارت

خالی از اهمیت نیست چندروزنامه ومجله نیز درآن انتشارمیابد.

شهرعمان چون در دامنهٔ کوه سرسبزی واقع شده ، منظرهٔ بسیارزیبائی دارد .

دیگر از شهرهای معروف اردن عبارت است ازشهر اربد در نزدیکی مرزهای سوریه که بزراعت حبوب وتربیت دامها معروف است. دوشهر سلط وعجلون که انگور وزیتون آنها مشهوراست وشهر تاریخی کرك که در جنگهای صلیبی اهمیتی داشته وشهر معان که ایستگاه راه آهنی که بسوریه منتهی میشود در آن قراردارد و بندرعقبه ، تنها بندراین کشور درساحل خلیج عقبه واقع دردریای سرخ است .

راه آهن و راههای شوسه در اردن ٤٤٩ کیلومتر راه آهن است ، این راه ازشهردمشق تا شهر معان واقع در جنوب کشوراردن امتداددارد وسابقاً (تاجنك بین الملل اول) ازسوریه تا مدینهٔ طیبه امتدادداشت ومعروف بخط حجازی بود .

غیر از راه آهن ۲۳٥۲ کیلومتر راه اسفالت شده در اردن هاشمی وجود دارد .

طرز حکومت و تقسیمات اردن بعدازجنك بین الملل اول ازشام وفلسطین جداشد وبعنوان یك امیر نشین تحت نظرانگلستان درآمد وامیرعبدالله فرزند شریف حسین (شریف سابق مکه) بامارت آن تعیین گردید ویکنفر انگلیسی بنام گلوپ پاشا سمت مستشاری اورا پیدا کرد بعداز جنك بین الملل دوم در سال ١٩٤٦ استقلال اردن اعلام شد ونام رسمی آن اردن هاشمی گردید وامیرعبدالله عنوان اعلیحضرت ملك عبدالله پادشاه اردن هاشمی را پیدا کرد (صاحب الجلالة الهاشمیة ملك المملكة الاردنیة الهاشمیة) وطرز حکومت آن سلطنتی موروثی شد .

ملك عبدالله درسال ۱۳۷۰ هجری در بیت المقدس بدست یکنفر مقتول شد پسر و ولیعهد او امیر طلال بجای وی نشست ولی امیر طلال درسال ۱۳۷۲ بعنوان اختلال حواس ازسلطنت بر کنار و فرزندش: ملك حسین بجای او برقرار شد و وی امروز پادشاه اردن هاشمی میباشد .

اردن هاشمی دارای دو مجلس شوری و سنا ست . مجلس شوری چهل عضو دارد که مردم تعیین میکنند و مدت نمایندگی آنان چهارسال است و مجلس سنا بیست عضو که پادشاه تعیین میکند و مدت نمایندگی آنان هشت سال است . هیئت وزیران اردن مرکب است از نخست وزیر و پنج وزیر که درمقابل پادشاه و مجلسین مسؤل هستند .

این کشور بچهار ایالت (لواء) تقسیم میشود : ۱ ایالت عجلون مرکز آن اربد ۲ ایالت بلقاء مرکز آن عمان (پایتخت) ۳ ایالت کرك مرکز آن شهر کرك ٤ ایالت معان مرکز آن شهر معان .

شهرهای معان و عقبة سابقاً جزو حجاز بود و در زمان ملك عبدالله ضمیمه اردن شد .

فلسطین

سرزمین فلسطین درجنوب غربی شام واقعشده و محدود است از شمال بلبنان از مغرب بمدیترانه ازمشرق بسوریه و رودخانهٔ اردن و از جنوب بخلیج عقبه . مساحت فلسطین بیست وششهزار کیلومتر مربع وسکنهٔ آن یکملیون وهفتصد هزار نفر میباشد .

شهرهای مشهور آن عبارت است از: بیت المقدس (قدس) که مسجد معروف اقصی در آن واقعشده (نام مسجد اقصی در قرآن در اول سوره اسراء آمده است : (سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی) .

دیگر بندر حیفادر کناردریای مدیترانه که‌لوله‌های نفت عراق از آنجا نیز بدریا واصل میشود . دیگرشهر یافادرجنوب حیفاکه پرتقال آن معروف است و بخارج صادر میشود . وشهر عکادر شمال حیفا وطبریه وناصره (مرکز حضرت مسیح (ع)وبهمین مناسبت بمسیحیان نصرانی گویند) و بیت اللحم محل تولد حضرت مسیح (ع) .

درشمال یافادر کنار دریا شهریهودیه که‌امروز تل‌ابیب نامیده میشود ومحل یهودیان‌است‌قراردارد . دیگر ازشهرهای فلسطین که امروز جزو اردن میباشد شهر اریحاست که در نزدیکی آن مدفن‌حضرت موسی(ع) پیغمبر بنی‌اسرائیل‌میباشد و دیگر شهرخلیل که‌حضرت‌ابراهیم‌واسحق و یعقوب‌ویوسف‌وعده‌ای‌از انبیای گذشته‌در آن‌مدفونند . فلسطین‌ازز مانیکه بدست‌مسلمانان‌فتح‌شده‌همواره‌یك‌سرزمین‌اسلامی‌بوده ودرجنگهای‌صلیبی هرچه‌مسیحیان‌کوشیدند بیت‌المقدس‌رابتصرف آورند نتوانستند .

فلسطین ویهود

یهودیهااز سالهاپیش جمعیتی داشتند بنام صهیونی و میکوشیدند تامگر بتوانندفلسطین رابچنگ آورندولی این‌امر خیلی مشکل‌بنظر میرسید زیراعموم مردم‌فلسطین مسلمان‌بودند و ممکن‌نبودسر زمین‌خود رابقوم یهود واگذار کنندتادرسال ۱۹۴۸ (هفت سال‌پیش) که‌مدت قیمومت انگلیسیها برفلسطین سپری میشد ، یهودیها با کمك و اسلحهٔ دولتهای بزرگ‌جهان توانستنددر فلسطین‌حکومتی تشکیل‌دهندوآنرا جمهوری اسرائیل‌نام‌نهندو شهر تل‌ابیب (یهودیه) راپایتخت خوداعلام‌کنند . دراین جریان‌قسمتی‌ازاین‌سرزمین وازجمله نیمی‌ازشهر بیت‌المقدس ضمیمه‌اردن هاشمی گردید یهودیان گذشته از تل ابیب‌ونیمی ازبیت المقدس شهر

حیفارا نیز درتصرف دارند

کشورهای عربی از نخست بااین فکروتصمیم یهودیها مبارزه میکردند واز چندین سال قبل زدوخوردهای شدیدی میان طرفین رخ داد مخصوصاً بعد از استقرار یهوددر این ناحیه، عالم عرب در مقابل آنان قیام واقدام نمودوجنگهای شدیدی بین نیرو های عرب بخصوص سربازان مصری و اردنی با قوای یهودی جریان یافته هنوزهم ادامه دارد عربها هیچگونه دادوستد بایهودیان نمیکنند ، مصریان جلو کشتیهایی راکه بمقصداسرائیل میرود در کانال سوئز میگیرند و اردنی هااز عبور لولههای نفت عراق بحیفا جلو گیری میکنند

باتصرف قسمتی از فلسطین بوسیلهٔ یهودیها ، درحدودنیم ملیون نفر مسلمان عرب بیخانمان وسر گردان شدند وبسیاری از آنان درچادرها و اردوگاههای موقتی بسر میبرند ودرانتظار روزی هستند کهدوباره باوطان خودبر گردند .

سرزمینهای اسلامی عربی در شمال افریقا

در شمال افریقا وجنوب دریای مدیترانه چهار ناحیهٔ اسلامی است که زمانی از نواحی مهم عالم اسلام بشمار میرفته سپس تحت حکومت عثمانی قرار گرفته بعد از آن زیر نفوذ دولتهای استعماری درآمد است ؛ و امروز ساکنان این نواحی درصددند سرنوشت خودرا در دست گیرند و باستقلال کامل نایل آیند . این چهار ناحیه عبارتست : ازلیبی یاطرابلس غرب و برقه ـ تونس ـ الجزایر ـ مراکش که بسه ناحیهٔ اخیر بلاد المغرب نیز گویند واینك راجع بهر یك شرح کوتاهی ذکر میکنیم :

لیبی (طرابلس غرب و برقه)

این سرزمین تاجنك بین الملل اخیر (۱۹۳۹ ـ ۱۹۴۵) جزو مستعمرات ایتالیابود . بعدازخاتمهٔ جنك و شکست ایتالیا ، بعنوان یك کشور مستقل تلقی، وشهر بنغازی مرکزحکومت آن گردید .

علت اینکه بآن طرابلس غرب گویند این استکه درشام نیز ناحیه ای باین نام هست ودر کتب جغرافیای قدیم نام هردو بعنوان طرابلس (بفتح طا وضم با ، ولام) ذکر شده است .

لیبی محدود است از طرف مشرق بمصر از مغرب بتونس از شمال بدریای مدیترانه ازجنوب بصحرای کبیرافریقا(این صحرا ازوسیعترین وخشکترین و گرمترین صحراهای جهان است وعبور از آن بسیار خطرناك میباشد ازهمین جهت تا چند قرن پیش کسی ازجنوب آفریقاآگاه نبودزیرا باوسایل قدیمی رفتن ازشمال افریقابجنوب مستلزم عبوراز این صحرا بود) و بدو ناحیهٔ برقه و طرابلس تقسیم میشود .

مساحت این سرزمین یکملیون کیلو متر مربع وجمعیت آن هشتاد و

پنجهزارنفر است زمینهای حاشیهٔ شرقی و غربی آن قابل کشت و زرع ودیگر اراضی خشك و بیحاصل میباشد محصول عمده .زیتون ؛ خرما و حبوت است از صید ماهی نیز استفاده میشود .

شهرهای معروف ناحیه برقه : بنغازی طبرق وشهر معروف ناحیهٔ طرابلس همان شهر طرابلس است .

بلادالمغرب

مورخان اسلامی بسرزمین وسیعی که در مغرب مصر واقع بود (از حدودلیبی وطرابلس ببعد) افریقیه میگفتند و چندقسمت آباد کوهستانی که درمغرب افریقیه واقع بود بلاد المغرب مینامیدند . که این اصطلاح امروزنیز در کشورهای عربی معمول است .

بنابراین بلادالمغرب سرزمینی است کوهستانی که از طرابلس غرب تا اقیانوس اطلس بموازات ساحل دریا امتداد دارد . دریای مدیترانه در شمال این سرزمین و صحرای کبیر درجنوب آن است . درقسمت کوهستانی سکنه تاحدی فراوان ودرصحرا بسیار کم است . منطقهٔ ساحلی و نزدیك بساحل جزومناطق معتدلهٔ حاره که هوا درتابستان گرم وزمستان معتدل میباشد و باران زیاد میبارد . در صحرا هوا در تابستان بسیار گرم ، در زمستان بسیار سرد و باران کم میبارد .زراعت این نواحی عموماً دیمی میباشد بلادالمغرب ازنظر حکومت بسه قسمت تونس، الجزائر و مراکش قسمت میشود

تونس

تونس طرف شرق بلاد مغرب واقع شده ومحدود است ازطرف شمال بدریای مدیترانه از جنوب بصحرای کبیر از مشرق بلیبی از مغرب بالجزائر. ومساحت آن یکصد وپنجاه هزار کیلو متر و جمعیت آن در

حدود دو ملیون ونیم و کشوری زراعتی میباشد ـ محصولات عمدهٔ آن زیتون ـ حبوب ـ انگور است گاو و گوسفند وشتر در آن پرورش میابد.

شهرهای مهم تونس عبارتاست ازشهر تونس که مرکز این سرزمین است، دیگرشهرهای صفاقس سوس ـ قابس ـ وقیروان ومهدیه

تونس دارای سلطانی است که بآن بای میگویند از زمانیکه تونس تحت حکومت عثمانیها بود ، بفرمانروایان این سرزمین بای که درترکی بمعنی بزرگ است گفته میشده . تونس و شهر قیروان از نظر تاریخی دارای اهمیت بسیار میباشد .

سرزمین تونس تاسال ۱۸۸۱ میلادی تحت حکومت عثمانیها بودواز آن پس زیر نفوذ فرانسویها قرار گرفت ولی در این چند سال نهضتهایی برای رهائی از زیر نفوذ فرانسه در تونس شروع شده که هنوز ادامه دارد .

الجزائر

الجزائر ازطرف مشرق بتونس از مغرب بمراکش از شمال بدریای مدیترانه ازجنوب بصحرای کبیر محدود است . مساحت این سرزمین دو ملیون و یکصد ونود وششهزار کیلومتر مربع وجمعیتش سه ملیون و نیم میباشد . محصولات زراعتی مهم آن انجیر وزیتون .

الجزائر مستعمرهٔ فرانسویهاست . مرکز آن بندر بسیار معروف الجزیره در کرانهٔ دریای مدیترانه ، شهرهای دیگر آن وهران ، بونه در ساحل دریا قسطنطنین ، تلمسان در داخل .

مراکش

مراکش (بضم میم وتشدید راء و کسر کاف) آبادترین و پر جمعیت ترین نواحی بلادمغرب است که ازمشرق بالجزایر ازمغرب باقیانوس اطلس ازشمال بدریای مدیترانه و ازجنوب بصحرای کبیر محدودمیباشد و جمعیت آن پنج ملیون نفر و مساحتش ٤١٥ هزار کیلومترمربع است محصولات مهم زراعتی آن حبوب وزیتون است چهارپایان نیزدر این سرزمین پرورش می یابد مراکش ازسالها پیش تحت نفوذ فرانسه است وسلطانی ازخود مردم که جلو نام او کلمهٔ مولای و گاهی سیدی قرارمیگیرد . باموافقت فرانسویان بر آن حکومت میکند . آخرین سلطان مراکش بنام مولای محمد بن یوسف در سال ۱۹۲۷ میلادی بحکومت برقرار شد تا در چند سال اخیر بمناسبت وقایعی که رخ داد ، دولت فرانسه محمد بن یوسف را از مراکش تبعید کرد و امور آنجا را بدست یکنفر فرانسوی سپرد و یکی از شیوخ محلی را بنام محمّد بن عرفه بسلطنت برقرار ساخت . اوضاع درمراکش طوری پیش آمد که فرانسویها نتوانستند ابن عرفه را درسلطنت نگاهدارند ناچار اورا برکنار کردند وامور بدست شورایی مرکب از چهار نفرازمتنفذین مراکش که هواخواه فرانسه نیز هستند سپردند ومحمدبن یوسف راکه در تبعید بسرمیبرد مجدداً برای زمامداری مراکش ازتبعید خارج ساختند . وی همین روزها بکشورخودمراجعت کرده وبزودی زمام امور رادر دست خواهد گرفت .

قسمت شمالی مراکش که محاذی دریاست ریف نامیده میشود که تحت حمایت اسپانیامیباشد وشهرمعروف وبین المللی طنجه دراین قسمت است .

شهرهای معروف مراکش عبارت است از : فاس ومکناس که این دو

شهردر داخل کشور قراردارد دیگر شهرهای دارالبیضا (گازابلانکا) ورباط درساحل اقیانوس اطلس .

امیر نشینهای خلیج فارس ودریای عمان

درسواحل خلیج فارس ودریای عمان نواحی متعددی استکه بر هر يك يكنفر امير از خودشان فرمانروایی میکند . این نواحی که بآنها شیخ نشین وامیر نشین گفته میشود ، عموماً تحت نفوذ انگلستان میباشد . امیر نشینهای معروف ازاین قرار است :

۱ـ **نواحی نه گانهٔ یمانی**ـ نه ناحیه است که از نظر جغرافیایی جزو یمن است ولی بتدریج ازیمن جداشده و تحت نفوذ انگلستان در آمده مجموع مساحت این نه ناحیه ۲۰۰۰۰ میل و مهمترین قسمت این نواحی حضرموت و لحج میباشد :

حضرموت ناحیهٔ حضرموت سابقاً جزویمن بوده و امروز تحت نفوذ انگلیس قراردارد . حضرموت درطرف مشرق یمن ودرجنوب شبه جزیره عربستان است مساحت آن ۱۲ هزار کیلو مترمربع وشمارهٔ ساکنان دویست هزارنفراست . در حضرموت آثارتاریخی اززمان حمیریها (پادشاهان یمن پیش از اسلام) مشاهده میشود این سرزمین وادی عریض پرآب و گیاهی است ودرآمد مهم آن ازصیدماهی وزراعت میباشد .

حضرموت از سال ۱۸۸۸ میلادی تحت الحمایه انگلستان شده است .

لحج درحدود صدهزارنفرجمعیت دارد که شغل عمومی آنان زراعت است مرکزلحج شهر حوطه میباشد که جمعیت آن دوازده هزارنفراست لحج ازسال ۱۲٥٤ قمری تحت نفوذ انگلستان درآمده است وبامیر آن سلطان میگویند و دارای یکوزیر میباشد.

۲ ـ عمان (بضم عین و تخفیف میم) در زاویهٔ جنوب شرقی شبه جزیره ومشرف برخلیج فارس است ومحصولات زراعتی آن حبوب وخرما (یکنوع خرمای سیاه درعمان است که درهیچ جا نظیر ندارد) و درآمد دیگر این ناحیه از بازرگانی دریائی و صید لؤلؤ میباشد معادن بسیاری درعمان وجود دارد .مساحت عمان یکصد و چهل هزار کیلو متر مربع وطول ساحلی آن چهارصد کیلو متر است

عمان مهمترین امیر نشین‌های شبه جزیره و سکنهٔ آن یکملیون و نیم و تحت الحمایهٔ انگلستان میباشد .

مرکز عمان شهر مسقط است که مشرف برخلیج عمان است و بامیر آن سلطان وامام میگویند . شهرهای دیگر عمان عبارت است از : نزوی مطرح، شحر ، برقه ، نخیل وچند شهر دیگر .

۳ ـ عدن عدن مرکب ازچند امیر نشین میباشد و تحت نفوذ انگلستان است و بوسیلهٔ یك حاکم انگلیسی اداره میشود . مرکز آن شهر عدن واهمیت آن ازلحاظ آمد ورفت کشتیها واینکه یك پایگاه مهم دریائی است میباشد .

٤ ـ کویت کویت سرزمینی است درساحل جنوبی خلیج فارس میان عراق ونجد که مرکز آن شهر کویت در ساحل خلیج فارس است که با توابع خود ، در حدود دویست هزار نفر سکنه دارد ومساحت آن ششهزار میل مربع است وهوای آن گرم میباشد · درکویت سبزی ودرخت کم است وازاطراف وارد میکنند حتی آب شیرین برای آشامیدن از شط العرب بوسیلهٔ کشتی بکویت میبرند . کویت تاسال ۱۹۱۳ میلادی تحت حکومت عثمانی بود وازآن پس زیر نفوذ انگلستان درآمد. ازیکقرن پیش تاامروز

خانواده‌ای بنام آل‌صباح درکویت فرمانروایی میکنند

نفت کویت   در نزدیکی شهر کویت تپه هایی بود که عربها بآن (البرکان) میگفتند (برکان درزبان عربی یعنی آتشفشان). از این تپه‌ها قیر بیرون میآمد وکارشناسان نفت احتمال میدادند درآنجا معدن نفت باشد ودراین باره شروع بمطالعه کردند تا در سال ۱۹۲٤ میلادی مطالعات بنتیجه رسیدو امتیاز آن بشرکتهای خارجی واگذارشد. ازاین بعد وضع کویت بکلی تغییر کردو اهمیت دیگری پیدا نمودو انظار متوجه آن گردید بیکارها بکار گمارده‌شدند. برای استخراج نفت کویت پانزده هزار کارگر ودوهزار انگلیسی وآمریکائی بکار مشغولند و در سالهای اخیر مقادیر زیاد تری استخراج میشود.

غیر از نواحی که‌ذکرشد؛ امیر نشینهای دیگری نیز در خلیج فارس وجوددارد ازقبیل رأس‌الخیمه، شارقه، دوبی، قطر

راجع بامیرنشینها ونواحی واقع در خلیج فارس در چاپ بعد تفصیل بیشتری داده‌خواهدشد.

پایان‌قسمت‌اول جغرافیای اسلام ـ مربوط بکشورهای سرزمینهای اسلامی عربی. قسمت دوم مربوط بکشورهای اسلامی غیر عربی است

مردم مصر جمعیت مصر در حدود چهارده ملیون و نیم است . از این عده تقریباً نهصد هزار قبطی (مردم قدیم مصر) شصت هزار یهودی یکصد و هفتاد هزار مسیحی یکصد و بیست هزار از اقوام بیگانه و بقیه مسلمانند که اغلب آنان سنی شافعی هستند (ناگفته نماند که عده‌ای ایرانی نیز در مصر سکونت دارند که بیشتر آنان بتجارت مشغولند و بسیار مورد اعتماد و احترام مصریان هستند) از این جمعیت در درهٔ نیل در هر کیلو متر مربع بطور متوسط چهارصد و پنجاه نفر ولی در صحراهای اطراف در هر سیزده کیلو متر مربع یکنفر زندگی میکنند . مصریان بدو قسمت شهر نشین و صحراگرد تقسیم میگردند . شهرنشینان مصری از لحاظ تمدن و فرهنگ جدید پیشرفتهای بسیار کرده‌اند .

تشکیلات کشور مصر کشور باستانی مصر تا چند سال قبل مشروطه سلطنتی بود و سلطنت مطابق قانون اساسی آن کشور در خاندان محمد علی پاشا قرار داشت آخرین پادشاه این خانواده ملک فاروق بود که اکنون در ایتالیا بسر میبرد ؛ فعلا مصر دارای پادشاه نیست امور آن بوسیلهٔ شورایی بنام شورای انقلاب اداره میشود، تا وقتی که در مصر سلطنت برقرار بود ؛ دو مجلس قانونگزاری شورای ملی و سنا وجود داشت و هیئت وزیران مرکب بود از رئیس الوزراء و دوازده وزیر دیگر ولی بعداً تغییراتی در اوضاع آن داده شد . مصر در کشورهای مهم دنیا سفارتخانه و سفیر دارد و کشورهای دیگر نیز در مصر نماینده دارند از جمله ایران و مصر بپایتختهای یکدیگر سفیر کبیر اعزام می‌کنند . زبان رسمی مصر زبان عربی است

فرهنگ مصر مصر از نظر فرهنگ عمومی و معارف جدید از اغلب کشورهای شرقی جلواست ؛ زیرا گذشته از تمدن بسیار قدیمی که دارد

اززمان محمد علی‌پاشا مصریان باتمدن اروپایی وعلوم جدید آشناشدند ومدارس متعدددر آن کشور تأسیس گردیدتاامروز که‌دارای چنددانشگاه میباشد؛ محمدعلی‌پاشا(دریکصدو کسری سال‌قبل) بمصر خدمات‌بسیاری کرد تشکیلات فعلی مصر رااوپایه‌گزاری نمود ؛ امور اداری و قضایی مصررامرتب کرد ، زراعت‌راروی اصول‌صحیح آورد ؛سربازان را برسم جدیدتربیت‌نمود ؛ کارخانه کشتی‌سازی تأسیس کرد ؛ محصل باروپا فرستاد ؛ دستورداد کتابهای خارجی‌را بعربی ترجمه‌کردند ؛روزنامه در مصر تأسیس‌نمود ، مدارس ابتدائی ومتوسطه‌وعالی برقرار ساخت . بعد از محمدعلی پاشا جانشینان او اقداماتش راتعقیب کردند وفرهنگ مصر راوسعت‌دادند ، امروز گذشته‌ازصدها دبستان ودبیرستان که‌درقسمتهای مختلف مصر وجود دارد و صدها هزار دانش آموز در آنها بتحصیل مشغولند؛ و گذشته از دانشگاه قدیمی الازهر ؛ در مصر دو دانشگاه یکی درقاهره ودیگری دراسکندریه میباشد ، دانشگاه‌قاهره که بعداً بدانشگاه فؤاد اول‌نامیده‌شد ، درسال ۱۹۰۸ میلادی تاسیس گردید و ودرسال ۱۹۲۳ رسماً جزو بنگاههای دولتی درآمد و باین نام موسوم گردید این دانشگاه دارای هشت دانشکده میباشد که یکی از آنها دانشکده ادبیات‌است .

تدریس فارسی ازموادی که‌دردانشکدهٔ ادبیات‌دانشگاه‌فؤاداول درس‌داده‌میشود ؛ زبان‌فارسی است .

استادان فارسی دراین‌دانشکده‌یاایرانی‌هستند یافارغ‌التحصیلان‌همان دانشکده میباشند ، جوانان دانشجوی مصر بزبان فارسی علاقهٔ زیادی نشان میدهند ومحققان مصری بکتابهای فارسی توجه‌مخصوص دارند .

وتا کنون قسمتی از آثار فارسی را بعربی ترجمه کرده‌اند، ازجمله یکی از محققان فاضل مصری که گویا از تحصیل کردگان این دانشکده میباشد کتابی تحت عنوان (سعدی الشیرازی) تألیف کرده: این کتاب درحدود پانصد صفحه بقطع وزیری میباشد و درسال ۱۹۵۱ چاپ شده؛ قسمتی از آن تحقیق دربارهٔ زندگانی سعدی قسمتی دیگر ترجمهٔ، بوستان سعدی میباشد همین نویسنده قبلا ، کتاب تاریخ ادبیات تألیف آقای دکتر شفق را بعربی ترجمه کرده بود که درسال ۱۹٤۷ چاپ شده است ، ازاین دو ترجمه اندازهٔ علاقه احاطهٔ این نویسنده بزبان فارسی معلوم میشود .

جامع الازهر درزبان عربی بدانشگاه جامع و بدانشکده کلیه گویند ؛ الازهر چون دارای چند دانشکده است (دانشکدهٔ فقه و دانشکدهٔ زبان عربی و دانشکدهٔ اصول دین) بآن دانشگاه گفته میشود ؛ شاید امروز بتوان الازهر را قدیمیترین دانشگاههای دنیادانست زیرا متجاوز از هزار هزار سال از تأسیس آن میگذرد و بناکنندهٔ آن یکنفر از سرداران شیعه بنام جوهر صقلی است و نام آن را بمناسبت نام مبارك حضرت زهرا سلام‌الله علیها ازهر گذاشت واز آنزمان یعنی ازسال ۳٦۱ هجری تا حال تقریباً همواره دائر بوده است جز درمواردی که خرابی بآن راه یافته و بتعمیر و یا تجدید ساختمان نیازمند شده است اکنون جامع الازهر دارای یك مدرسهٔ ابتدائی یك متوسطه و سه مدرسهٔ عالی است و متجاوز از یك هزار معلم دارد و تعداد شاگردان بین ده و پانزده هزار نفر است ، و دراین مدرسه کتابخانه ای میباشد که دارای بیش از هفتاد هزار جلد کتاب است .

درالازهر علوم مربوط باصول دین و تفسیر قرآن ؛ وفقه بتفصیل تدریس میشود و ازاغلب کشورهای اسلامی دانشجویانی درآن بتحصیل اشتغال

دارند برای پذیرفته‌شدن در این مدرسه شرائط خاصی است و برنامهٔ آن هم بسیار مفصل است.

مطبوعات مصر شروع بچاپ کتاب و روزنامه در مصر از زمان محمد علی پاشا میباشد، در مصر مجله‌ها و روزنامه‌های مهم و معروفی منتشر میشود که اغلب آنها بزبان عربی و بعضی از آنها بزبان‌های انگلیسی و فرانسه است کتابهایی نیز که در مصر چاپ میشود چه از نظر خود کتاب که اغلب از کتابهای معروف اسلامی و چه از نظر پاکیزگی و خوبی چاپ و تصحیح عالی که در سالهای اخیر میشود. در عداد بهترین مطبوعات جهان محسوب میگردد و زینت بخش کتابخانه‌های دنیا میباشد .

مجله های فارسی در مصر از حدود شصت سال پیش تا امروز چند مجله بزبان فارسی بوسیله ایرانیان مقیم مصر چاپ شده که از میان آنها مجله‌های پرورش که مدیر آن علیمحمد خان پرورش است و حکمت و چهره‌نما از همه معروفتر است . مجلهٔ چهره‌نما که هنوز هم در قاهره چاپ و منتشر میشود از پنجاه و چند سال پیش بوسیله یك نفر اصفهانی بنام آقای عبدالحمید ایرانی تأسیس یافت و پس از فوت او فرزندش تا کنون بانتشار مجله ادامه داده است.

تاریخچهٔ مصر تاریخ مصر از دیگر ملتها، قدیمتر است زیرا طبق مدارك و نوشته‌هائی که امروز در دست میباشد ، متجاوز از ششهزار سال پیش در این سرزمین حکومت و تمدنی وجود داشته و معماری و صنایع دیگر در آن رایج بوده است . تا یکصد و پنجاه سال پیش اطلاع دقیقی از تاریخ مصر در دست نبود . در آن تاریخ یعنی هنگامیکه ناپلئون بناپارت مصر را متصرف شد . یکی از دانشمندان فرانسوی بنام شامپلیون

که همراه او بود توانست نوشته هایی را که از مصر قدیم باقیمانده بود بخواند واز اینوقت معلوم شد که مصریان باستان دارای چه وضعی بوده وچند سلسله از پادشاهان بر آن حکومت کرده اند . خط قدیم مصریها بخط تصویری معروف است زیرا حروف آن شبیه بصورت حیوان و گیاه و چیزهای دیگر بوده است . ولی خود بآن هیروکلیف یعنی خط مقدس میگفتند . مطابق اسنادی که بدست آمده از قبل از ششهزار سال پیش سلسله پادشاهانی در مصر سلطنت میکرده اند که بآنان فرعون میگفته اند (فرعون در زبان مصریان قدیم که بآنان قبطی میگویند بمعنی پادشاه یا آفتاب است وبعضی گفته اند ؛ فرعون یعنی درخانهٔ بزرك که مقصود دربار پادشاه است جمع فرعون درعربی فراعنه میباشد) فرعونها که بسی ویك سلسله بالغ میشوند از سال ٥٠٠٤ پیش از میلاد مسیح تا سال ۳۳۲ پیش از میلاد سلطنت کرده اند .

حضرت یوسف با فرعون داستان حضرت یوسف ومقامی که در نزد فرعون یافت در کتابهای تاریخ واخبار واحادیث شرح داده شده است : حضرت یوسف را برادرانش درچاه کنعان (در فلسطین) انداختند . سپس قافله ای که از آنجا عبور میکرد اورا ازچاه بیرون آورد وباخود بمصر بردو بفروش رسانید ولی آنحضرت پس از چند سال مقام شامخی یافت ودر دستگاه فرعون قدرت کاملی بدست آورد . قصهٔ حضرت یوسف و خوابی که دید واینکه چطور برادرانش براو حسد بردند واز پدرشان یعقوب اجازه گرفتند یوسف را بگردش وشکار ببرند ولی وی را در چاه انداختند وامور دیگری که بعد از آن اتفاق افتاد ، در قرآن مجید سورهٔ دوازدهم (سورهٔ یوسف) ذکر شده است . بعقیده جمعی از مورخان

فرعون معاصر باحضرت یوسف ازسلسله شانزدهم بود (این‌سلسله ازسال ۲۰۰٤ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد سلطنت کردند) که رع کانن نام داشت ونویسندگان‌عرب باوریان‌بن‌الولید گویند.

حضرت موسی با فرعون — قصهٔ حضرت موسی بافرعون هم در قرآن مجید وهم دراخبار واحادیث بتفصیل هرچه تمامترذکر شده درقرآن نزدیك بهفتاد مرتبه‌نام فرعون و چند مورد نام مصر آمده است. فرعونی که‌حضرت موسی درزمان اوتولد یافت ازسلسلهٔ نوزدهم بوده (این سلسله از۱٤٦۲ تا۱۲۸۸پیش ازمیلاد مسیح‌سلطنت کرده‌اند) ورامسس دوم‌نام‌داشته است. دراین‌زمان‌بنی‌اسرائیل(قوم حضرت‌موسی علیه‌السلام)در مصر سکونت داشتند، حضرت موسی که به پیغمبری مبعوث شد، فرعون باآنحضرت بمبارزه برخاست. حضرت موسی‌با بنی‌اسرائیل از مصر حرکت کرد واز دریای قلزم (دریای احمر) یارودنیل گذشت، فرعون باجمیع سپاه وحشم خود، حضرت‌موسی‌و بنی‌اسرائیل راتعقیب کرد ولی‌خودوهمراهانش غرق شدند.

از قصه‌های پیغمبران گذشته که در قرآن ذکر گردیده هیچیك مانند قصهٔ حضرت موسی و برادرش هارون و قوم بنی‌اسرائیل و فرعون مفصل ذکر نشده است.

مصر ازانقراض‌فراعنه تاظهور اسلام — درزمان سلسلهٔ بیست وششم فراعنه، کمبوجیه پادشاه‌هخامنشی بمصر لشکر کشید، وازاین‌بعد این کشور تحت‌تصرف ایران‌درآمد. پادشاهان ایران بخصوص داریوش بزرك در آبادانی مصر کوشش فراوان کردند. داریوش شاید نخستین کسی باشد که دریای‌مدیترانه‌را ازراه‌رودنیل بدریای‌احمر پیوست.

درسال ۳۳۲ قبل ازمیلاد اسکندرمقدونی مصررا تسخیر کردو شهر اسکندریه رابنا نهاد بعد از اسکندر جانشینان او در مصر بنام بطالسه (جمع بطلمیوس ، چون لقب عمومی آنان بطلمیوس بود) تاسال ۳۰ قبل از میلاد سلطنت کردند . سپس رومیان برمصر غلبه کردند و در تصرف ایشان بود تاسال بیستم هجری که بدست مسلمانان فتح شد .

تاریخ مصر بعد از اسلام

شرح فتح مصر رابدست مسلمانان درتاریخ اسلام خواهید خواند ، فتح مصر درزمان عمر بوسیلهٔ عمروعاص انجام شد (درمحرم سال هشتم هجری) . عمرو پس ازتصرف مصر ، شهر فسطاط رابنا کرد ومرکز مصرقرارداد ورودنیل راباکندن خلیجی بدریای احمر متصل نمود تا آمد ورفت کشتیها ازشبه جزیرهٔ عربستان بمصر آسان گردد . ازاین ببعد درهرزمان مصر بوسیلهٔ یکنفر والی که ازطرف خلیفه وقت معین میگردید اداره میشد ، تااول قرن سوم که مردی بنام احمدبن طولان خودرا درمصر مستقل خواند و تا اواخر قرن سوم خودو پسرانش حکومت کردند تا دوباره مصردر تصرف خلفای عباسی درآمد . در سال ۳٦۲ هجری مصر در اختیار خلفای فاطمی که در شمال افریقا حکومت میکردند وشیعهٔ اسماعیلی بودنددرآمد ، دراین زمان مردی بنام جوهر صقلی که فرماندهی سپاه المعز لدین الله خلیفهٔ فاطمی را داشت . مصررا فتح کرد ودر حدود فسطاط شهرقاهره راساخت ، شعارهای مذهب مقدس شیعه را دراین شهر رواج دادو دستور داد نام ائمهٔ اطهار (ع) درخطبه‌ها ذکر کنند ،

شهر قاهره از آن تاریخ (سال ۳٦۲) تاکنون مرکز مصر است . جوهر جامع الازهر رانیز درهمان تاریخ بنانمود . بیش ازدوقرن خلفای فاطمی درمصر حکومت داشتند . تاپس ازوقایعی که رخ دادصلاح الدین ایوبی

پادشاه معروف که‌اصلا ایرانی و کرد بود بر آن غلبه کرد (صلاح الدین ایوبی همانطورکه درتاریخ اسلام میخوانید . بزرگترین سردار اسلامی در جنگهای صلیبی بود که بارها سپاه عظیم مسیحیان را که چندتن از پادشاهان معروف اروپا درآن شرکت داشتند ، شکست داد) ، درسال ٦٥٤ که خلافت عباسی در بغداد منقرض شد . مردی بنام احمد که‌خود رااز فرزندان ناصر خلیفهٔ عباسی میدانست ، در مصر بخلافت نشست ولی‌از خلافت جز نامی نداشت واختیار دردست امرای ترك بنام ممالیك بود ، در سال ۹۲۳ هجری سلطان سلیم پادشاه معروف عثمانی (شرح سلطنت پادشاهان عثمانی رادر جغرافیای ترکیه خواهید خواند) بمصر حمله‌کرد وبرآن دست یافت وخلیفهٔ عباسی مصررا بنام المتوکل علی‌الله محمدمجبور کردکه خلافت راباو واگذارد ونشانه‌های خلافت راکه عبارت بود ازیك رایت‌و شمشیر وجبه‌ای که‌ادعا میکردند اززمان حضرت پیغمبر (ص) باقی مانده بضمیمهٔ کلیدهای دوحرم مکه ومدینه‌از اوتحویل گرفت ازاین ببعدمصرتحت تسلط پادشاهان عثمانی‌بود تازمان محمدعلی پادشای معروف .

تاریخ مصر از زمان محمدعلی پاشا تاامروز

محمدعلی‌پاشا اصلااهل آلبانی‌است (آلبانی‌تنها کشوراسلامی است که‌دراروپا واقعشده وبعداً شرح‌داده میشود) که‌درابتدا درسلك سپاهیان عثمانی‌بودوازجوانی‌رشادتهای‌بسیاری‌ازاوبروزکرد ، دراوایل‌قرن‌سیزدهم هجری‌بمصرآمدووضع آشفتهٔ‌آنجاراسروسامانی‌داد، درآنوقت‌مصرتحت حکومت عثمانیهابود حکومت عثمانی که‌در آنموقع درسراشیبی سقوط قرار داشت گرچه مرتب فرمان‌برای محمدعلی‌پاشا میفرستاد ولی درواقع

در مصر هیچ اقتداری نداشت و محمدعلی پاشا در آنجا فرمانروای مطلق بود وی توانست سودان را نیز ضمیمه حکومت خود کند و چون وهابیها که در آنزمان تازه ظاهر شده بودند نجد و حجاز را تهدید میکردند محمدعلی پاشا چندبار لشکر بدفع آنـان فرستاد و بایشان شکستهای فاحش وارد آورد . محمدعلی پاشا پس از اینکه در مصر مستقر شد و قدرت ممالیك را که در آنوقت فرمانروای واقعی مصر بودند از میان برد ، شروع باصلاحات کرد وضع اداری و قضائی را مرتب نمود . در پیشرفت زراعت کوشید ، امور سپاه را منظم و مدرسه نظام بطرز اروپا تاسیس کرد ، در اسکندریه کارخانهٔ کشتی سازی ترتیب داد ، بازرگانی مصر را روی اصول صحیح آورد کارخانه های متعدد پارچـه بافی و اسلحـه سازی ایجاد نمود. مدرسه طب و مریضخانه های بسیار بساخت . در نشر علم و فرهنگ و تأسیس مدرسه و اعزام محصل باروپا و ایجاد چاپخانه کوشش کامل بکار برد ، محمدعلی پاشا درسال ۱۸٤۸ میلادی درگذشت و بعد از او پسرش ابراهیم پاشا که او نیز مرد بسیار لایقی بود بحکومت مصر رسید . در زمان سعید پاشا و فرزندش اسماعیل پاشا یکی از نوادگان محمدعلی پاشا ترعهٔ سوئز که دریای مدیترانه را بدریای سرخ وصل میکرد کنده شد و درسال ۱۸٦۹ میلادی (درحدود هشتاد چندسال پیش) باتشریفات مفصلی افتتاح یافت . ولی چون امور مالی مصر مختل شد و حکومت مصر مبالغ زیادی از انگلستان وام گرفته بود اسماعیل پاشا ناچار سهامی که از کانال سوئز باو تعلق داشت بانگلیسیها واگذار نمود . حکومت مصر در دست فرزندان محمدعلی پاشا بود ولی هیچیك عنوان پادشاهی نداشت زیرا بحسب ظاهر از طرف عثمانیها بودند و از این جهت تازمان اسماعیل پاشا بآنان والی و از آن پس خدیو گفته میشد ،

درجنك بین‌الملل اول همانطور که میدانید حکومت عثمانی که از سالها پیش روبانقراض گذاشته بود، بکلی ازمیان رفت وازسال ۱۹۲۳ میلادی ملك‌فؤاد فرمانروای آنروزمصر عنوان پادشاهی یافت وبنام اعلیحضرت فؤاداول نامیده‌شد بعدازاوفرزندش فاروق بپادشاهی مصر رسید لیکن درچند سال‌قبل بواسطه پیش آمدهایی که‌در آنمملکت رخ‌داد ناچار مصر را ترك گفت وهمانطور که گفته‌شدامروزمصر دارای پادشاه نیست و امور تحت نظر شورایی بنام شورای انقلاب اداره‌میشود .

آثارتاریخی مصر آثار تاریخی بساختمانها وصنایعی گفته میشود که‌اززمانهای باستانی باقیمانده هرمملکت که دارای این آثار باشد، معلوم‌میشود که‌دارای تاریخ وتمدن قدیمی‌است درمصر ازاین‌قبیل آثار فراوان‌است که ازهمه مهمتراهرام وابوالهول میباشد. چندین ساختمان هرمی شکل‌اززمان فراعنه برجا مانده‌که ازهمه‌عظیمتر هرم‌خئوپس(بنام فرعونی که‌آنراساخته وخئوپس نامداشته‌است)این هرم ۱۵۰ مترارتفاع دارد درداخل اهرام جسدهای‌مومیائی‌شده مربوط بهزارها سال‌قبل‌وجود دارد ونوشته‌های بسیاری ازخط‌باستانی مصریان بنام هیرو کلیف (خط تصویری) بدست آمده‌است . هرم خئوپس ودوهرم دیگر و ابوالهول در محلی‌بنام جیزه‌وقبرهای کهنه و مربوط بفراعنه که مصریان بآن مصطبه میگویند درمحل‌دیگری بنام(سقاره) میباشد.اینهاهمه‌نزدیك‌شهر قاهره است ولی آثاردیگر فراعنه‌درجنوب‌مصر ودورازقاهره‌قراردارد .

قاهره پایتخت مصرشهر عظیم وتاریخی قاهره است که در جنوب دلتا (دلتا محلی‌است که‌آب رود نیل بدریا میریزد) طرف‌مشرق رود نیل قراردارد .

این شهر همانطور که گفته شد، دراواسط قرن چهارم هجری بوسیله خلفای فاطمی در شمال شهرقدیمی فسطاط بنا شد .

شهرقاهره بیش از یکهزار سال است که مرکز مصرمیباشد . این شهر امروزدر حدود یکملیون ونیم جمعیت دارد و از زیباترین وآبادترین پایتختهای کشورهای شرقی محسوب میشود .

قاهره از لحاظ ساختمانهای جدید عالی و وسایل امروزی زندگی ازقبیل لوله کشی وبرق وامور دیگر بسیار کامل واز بیشتر پایتختهای ممالك اسلامی جلوتر است .

همانطور که گفته شد قسمت مهمی ازاهرام مصر درنزدیکیهای قاهره در محلهائی بنام جیزه وسقاره واقعشده . همچنین بناهای معظمی ازدوره های مختلف اسلامی ، درقاهره وجوددارد که عظمت مخصوصی باین شهر داده است . در قاهره خیابانها و بناهای باشکوه ، کاخهای عالی سلطنتی موزه‌های متعدد ، کتابخانه‌های مهم بسیار است . درمیان مساجد قاهره مسجد محمدعلی که بانی آن محمدعلی پاشامیباشد واز کاخها کاخ عابدین وکاخ قبه که هردو بدستور خدیو اسماعیل (درحدود هشتاد سال پیش) بناشده ، مشهور تراست .

ازموزه‌های مصر موزه آثار باستانی که درآن اشیائی مربوط بفراعنه که ازاهرام ونقاط دیگر بدست آمده نگاهداری میشود وموزهٔ کشاورزی مشتمل بر کلکسیونهای نباتی وامور مربوط بکشاورزی که بطرز دقیق علمی ترتیب داده شده بسیار دیدنی است . درمیان کتابخانه‌های قاهره کتابخانهٔ سلطنتی بواسطهٔ قرانهایی مربوط بقرن اول هجری که درآن وجود دارد و ازلحاظ کتابهای بسیار نفیس خطی در جهان شهرت دارد.

راس الحسین(ع) و درقاهره محلی است بنام رأس الحسین علیه السلام که مرقد حضرت زینب(ع) بعقیده بسیاری از نویسندگان ومورخان قدیمی ومعروف مصری محل دفن سرمطهر حضرت امام حسین (ع) میباشد و نیز طبق نوشتهٔ بعض دیگر از نویسندگان معروف ، مرقد مطهر حضرت زینب (ع) نیز دراین شهر قراردارد ولی عموم نویسندگان مرقد حضرت زینب رادرشام میدانند وصحن وسرای اودر دمشق زیارتگاه مسلمانان است سال گذشته ازطرف شیعیان ایران ضریح بسیار نفیسی تهیه و برای مرقد آنحضرت (ع) بدمشق فرستاده شد .

بندر سوئز سوئز یابقول مصریان سویس نام بندری است متعلق بمصر درساحل دریای احمر ، این بندر در نزدیکیهای خرابه‌های شهر قدیمی قلزم بناشده . سوئز سه کیلومتر تادریای احمرفاصله دارد که قبل از کنده شدن ترعه نیز اهمیت مخصوص داشته است زیرا مال التجارهٔ هائی که ازچین وژاپون وهند باروپا حمل میشد ، باکشتی تااین بندر میآوردند ، سپس بازاه آهن و وسائل دیگر باسکندریه میبردند واز آنجا از راه دریای مدیترانه بهرجا میخواستند حمل میکردند . این شهر امروز در حدود چهل هزار نفر جمعیت دارد و دارای منظره ای نیکو و باغهای فراوان است ونزدیکترین شهر مصر بحجاز میباشد .

ترعهٔ سوئز فکر متصل کردن دریای مدیترانه بدریای سرخ ازقدیم درمیان پادشاهان وحکام بوده‌است زیرابااراه یافتن این‌دودر یابیکدیگر شرق وغرب زمین از راه نزدیك دریائی بیکدیگر اتصال میافت وحمل کالاهای بازرگانی و لشکر کشی بسیار آسان میشد ،

یکی از فراعنه درصدد برآمد نیل‌را بدریای احمر راه‌دهد؛ داریوش

پادشاه بزرگ ایران که مصر را نیز در تصرف داشت ، این فکر را بمرحلهٔ عمل در آورد چنانکه خود در یکی از کتیبه‌ها که ازوی بیادگار مانده باین امر اشاره کرده است ، بطلمیوس دوم نیز دراین باره اقداماتی کرد در دورهٔ اسلام عمروعاص بعد از فتح مصر نیل را بدریای احمر وصل کرد

هنگامیکه ناپلئون بمصر لشکر کشید ، تصمیم باتصال این دو دریا بیکدیگر گرفت ولی توفیق نیافت تا در سال ۱۲۷۲ هجری قمری که یکنفر فرانسوی بنام فردیناند دولسپس از سعید پاشا والی مصر فرمانی گرفت که بموجب آن میتوانست شرکتی تشکیل دهد وهرطور میداند دو دریای مدیترانه واحمر رابیکدیگر متصل نماید ، سهام این شرکت را همه کس از هر ملت و نژادی که بود میتوانست خریداری کند ، مقدار مهمی ازسهام رافرانسویها خریدند . سعیدپاشا نیزسهام بسیاری را خرید بقیه‌را آلمانیها ودولتهای دیگرخریدند . لسپس‌ودیگر مهندسین در آوریل ۱۸۵۹ میلادی مطابق با ۱۲۷۹ هجری شروع بکار کردند درمدت ده سال کانال را که‌از سوئز در دریای‌احمربا پورت سعید در دریای‌مدیترانه‌امتداد‌داشت کندندودر نوامبر ۱۸۶۹ میلادی‌مطابق ۱۲۸۹ هجری‌باتشریفات‌مخصوص گشایش‌یافت.چندسال‌بعد که‌اسماعیل‌پاشا(والی مصر بعدازسعیدپاشا)سخت‌درمضیقه‌مالی‌بود‌انگلیسهاتوانستندبوسائلی‌سهام مصر راخریداری کنندودرنتیجه‌بر کانال سوئزتسلط‌یابند . اهمیت‌بازرگانی وجنگی‌ترعه سوئز بحدی استکه دردنیا کمتر نقطه‌ای بآن‌میرسد .

مختصات ترعه طول ترعه ازپورت سعید در دریای مدیترانه تاسوئز در دریای سرخ ۱۶۸ کیلو متر و عرض آن از چهل‌وپنج تاشصت متر میباشد وعمق ازدوازده تاسیزده متربطور متوسط روزی دوازده کشتی

از ترعه میگذرد ودر حدود پانزده ساعت این مساحت را می پیماید ، کشتی‌ها درهر یك ازدوبندر پورت سعید وسوئزدر ساعتهای معینی پشت سرهم حرکت میکنند وحرکت آنها نظم وترتیب خاصی دارد :

کشتی‌های مصری از پرداخت عوارض معافند ولی کشتی های‌دیگر مطابق ظرفیت خود موظف بپرداخت عوارض هستند مثلا یك کشتی مسافر بری ده هزار تنی باید برای‌عبور ازترعه درحدود هفتهزار وپانصد دلار بپردازد وازاینراه عوایدزیادی بسهامداران میرسد بطوریکه بعضی ازسالها بصاحبان سهام بیشتر ازنصف ارزش سهام آنان سودعایدمیشود ،

هیئت مدیرهٔ کانال سی ودونفر است که شانزده نفر فرانسوی ، ده نفر انگلیسی ، چهارنفر مصری ویکنفرهلندی واین اواخر یکنفرآمریکایی نیز ضمیمه شده است ، ریاست این هیئت بعهدهٔ یکنفر فرانسوی میباشد

در اهمیت این کانال همین بس که راه شرق بغرب رادر حدود ده‌هزار کیلو متر نزدیك کرده زیرا اگر کانال سوئز حفر نشده بود . کشتیهایی که از آسیا باروپا رهسپار میشد لازم بود افریقا را دور بزند و وارد اقیانوس اطلس شود .

استفادهٔ از کانال بعقیدهٔ هیئت مدیرهٔ آن برای عموم ملتها آزاد است چه در موقع صلح و چه درزمان جنگ ، ولی مصریان این امر را قبول ندارند و کانال را از آن خود میدانند .

سودان

سودان در جنوب مصر واقعشده و در قدیم بآن بلاد نوبه میگفتند مساحت سودان دو ملیون و ششصد هزار کیلو متر و دارای هفت ملیون جمعیت میباشد این‌سر زمین نیزمانند مصراز نیل بهره‌مند میشود . مرکز سودان شهر معروف خرطوم است که زمانیکه در دنیا برده فروشی معمول بود ، ازنظر تجارت غلام و کنیز اهمیت مخصوص داشت شهرهای دیگر سودان‌بربره ، امدرمان وبندر پورسودان در کنار دریای احمر است سودان از نظر جغرافیایی جزو مصر است ولی از سالها پیش تا امروز ،مصر و انگلستان باهم در آن حکومت میکنند



٤ ـ عراق

عراق کشور کوچکی است که در مغرب ایران واقع شده و مساحت آن در حدود یکصد و چهل و سه هزار میل مربع (میل واحد طول مساوی ۱۶۰۹/۹۲ متر) وطول هفتصد و پنجاه کیلومتر و عرض آن سیصد کیلومتر میباشد این کشور از طرف شمال بترکیه . از مشرق بایران از مغرب بشام وماوراء اردن واز جنوب بنجد وخلیج فارس محدود میباشد .

جمعیت عراق طبق احصائیه سال ۱۹٤٥ بالغ بر چهار ملیون و ششصد و یازده هزار و سیصد و پنجاه نفر است (در حدود نیم ملیون از آنان کرد هستند وعدهٔ بسیاری ایرانی در آنجا سکونت دارند و زبان فارسی در بسیاری از شهرها رواج دارد)

درقسمت شمال یعنی شهرهای کردنشین اربیل . سلیمانیه و کرکوك بزبان کردی و در نواحی نزدیك مرزهای ترکیه بزبان ترکی نیز تکلم میشود مردم عراق عموماً مسلمان و بسیاری از آنان شیعه هستند پایتخت عراق شهر تاریخی بغداد و شهرهای معروف آن اماکن مقدسه کربلا ؛ نجف ؛ کاظمین ؛ سامرا ؛ وشهرهای کوفه بصره حله ، موصل ، کرکوك و سلیمانیه میباشد.

شیعیان عراق ازسالهای پیش عده زیادی از ایران بعراق رفته و در آنجا سکونت اختیار کرده اند ، این عده اغلب در شهرهای متبرك کربلا و نجف سپس در نواحی دیگر عراق ساکنند ؛ مخصوصاً در شهر کربلا بیشتر

کسبه بازار ایرانی هستند و زبان فارسی در این شهر رواج دارد . گذشته از ایرانیان ساکن عراق بسیاری از خود عراقیها نیز شیعه هستند و در چند شهر اکثریت با شیعیان است بعلاوه چندین قبیله از قبایل ساکن سواحل شط فرات که از شجاعترین قبیله های عراق محسوب میشوند ، دارای مذهب مقدس شیعه میباشند .

وضع اراضی و آب و هوا محصولات و عائدات عراق

از طرف مغرب که وارد عراق میشوید بهر طرف بروید زمین صاف و شنزار است هیچ کوه و تپه دیده نمیشود ، جنوب و مغرب این کشور نیز کویر و شبیه بصحراهای نجد میباشد ؛ ولی قسمت شمال کوهستانی و دارای قله های بلند است ، آب و هوای عراق سالم و در اغلب نواحی هوا در زمستان معتدل و در تابستان گرم میباشد ؛ در شمال هوا خنک و شبیه بکردستان ایران است ، عراق کشوری است کشاورزی و اراضی آن ؛ بسیار حاصلخیز مهمترین محصولات آن خرما است که ١٦٩ و بقولی سیصد نوع از آن در این کشور بعمل میآید و بنقاط مهم جهان صادر میگردد

محصول سالانهٔ خرمای عراق چهارصد هزار تن است که هر تن بطور متوسط پس از صدور از کشور بچهار لیره فروش میرود نخلستانهای عراق که شاید در دنیا کم نظیر باشد اغلب در اطراف شط العرب و فرات است شمارهٔ نخلها (درختهای خرما) در عراق بموجب احصائیه اخیر سی و پنج ملیون میباشد

قسمتی از نخلستانهای عراق از سواحل شط العرب در ایران یعنی از خرمشهر و آبادان تا خلیج فارس مشاهده میشود ، غیر از خرما برنج ، گندم ، جو ، ذرت ، پنبه انواع حبوب و میوه مخصوصاً مرکبات در عراق نیکو بعمل میآید ، در میان

شهرهای عراق شهر کربلا بفراوانی وخوبی میوه معروف است . کشور عراق حاصلخیزی خودرا مرهون دوشط معروف وپر آب فرات و دجله میباشد کهچون بیشتر اراضی درمیان این دونهر واقعشده . سابقاً بعراق بین‌النهرین میگفتند .

گذشته ازمحصولات کشاورزی عراق نفت این کشور نیزیك منبع‌مهم عایدات بشمارمیرود قسمتی از چاههای نفت‌درسی‌میلی‌جنوب‌خانقین قرار دارد کهدرخانقین تصفیه و باطراف حمل‌میگردد قسمتی‌دیگر در شمال شرقی نزدیك کردستان ایران واقعشده و بوسیلهٔ لوله‌هایی که تا دریای مدیترانه کشیده‌شده بدنیاصادر میگردد .

منبع دیگر عایدات عراق مالیات بر کالاهای ترانزیتی است یعنی مال‌التجاره‌هایی که متعلق بدولتهای دیگراست‌وازعراق‌عبور میکنند این مالیات درسال ١٩٤٥ (دهسال پیش) بالغ‌برده‌ملیون‌دینار بود .

دولت عراق ازکشتی‌رانی در شط‌العرب نیز هرسال‌عوائد سرشاری بدست میآورد

دونهردجله‌وفرات نهردجله تقریباً یکهزار و چهارصد و هفتاد میل طول‌دارد وسرچشمهٔ آن‌در ترکیه ، قسمت ارمنستان میباشد و از شمال واردعراق میشود . طول‌شط‌فرات درحدود یکهزاروششصد وبیست‌میل است کهآن نیزاز کوهستان جنوبی ترکیه سرچشمه میگیرد و پس از عبوراز سوریه‌ازسمت‌شمال‌غربی‌وارد عراق‌میگردد . این دونهردرامتداد یکدیگرجریان‌داردتانزدیکیهای‌بصره‌درمحلی‌بنام‌قرنه باهم‌یکی‌میشود و ازاین‌ببعدنام‌شط‌العرب‌پیدامیکند . شط‌العرب‌ازبصره کهمیگذردحدفاصل میان‌ایران‌وعراق‌است‌یعنی‌طرف‌راست آن‌عراق‌وطرف‌چپ ؛ ایران‌میباشد .

درمقابل خرمشهر، شط کارون نیز باین شط وصل و رودعظیمی تشکیل میدهد که از آبادان عبور میکند و بخلیج فارس میریزد ، طول شط العرب ازقرنه تاخلیج یکصد و هشتاد کیلومتر میباشد دو شط دجله و فرات قابل کشتی رانی است و هر سال مقادیر زیادی کالا بوسیله این دو رودخانه حمل میشود .

تاریخچهٔ عراق سرزمین عراق از برکت دو شط بزرگ دجله و فرات ازقدیم طرف توجه بوده و دارای تمدنی باستانی است . شهرهای معتبر قدیمی بابل و نینوی در عراق قرار داشته و حکومتهای کلده و آشور که شرح آنرادر تاریخ عمومی میخوانید دراین سرزمین بوده است . همان طوریکه درتاریخ عمومی خواهیدخواند ، حکومت بابل بدست هخامنشی ها منقرض شدو ازاین پس درقلمرو ایران قرار گرفت ، بعداز حملهٔ اسکندر عراق بدست او افتاد ، پس از مرگ اسکندرعراق مدتی در تصرف سلوکیها و سپس اشکانیان بود ، بعدبتصرف رومیان درآمد . درزمان ساسانیان مجدداً عراق جزو ایران شد وازاین پس درتحت حکومت ایران بود تا هنگامیکه مسلمانان بایران حمله کردند ابتدا عراق و بعد از آن دیگر قسمتهای ایران راگشودند که شرح آن را درتاریخ اسلام میخوانید .

عراق بعد از اسلام نخستین اقدام که مسلمانان برای آبادانی عراق کردند ، بنای دوشهر عظیم کوفه و بصره بود که هردو تاچندقرن ازمراکز مهم علمی اسلامی محسوب میشد ووالی کوفه انقدر قدرت داشت که اغلب برتمام عراق وتمام ایران آنروز حکومت میکرد ، کوفه این افتخار رایافت که مرکز خلافت حضرت امیر المؤمنین (ع) بود . درزمان بنی امیه . حاکم کوفه همواره از میان مقتدر ترین رجال حکومت انتخاب

میشد ؛ معهذا خلفای اموی همواره خیالشان از ناحیه این شهر ناراحت بود. عباسیان که در سال ۱۳۲ هجری روی کار آمدند مقر خلافت خود را در عراق قرار دادند و منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی بغداد را بنا کرد و آنرا پایتخت خود نمود عراق تا انقراض بنی العباس بدست مغولان (۶۵٤ قمری) مرکز آنها بود، مغولها بغداد را قتل عام کردند و از این تاریخ عراق تحت حکومت هلاکوخان و دیگر امرای مغول در آمد سپس مدتی در دست جلایریها و فرمانروایان آق قوینلو و قره قوینلو بود در سال ۹۱٤ هجری شاه اسماعیل صفوی بعراق حمله برد و آن را فتح و ضمیمهٔ ایران کرد. در سال ۹٤۱ سلطان سلیمان قانونی پادشاه معروف عثمانی، عراق را بتصرف آورد، در سال ۱۰۳۳ دوباره عراق بدست شاه عباس کبیر فتح شد: در سال (۱۰٤۷) مجدداً عثمانیها عراق را متصرف شدند و از این تاریخ ببعد تا پایان جنگ بین المللی اول (۱۹۱۸ – ۱۹۱٤) تقریباً عراق در همه وقت جزو حکومت عثمانی بود.

دولت کنونی عراق همانطور که گفته شد عراق تا جنگ بین الملل اول تحت حکومت عثمانیها بود در اثنای جنگ عراقیها بر عثمانیها شورش کردند و آنانرا از عراق راندند پس از خاتمهٔ جنگ حکومت عثمانی از بین رفت و انگلیسها عراق را متصرف شدند. در سال ۱۹۲۰ عراقیها بر ضد تصرفات انگلیسها قیام کردند و بعد از وقایع مهمی که رخ داد و مذاکرات مفصل و طولانی که جریان یافت حکومت کنونی عراق بوجود آمد و ملک فیصل پسر شریف حسین (شریف سابق مکه که در جغرافیای کشور سعودی از او نام برده شد) بپادشاهی عراق تعیین گردید. در زمان ملک فیصل روابط میان ایران و عراق برقرار

و محکم گردید و وی در سال ۱۳۱۱ سفری بایران کرد

ملك فیصل در سال ۱۳۱۳ شمسی پس از سیزده سال سلطنت وفات یافت و پسرش ملك غازی بپادشاهی نشست . ملك غازی درسال ۱۹۳۹ در اثر یك تصادف اتومبیل در گذشت وفرزند چهار ساله‌اش بنام ملك فیصل دوم بپادشاهی عراق رسید وچون کودك بود دائی او امیرعبدالاه بسمت نیابت سلطنت وولیعهدی معین شد ولی چندی قبل که سن پادشاه بحد لازم رسید زمام اموررا مستقیما در دست گرفت و امروز پادشاه عراق اعلیحضرت ملك فیصل دوم میباشد .

تشکیلات عراق حکومت عراق مشروطه سلطنتی است ودارای دو مجلس شوری (مجلس النواب) وسنا (مجلس الاعیان) میباشد عدهٔ نمایندگان مجلس شوری یکصد وپانزده نفر وعده نمایندگان مجلس سنا بیست نفراست هیئت وزیران مرکب ازنخست وزیر ونه وزیردیگر است . تمام کشور بچهارده لواء (استان) تقسیم میشود که هرلواء بوسیلهٔ یکنفرمتصرف(استاندار) اداره‌میگردد . این‌استانها چهل‌و چهار قضاء (شهرستان)است که‌امور هریك بیك قائمقام(فرماندار)سپرده شده‌است

فرهنگ‌عراق در سالهای اخیر پیشرفت کرده وعلاوه بر تعداد زیادی کودکستان ودبستان و دبیرستان یك‌دانشگاه نیزدر بغداد تاسیس‌شده که مرکب‌از دانشکده‌های پزشکی ودارو سازی : حقوق ، وهندسه است ، یك دانشکده افسری نیز برای‌تربیت‌افسران‌در بغداد‌میباشد عراق‌دارای چهار هزار میل‌راه شوسه است که نزدیك نیمی از آن آسفالت میباشد راه آهن عراق بالغ یکهزار و دویست وهفتاد میل است که‌یك خط آن‌از بصره‌شروع و ببغداد منتهی‌میشود طول‌این‌خط ۵۷۰ کیلو متراست

راه‌مز بوردرمحلی بنام‌جلولا ۹۲ میلی بغداد بدورشته میشود که‌یك رشته آن تاخانقین هفده‌میلی مرزایران امتدادداردِ . یك‌خط دیگر ازبغداددرطول کرانهٔ‌دجله بموصل‌ومرز سوریه کشیده شده‌وطول آن ۳۲۸ میل‌میباشد

مدارس‌ایرانی در عراق چون عدهٔ بسیاری ایرانی در عراق سکونت دارند . از سالها پیش دولت ایران در نقاط مختلف برای فرزندان ایرانیان چندین مدرسه تأسیس کرده که برنامهٔ آنها همان برنامهٔ مدارس ایران بضمیمهٔ مواد دیگری است . در هریك ازشهرهای نجف ، کربلا ، کاظمین ، بصره . یك دبستان و در بغداد علاوه‌بر دبستان یك دبیرستان سه کلاسه دائر است که معلمین این مدارس از ایران اعزام میشوندواموور همهٔ آنها بوسیلهٔ یکنفر سرپرست که‌وزارتفرهنگ ایران‌میفرستند ، اداره‌میگردد .

پول‌عراق واحدپول عراق دیناراست (این کلمه از قدیم معمول و تقریبا قیمت آن با یکمثقال (هیجده نخود) طلا مساوی بوده است) دینار پول کاغذی است که با بیست درهم مساوی میباشد (درهم نیزاز قدیم استعمال‌میشده. وقیمت آن قدری کمتر از یکمثقال نقره‌بوده‌است) وهردرهم‌پنجاه‌فلس است . پس‌یکدینارمساوی‌است‌بایکهزارفلس. پولهای کاغذی عراق عبارتست‌ازربع دیناری ، نیم‌دیناری : یك‌دیناری‌پنج‌دیناری ده دیناری، صددیناری ، پولهای‌فلزی‌نیز دویست‌فلسی و پنجاه‌فلسی و بیست فلسی ازنقره . ده فلسی ، چهارفلسی ودو فلسی ویك فلسی ازمس‌است

تاریخچه مشاهد متبرکه عراق

راجع‌باوضاع‌تاریخی‌وجغرافیائی هریك‌ازمشاهدمتبرکه‌واعتاب مقدسه کتابهای متعددی بزبان عربی و فارسی تالیف‌یافته ومادراینجا شرح‌بسیار

کوتاهی در باب هریک ذکر می کنیم :

۱ - نجف قبل‌ازاینکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) دراین‌سرزمین مدفون گردند ، نجف ، غری نامیده‌میشدوجزوحیره‌محسوب میگردید وبیابانی بدون آبادی‌بود . دراواخرقرن دوم‌هجری که‌شهرمعروف کوفه (دریکفرسنگی نجف)روبویرانی‌نهاد ، آبادی‌نجف‌شروع شدتا در قرن چهارم که‌بصورت شهری عظیم وپرجمعیت در آمد واز قرن ششم ببعد همواره مرکز علمای دین ومجتهدان درجهٔ اول مذهب مقدس شیعه‌بوده است . نجف اززمانی مرکز روحانیت شیعه شدکه شیخ الطایفه محمد بن‌الحسن الطوسی معروف بشیخ‌طوسی بزرگترین علمای شیعه درقرن ششم ونویسندهٔ کتابهای تهذیب واستبصار وخلاف وکتابهای دیگر که همه‌از مهمترین آثارشیعه‌میباشددراین‌شهرحوزه‌ای برقرار کردومرکزیتی درآن بوجود آورد . اینهم یکی‌ازبرکات مرقدمطهر مولای متقیان‌است ازنجف تاکربلا چهارده فرسخ فاصله است ورود فرات ازپنج میلی‌شهر میگذرد .

نجف‌از دوطرف بکویر وریگزارمحدوداست واز اینجهت‌هوای‌آن در تابستان بسیار گرم و درزمستان‌سرد میشود درتابستان‌بادهای‌طوفانی وسوزان میوزد که مردم مجبورند بسردابهای عمیق بنام‌سن‌پناه‌برندولی امروزبواسطه لوله کشی آب (چون نجف‌در بلندی واقع شده‌آب‌فرات بآن جاری نمیشود ومردم قبل ازلوله‌کشی ازجهت کمی آب بسیار در زحمت‌بودند) وبرق‌مرتب ، وضع‌شهر نسبت بسابق‌فرق کرده است

نجف‌خوددارای محصول‌میوه وسبزی نیست وهرچه‌لازم‌دارد ازاطراف واردمیکنند . جمعیت نجف‌درحدودپنجاه‌هزارنفراست که عده زیادی از

آنان طلاب علوم دینیه هستند که از اطراف در این شهر مقدس گرد آمده‌اند شهر نجف بدو قسمت جدید و کهنه قسمت میشود و گذشته از مرقد امیرمؤمنان قبر جمعی از پیغمبران گذشته وعلمای بزرگ مذهب شیعه در این شهر میباشد وقبرستان معروف وادی‌السلام نیز در شهر مزبور واقع است .

۲ - کربلا هنگامیکه حضرت سیدالشهداء (همانطور که در تاریخ اسلام میخوانید) باین سرزمین وارد شدند یکی از نامهای آن کربلا بود از محرم سال ۶۱ هجری که واقعهٔ کربلا اتفاق افتاد تا امروز سرزمین کربلا زیارتگاه شیعیان بوده است . مدتها در قرون اولیهٔ اسلامی مخصوصاً در زمان بعضی از خلفا مانند متوکل از رفتن مردم بآنجا مانع میشدند از قرن سوم هجری آبادی کربلا شروع شد تا امروز که یکی از آبادترین شهرهای عراق است . شهر کربلا در چهار فرسخی شط فرات میباشد ونهر حسینی از آن شهر عبور میکند ودر اثر عبور این نهر اطراف کربلا را باغهای مرکبات ونخلستانها احاطه نموده وهوای شهر را لطیف و گرمای تابستانرا قابل تحمل کرده است .

جمعیت کربلا تقریباً پنجاه‌هزار نفر است که بسیاری از آنان ایرانی هستند وعموم بزبان فارسی تکلم میکنند .

آب تصفیه شده در تمام شهر جاری است برق نیز در معابر واغلب خانه‌ها هست کربلا هم مثل نجف بدو قسمت جدید و کهنه تقسیم میشود که قسمت جدید دارای خیابانهای متعدد میباشد از همه مهمتر یکی خیابانی است بنام شارع‌الحسین (خیابان حسینی . در عربی بخیابان شارع گفته میشود) دیگری شارع‌العباس نامیده میشود . مزار مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام وحضرت عباس علیه‌السلام باشکوهی هرچه تمامتر در کربلا واقع است (ساختمانهای

اعتاب مقدسه درهر نقطهٔ ازقدیم تاامروز بوسیله‌ایرانیان انجام‌میافته‌است واسامی پادشاهان معروف ایران در کتیبه‌های مختلف‌خوانده‌میشود‌مثلا نام نادرشاه درایوان طلای حضرت امیر المؤمنین(ع) با خط جلی نوشته شده‌است (همین‌یکسال پیش هیئتی از ایران که حامل دوضریح‌یکی برای حضرت مسلم (در کوفه) دیگری برای حضرت زینب (ع) در (دمشق) بود بعراق وشام حرکت کرد) مرقددیگر شهدای کربلا نیز در این‌شهر مقدس‌واقع‌است .

کاظمین این‌شهر در یکفرسخی بغداد ؛ طرف مغرب قرار دارد که‌سابقاًقبرستانی بودبیرون‌بغدادبنام‌مقابر قریش ولی‌از زمانی که‌حضرت موسی بن‌جعفر (ع)ونوهٔ آنحضرت ، حضرت امام محمدتقی (ع) دراین مکان مدفون گردیدند . بتدریج بصورت شهری درآمد .

چون‌شط‌دجله‌ازدو طرف کاظمین‌جاری است . این شهردارای باغهای فراوان‌و باصفا و ازشهرهای خوش‌آب‌وهوای عراق میباشد. میوه‌آن‌نیز فراوان است . جمعیت کاظمین در حدود سی وپنجهزارنفر میباشد که عده بسیاری ازآنان ایرانی هستند . مردم کاظمین عموماً شیعه میباشند. صحن حضرت امام‌موسی‌کاظم وحضرت امام محمد تقی (ع) در کاظمین از دیگر صحنهای اعتاب مقدسه عراق و سیعتر و باشکوه‌تر است گذشته ازمرقد مطهر کاظمین ، مزار عده‌ای ازامامزادگان وعلمای‌اعلام ازقبیل سیدرضی که‌یکی‌ازبزرگترین‌علماءوادبای‌شیعه‌است نیز دراین‌شهر قراردارد

۴ ـ **سامراء** سامرادرشمال‌غربی‌بغدادواقعشده‌وازشهرهایی‌است که خلفای عباسی در ایجاد وآبادانی آن کوشش فراوان کردند و مدتی پایتخت آنان بوده‌است مخصوصا درزمان‌متوکل بسیار آباد گردیده و

آثارتاریخی از آنزمان باقیمانده که ازهمه معروفتر منارهٔ معروف متوکل بنام حلویه میباشد . بعدازانقراض خلافت عباسی ، این شهر رو بانحطاط گذاشت تاامروزکه یکی ازشهرهای کوچك عراقاست ودرحدود بیست هزار نفر جمعیت دارد

درسامرا مرقدمطهر حضرت امام علی نقی(ع) وامام حسن عسگری(ع) وصحن وسردابه حضرت صاحب الزمان (ع) واقع و قبر حضرت سید محمد امامزاده معروف (برادرحضرت امام حسن عسگری) در هشت فرسنگی این شهراست .

تاریخچه بغداد

بغداد پایتخت عراق ازشهرهای تاریخی اسلامی است که همواره آباد واغلب مرکز خلافت یاحکومت بوده است ، بناکنندهٔ بغداد منصوردوانقی خلیفهٔ دوم عباسی است که درسال ۱۴۳ هجری آنرا بنانمود شط عظیم دجله امروز ازوسط بغداد عبورمیکند؛ قسمت شمالی شهردارای بناهای جدید وساختمانهای دولتی و خیابانهای وسیع وباصفاو در قسمت جنوبی بغداد کهنه واقع میباشد . آب و هوای بغداد معتدل واطراف آنرا باغها و بستانهای بسیاری احاطه کرده است . جمعیت بغداددرحدود سیصدهزار نفر میباشد ،در این شهر گذشته ازمسلمانان شیعه وسنی که اغلب جمعیت شهررا تشکیل میدهند . عدهٔ زیادی یهودی و مسیحی نیز سکونت دارند . در بغداد عده ای از علمای بزرك شیعه مدفون هستند قبر سلمان فارسی درهفت هشت فرسخی بغداد در محلی بنام سلمان پاك

که تفرجگاه اهالی بغداد نیز میباشد واقعشده . ایوان مداین (طاق کسری) که از آثار تاریخی مهم دورهٔ ساسانی است و از یادگارهای زمانی است که عراق جزو ایران بوده ، در نزدیکی سلمان پاك قرار دارد . مهمترین خیابانهای بغداد شارع الرشید (خیابان رشید) است که در امتداد دجله واقعشده و مغازه‌های مهم بغداد دراین خیابان میباشد .

٥ــ سوریه ٦ــ لبنان

٧ ــ اردن هاشمی

مقدمه ـ مختصری نواحی که در ساحل شرقی دریای مدیترانه‌ودر راجع بسرزمین شام قسمت غربی قارهٔ آسیا واقعشده تا جنك بین‌الملل اول (۱۹۱۸ ـ ۱۹۱٤) شام نامیده‌میشد .

این سرزمین بمساحت یکصد وهشتاد وسه هزار کیلومتر مربع‌است که‌طول آن‌در حدود یکهزار کیلومتر وعرض آن‌تقریباً یکصدوپنجاه کیلومترمیباشد . (راجع بمساحت شام‌میان جغرافی‌دانان اختلاف بسیار است) . شام ازقدیم آباد وشهرهای مهمی درآن بوده وبخوبی آب وهوا وصفای مناظر معروف بوده است .

ازشهرهای شام‌که امروز اهمیت سابق خودرا ازدست داده شهرهای قدیمی صور ؛ صیدا ، قیساریه معره(بفتح‌میم وعین‌وتشدید راء) انطاکیه قنسرین ، بصری (بضم‌اول والف آخر) تدمر (بضم‌اول وسکون دوم‌وضم میم) ، بعلبك میباشد . نام‌این شهرها وچند شهردیگر رادر تاریخ قدیم و تاریخ اسلام زیادمی‌بینیم . بسیاری از شهرهای شام هنوزهم پابرجا و آباد است که ازهر یك درمحل خود نام خواهیم برد .

آب وهوای شام‌معتدل‌وسالم وفصلهای‌چهارگانه آن‌منظم است‌انواع سبزیها ومیوه‌هابحدوفور و بسیارمرغوب‌درآن‌بعمل‌میآیدوانواع حیوانات وپرندگان درآن پرورش‌می‌یابد . معادن بسیارنیزدر این‌سرزمین وجود دارد‌که تاکنون قسمت کمی‌از آن استخراج شده است . آب گرمهای طبیعی‌هم درشام فراوان میباشد .

موقعیت شام سرزمین شام باموقعیت خاصی که دارد از زمانهای باستان موردنظر بوده دین یهود و نصاری ازاین مکان بر خاسته و پس ازظهور دین مقدس اسلام نیز همواره‌ازمر اکزمهم اسلامی بوده‌است . جهانگشایان قدیم ومتأخر بشام توجه مخصوص داشته‌اند ازهمین جهت درقرون مختلف بارها مورد حمله آنان قرار گرفته ودرنتیجه حوادث بسیاری در آن رخ داده‌است .

صرفنظر ازموقعیت جغرافیائی شام (بواسطه حد فاصل بودن میان سه قاره آسیا واروپا وافریقا) چون آب وهوای آن نسبت بدیگر کشورهای عربی ممتازاست مردم کشورهای مختلف آنجا را ییلاق خود قرارداده هنوزهم درتابستان عده زیادی برای گردش وفرار ازگرما باین سرزمین رو میآورند .

مردم شام راجع بساکنان قدیم شام سخنان بسیاری گفته شده ، آنچه‌مسلم‌است اغلب آنان ازنژاد سامی بوده‌اند ازنژادهای دیگر نیزکم و بیش وجودداشته است اقوام کنعانی در جنوب ودرشمال آرامیها سکونت داشته‌اند .

قرنها پیش ازاسلام اقوامی ازعرب درشام ساکن شده‌اند وبتدریج حکومتهای عربی در آنجاتشکیل داده‌اند رفته رفته دیگر اقوام نیز تحت تاثیرعربهاقرار گرفته واین سرزمین بیك سرزمین عربی تبدیل شده‌است

زبان اغلب مردم شام عربی‌است وبزبانهای دیگر نیز کم وبیش سخن گفته میشود .

مردم شام عموماً مسلمان و بسیاری از آنان شیعه هستند؛ عده‌ای یهودی ومسیحی نیزدر آن زیست میکنند .

جبل‌عامل   یکی از مراکز مهم شیعه درشام جبل‌عامل است .
وجبل دوروز   این ناحیه موطن اصلی جمعی ازدانشمندان ، فقها و محدثین بزرك شیعه میباشد . شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل یکی ازبزرگترین کتب حدیث وشیخ بهائی دانشمند معروف ومتبحر زمان صفویه ازاین سرزمین برخاسته‌اند .

مرحوم علامه سیدمحسن جبل‌عاملی مؤلف کتاب اعیان‌الشیعه وعلامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین مقیم صور ازعلماء معروف ومعاصر این ناحیه‌اند .
جبل دوروز یکی از نواحی شام نیزمرکز یکی از قبایل مهم شیعه میباشد.

تاریخچهٔ شام

شام ازسر زمینهائی است که ازقدیم مرکز تمدنهای مختلف بوده قرنها پیش ازمیلادحکومتهایی درآن تشکیل یافته‌است ومدتها تحت‌حکومت فراعنهٔ مصر وچندقرن درتصرف ایران بوده‌است فنیقیها که دردنیای قدیم در دریانوردی معروف بوده‌اند در شام حکومت میکرده‌اند نخستین حکومت عربی در شام حکومت نبطی‌هاست دیگر حکومت غسانیها و تنوخیها میباشد ، ازچند قرن باسلام مانده رومیها شام رامتصرف شدند ودرزمان ساسانیان چندبارشام بتصرف ایرانیان درآمده‌است .

شام بعد از اسلام   مقارن ظهور دین مقدس اسلام ، ملوکی در شام فرمان روا بودند که بغساسنه یا آل غسان معروفند . غساسنه از طرف پادشاهان روم‌شرقی حکومت میکردند (درآن زمان دوحکومت عربی یکی‌در شام دیگری در حیره (نزدیك مرزهای ایران) وجود داشت شام‌تحت نظرروم وحیره تحت نظرایران‌بود) وچون حکام شام مسیحی بودند ، روابط آنان باپادشاهان روم‌بسیار خوب بود .

پس از آنکه آئین اسلام در شبه جزیرهٔ عربستان رواج یافت ، مسلمانان بشام که نزدیکترین نقاط با آنان بود پرداختند و بعد از جنگهای متعدد و مفصل که میان آنان با رومیان و عربهای مسیحی اتفاق افتاد و شرح آنرا در تاریخ اسلام میخوانید ، درزمان عمر تمام شام بتصرف مسلمانان درآمد واز این ببعد جزو قلمرو اسلام قرار گرفت .

از زمان معاویه دمشق مرکز شام پایتخت امویان گردید ، پس از انقراض بنی امیه وروی کار آمدن عباسیان ، مرکز خلافت ازشام بعراق انتقال یافت . تا اوایل قرن سوم هجری شام بوسیلهٔ حکام عباسی اداره میشد . ازاین ببعد بتدریج اززیر نفوذ آل عباس بیرون آمد وحکومتهای متعدد در آن تشکیل یافت . از اواخر قرن پنجم که جنگهای صلیبی (که شرح آنرادر تاریخ اسلام میخوانید) شروع شد ، سالها شام مورد تهاجم و محل جنگهای مفصل و شدیدی بود بخصوص در زمان صلاح الدین ایوبی که مهمترین وقایع جنگی از آن وقت بوقوع پیوست .

شام تااوائل قرن دهم هجری دردست سلسله های مختلف بود . درسال ۹۲۲ هجری شام درتصرف عثمانیان درآمد و تاجنگ بین المللی اول(۱۹۱۸ـ۱۹۱۴) در تحت حکومت آنان بوددر زمان جنگ مردم شام بر عثمانیها شورش کردند ، باین امید که بعد ازجنگ یك دولت مستقل تشکیل دهند ولی چون جنگ بپایان رسید وحکومت عثمانی بکلی ازمیان رفت ، دولتهای فاتح ، شام را چهار قسمت کردند : دو قسمت در شمال بنام سوریه و لبنان ، دوقسمت درجنوب بنام فلسطین وشرق اردن . سوریه ولبنان تحت قیمومت فرانسه.فلسطین وشرق اردن تحت نظر انگلیسها قرار گرفت در جنگ بین الملل دوم(۱۹۳۹ـ۱۹۴۵) که بسیاری حکومتهای غیر مستقل استقلال

یافتند استقلال سوریه و لبنان نیز برسمیت شناخته شد و درسال ۱۹٤٦ استقلال کامل این دو کشور اعلام گردید .

کشور اردن تاسال ۱۹٤۵ تحت قیمومت انگلستان بودولی در این سال انگلستان استقلال آنرا شناخت وامیرعبدالله که‌در آنوقت‌فرمان روای این‌سر زمین بود بنام پادشاه اردن شناخته شد و نام این کشور بهاشمی اردن تبدیل‌یافت .

فلسطین نیز تا سال ۱۹٤۸ تحت قیمومت انگلستان بود و در این سال که قیمومت انگلستان بپایان می یافت این سر زمین بیهودیان‌واگذارشده‌کشوری‌بنام کشوراسرائیل‌تشکیل‌دادند‌ولی‌ازهمان وقت کشورهای‌عربی‌مخصوصاً‌مصر باین‌امراعتراض‌ودربرابر آن‌قیام کردند

بنابر مطالب ذکرشده امروز درسر زمینی که سابقاً بتمام آن شام میگفتند ، دوکشور جمهوری سوریه ولبنان‌ویك کشور سلطنتی اردن هاشمی ویك‌سرزمین یهودی نشین بوجود آمده که نخست بشرح هریك ازسه کشور سوریه ولبنان واردن هاشمی سپس بشرح کوتاهی راجع بفلسطین میپردازیم :

جمهوری سوریه

کشور سوریه که امروز شام نیز بآن گفته میشود (چون دمشق مرکز شام در این کشور واقعشده است) در شمال سر زمین شام واقعشده و محدود است ازشمال بترکیه از مشرق بعراق ازجنوب بهاشمی اردن و فلسطین از مغرب بلبنان و دریای مدیترانه . مساحت سوریه را حدود هشتاد هزار کیلو متر ذکر کرده اند . جمعیت این کشور حدود سه ملیون نفر است . علت اینکه بآن سوریه میگویند ، شاید این باشد که یکی از شهرهای قدیم شام که زمان فنیقی ها اهمیت خاصی داشته و امروز جزو لبنان میباشد صور نامیده میشده است علتهای دیگری نیزدر اینباره ذکر کرده اند . پایتخت سوریه شهر تاریخی دمشق است که جداگانه شرح داده میشود ومهمترین شهرهای ساحلی آن بندر لاذقیه میباشد . ازنواحی معروف این کشور جبل دروز وحوران و از شهرهای مشهور آن حلب وحماةاست : جبل دروز مسکن یکی ازقبایل مهم شیعه است .

وضع اراضی و معادن و حیوانات زمینهای ساحلی سوریه بسیار حاصلخیز و درخت زیتون ومرکبات ودیگر درختان پرمیوه در آن فراوان است ولی قسمتهای داخلی خشك ومراتع آن بقدر کافی نیست از اینجهت گوسفند بقدراحتیاج مردم دراین کشور وجودندارد و کمبود آنرا ازعراق وترکیه وارد میکنند .

انواع حیوانات اهلی ازقبیل شتر ، اسب و گاودرسوریه پرورش می یابد درسوریه معدنهای بسیاری است ولی معادن استخراج شده کم است بهمین مناسبت این کشور ازصنایع مهم و کارخانه های عظیم محروم است

ولی صنایع قدیمی ازقبیل بافتن پارچه‌های دستی وحصیر وظروف گلی و پاره‌ای کارخانه‌ها ازقبیل ریسندگی وبافندگی در آن وجود دارد .

راهها درسوریه راه آهن سرتاسری ازجنوب بشمال کشیده شده راههای شوسه اتومبیل رو هم در آن فراوان است .

سوریه دارای راههای هوائی بسیارمهم ودو فرودگاه مجهزیکی در دمشق ودیگری درحلب می باشد .

طرز حکومت حکومت سوریه جمهوری است که رئیس جمهور آن **و تقسیمات** رامجلس شورایملی انتخاب میکند ودارای هیئت وزیرانی است که مسئول مجلس میباشد .

سوریه ازنظر تقسیمات دارای ده محافظه (استان) است وهر محافظه بچندقضا (شهرستان) وهرقضابچندناحیه(دهستان)تقسیم میشود .

استانهای دهگانه سوریه عبارت است از :

۱ـ دمشق ۲ـ حلب ۳ـ جزیره ٤ـ دیرالزور ٥ـ حمص (بکسراول وسکون ثانی)٦ـحماة۷ـ لاذقیه۸ـحوران۹ـ جبل‌دروز ۱۰ـ اسکندرون

از میان این ده‌استان دمشق که پایتخت مملکت است از همه مهمتر می باشد واستان‌اسکندرون سابقاً جزوسوریه بوده ودرزمان فرانسویها بموجب‌عهدنامه ژوئن۱۹۲۹ ضمیمه ترکیه شده است .

درسالهای‌اخیرچندین باردرسوریه کودتاشده وباین‌مناسبت وضع ثابتی نداشت‌ولی‌مدتی‌است‌اوضاع آن‌قرین آرامش‌میباشد .

دمشق پایتخت‌سوریه‌شهر دمشق‌است . این‌شهراز‌شهرهای قدیمی‌وتاریخی است که‌درطول‌قرنها وقایع‌بسیاری در آن‌رخ داده وپس‌از زمانی طولانی که بر آن گذشته‌هنوز هم اهمیت‌خودرا ازدست نداده‌است

دمشق شهری بزرگ و باصفا است اطراف آنرا باغها وسبزه‌زارهای زیادی احاطه کرده منظرهٔ اطراف دمشق بنظر نویسندگان قدیم آنقدر زیبا آمده که آنرا یکی از بهشتهای چهارگانه دنیا نامیده‌اند(جهانگردان وجغرافی‌دانان قدیم که مثل‌امروز وسایل‌مسافرت نداشتند وپس‌ازسالها سیاحت فقط‌میتوانستندقسمتی ازآسیا وافریقا واحیاناً گوشه‌ای ازاروپا راببینند ، چهارنقطه رابعنوان باصفاترین نقاطی که دیده‌اند ذکرکرده و بآن‌نام بهشت روی‌زمین داده‌اند یکی‌ناحیه‌ای بوده‌است نزدیك سمرقند بنام صغددیگری دره‌ای درفارس بنام شعب بوان سوم ناحیه‌ای درکنار شط‌العرب چهارم‌اطراف دمشق که‌بآن‌غوطه میگفته‌اند)

دمشق درزمان امویها ازهرموقع آبادتر بوده ووسعت بسیاری یافته است وساختمانهای مهم‌وتاریخی بسیاری از آن زمان‌باقی‌است که‌ازهمه مهمتر مسجداموی از آثار ولیدبن‌عبدالملك (اواخر قرن اول) میباشد که‌دربنای آن تزیینات بسیاری بکار رفته‌بوده‌است . گرچه‌کوشش‌شده که دمشق بصورت یکشهر امروزی در آید و خیابانهای متعدد در آن احداث وساختمانهای زیباوجدید در آن بناگردیده ولی‌منظرهٔ آن یك منظره کاملا شرقی است : مناره‌های بلند ، گنبدهای مساجد و مدارس ایوانهای‌باشکوه‌بناهای‌مذهبی و تاریخی‌همه از یك شهر قدیمی اسلامی حکایت‌میکند.دردمشق‌مزار‌بسیاری‌ازبزرگان‌اسلام‌وازجمله‌قبربلال‌قرار دارد.قبرصلاح‌الدین‌ایوبی‌سردار‌بزرگ‌جنگهای‌صلیبی‌نیزدراین‌شهرمیباشد

مزار حضرت زینب سلام‌الله علیها در میان زیارتگاههای متعدد و مهم دمشق ازهمه‌مشهورتر مرقدمطهر حضرت‌زینب کبری علیهاالسلام میباشد . مطابق روایات معتبر عبدالله جعفر شوهر حضرت

زینب باتفاق آنحضرت سفری بدمشق کرد وحضرت زینب در آنسفر وفات یافتند و در دمشق مدفون شدند .

مرقد حضرت زینب که امروز در چند کیلومتری خارج شهر است دارای صحن و بارگاه مجللی و زیارتگاه عموم میباشد وسال گذشته ازطرف ایران ضریحی برای قبر مطهر آنحضرت هدیه و بوسیله نمایندگانی بدمشق فرستاده شد و باتشریفات مفصل و مجللی نصب گردید .

مسجد اموی مسجد جامع اموی در وسط شهر واقع شده ، طول این مسجد پانصد و چهل و هفت قدم و عرضش یکصد و پنجاه قدم است و دارای پنج مناره و ششهزار قندیل میباشد . در شبستان این مسجد چهل ستون از سنگ مرمر نصب شده است . مسجد مزبور دارای کتابخانه مجللی است که در آن قرآنی است که معتقدند بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام میباشد . (در بعضی از کتابخانه‌های دیگر ازجمله کتابخانهٔ آستان قدس رضوی علیه‌السلام ازاین گونه قرآنها وجود دارد).

جامع اموی ابتدا دارای تزیینات بسیاری بوده که بعداً ازبین برده‌اند. این مسجد قبلا کلیسا بوده (چون مردم دمشق قبل ازاسلام مسیحی بوده‌اند) ودراواخر قرن اول هجری بصورت مسجد درآمده است .

قبر حضرت یحیی بن زکریا درشبستان مسجد وزیارتگاه است .

وضع امروز دمشق شهر دمشق امروز دارای دوقسمت است یکقسمت شهر جدید که دارای ساختمانهای تازه وخیابانهای زیباست، قسمت دیگر شهر قدیم که تقریبا بهمان وضع سابق باقی میباشد . بازار قدیمی شام و مسجد اموی دراین قسمت قرار دارد . کوچه‌ها و خیابانهای دمشق کهنه تنك و پرپیچ و خم ومغازها عموماً کوچك است .

جمعیت کنونی دمشق در حدود چهار صد هزار نفر میباشد . مردم این شهر عموماً عرب و مسلمان ولی از نژادهای دیگر ومخصوصاً ترك در آن بسیار است .

جمهوری لبنان

لبنان در مشرق دریای مدیترانه و مغرب سوریه و شمال فلسطین واقع شده است .

مساحت این کشور ده هزار کیلومتر مربع وجمعیت آن یکمیلون نفر میباشد . جمعیت لبنان نسبت بمساحت آن بسیار است و در هر کیلومتر یکصد نفر سکونت دارد

لبنان بسه منطقه ساحلی . داخلی و کوهستانی تقسیم میشود : منطقهٔ ساحلی بسیار حاصلخیز و پر درخت و با صفا میباشد مهمترین شهر این منطقه بندر بسیار معروف و زیبای بیروت است که بزرگترین شهر ساحلی شام و پایتخت لبنان میباشد این شهر مرکز تجارت وفرهنك شام است که دارای مدارس عالی و مجهز است و دانشجویان از نقاط مختلف برای تحصیل بدان رومیآورند . گذشته از تجارت وفرهنك، بیروت محل بنگاههای مهم حمل و نقل ودارای فرودگاه مجهزی است.

هوای بیروت معتدل وجمعیت آن دویست و پنجاه هزار نفر و شهری مدرن ودارای خیابانها وساختمانهای جدید میباشد .

دیگر از شهرهای ساحلی لبنان بندر طرابلس است که از نظر زراعت وباغهای مرکبات معروف است و لولههای نفت عراق در این نقطه بدریا میرسد وجمعیت آن شصت و پنجهزار نفر میباشد

دیگر دو شهر تاریخی صیدا و صور که در زمان فنیقی ها اهمیت بسیار داشته است.

درمنطقهٔ کوهستانی لبنان بلندترین کوههای شام واقع شده و از بهترین ییلاقهای دنیا محسوب میشود و هرسال عدهٔ زیادی از نقاط مختلف بعزم سیاحت ورفع خستگی باین منطقه رومیآورند .

حکومت و تقسیمات حکومت لبنان نیز مثل سوریه جمهوری است و چون دراین کشور مسیحی فراوان است ، گاهی رئیس جمهور و گاهی نخست وزیر ازمسیحیان انتخاب میشوند .

لبنان به پنج محافظه (استان) تقسیم میشود ۱ ـ بیروت ۲ ـ لبنان شمالی که مرکز آن طرابلس است ۳ ـ جبل لبنان (منطقه کوهستانی) مرکز آن بعبدا ۴ ـ لبنان جنوبی مرکز آن صیدا ۵ ـ ناحیه بقاع مرکز آن (زحله) .

در آمد لبنان از زراعت و مالیات حمل ونقل ترانزیت (مال التجاره وعبور وسائل حمل ونقل اتباع بیگانه ازاین کشور) .

معادن لبنان بسیار کم میباشد.

این کشوردارای راههای زمینی ودریائی وهوائی مهمی است .

اردن هاشمی

اردن (بضم و فتح همزه هر دو صحیح است) نام نهری است نزدیکی دمشق که مسیحیان معتقدبودند حضرت مریم فرزندخودمسیح رادرآب آن شسته است باراضی شرقی آن ماورای اردن وشرق اردن میگفته اندوامروز بآن اراضی کشور اردن هاشمی میگویند .

این کشور تاسال ۱۳۶۸ هجری مساحتی بین شصت تا هشتاد هزار کیلومتر مربع دارابودوتقریباً چهارصدهزار نفرجمعیت داشت . ومحدود بود ازشمال بسوریه ازمغرب بفلسطین ازمشرق بعراق وازجنوب بکشور عربی سعودی وخلیج عقبه . ولی ازسال ۱۳۶۸ ببعدچون درفلسطین حکومتی

بنام اسرائیل بوجود آوردند، قسمتی از آن ضمیمه اردن هاشمی گردید ومرز غربی این کشور وسط شهر بیت‌المقدس تعیین‌شد و اکنون نیمی از بیت‌المقدس(اورشلیم) که‌عربها بآن قدس گویند در تصرف اردن هاشمی ونیمی دیگر درتصرف یهوداست. باین‌مناسبت هم‌مساحت کشوراردن نسبت بسابق زیادترشد (بطوریکه‌امروزمساحت آن‌راتا یکصدوهشت‌هزار کیلومتر مربع تخمین‌زده‌اند) وهم جمعیت آن از یکملیون تجاوز کرد

وضع اراضی و محصولات وعایدات

اراضی شرقی اردن هاشمی چون صحرا و ریگزار است، تقریباً قابل سکونت نیست قسمتهای دیگر کم‌وبیش‌قابل زراعت وسکونت‌است ولی نسبت‌جمعیت بمساحت کم میباشد.

مردم اردن بدوقسمت شهرنشین و چادرنشین تقسیم میشوند. شهر نشینان بیشتر ازراه کسب وتجارت زندگی میکنند مخصوصا چون‌اردن راه‌عبور ازعراق بسوریه ومصروديگر نقاط‌است و مسافر و مال‌التجاره‌از این کشورزیادعبورمیکند، هم‌مردم ازاین‌راه سودفراوان‌میبرندوهم‌دولت از این‌راه حق‌ترانزیت(درزبان‌عربی‌آن تجارة‌المرورمیگویند) دریافت میدارد محصولات مهم اردن‌هاشمی‌عبارت است‌از . زیتون،انگوروحبوب

دراین‌کشور جنگل نیزوجوددارد که از چوب درختهای آن ذغال تهیه وبسوریه وفلسطین صادرمیکنند.

در اردن محصولات‌صنعتی نیست‌وهرچه‌لازم‌دارندازخارج‌واردمیکنند.

شهرهای مهم

پایتخت‌اردن‌هاشمی شهرعمان (بفتح‌عین وتشدید میم) است که‌از شهرهای قدیمی میباشد وآثار تاریخی از زمان رومیها در آن مشاهده میشود جمعیت این شهر پنجاه‌هزارنفراست‌واز نظر تجارت

خالی ازاهمیت نیست چندروزنامه ومجله نیز در آن انتشار میابد.

شهرعمان چون در دامنهٔ کوه سرسبزی واقع شده ، منظرهٔ بسیارزیبائی دارد .

دیگر ازشهرهای معروف اردن عبارت است ازشهر اربد در نزدیکی مرزهای سوریه که بزراعت حبوب و تربیت دامها معروف است. دوشهر سلط وعجلون که انگور وزیتون آنها مشهوراست وشهر تاریخی کرك که در جنگهای صلیبی اهمیتی داشته وشهر معان که ایستگاه راه آهنی که بسوریه منتهی میشود در آن قراردارد و بندرعقبه ، تنها بندراین کشور درساحل خلیج عقبه واقع دردریای سرخ است .

راه آهن وراههای شوسه دراردن ٤٤٩ کیلومتر راه آهن است، این راه ازشهر دمشق تا شهر معان واقع در جنوب کشوراردن امتداددارد وسابقاً (تاجنك بین الملل اول) ازسوریه تا مدینهٔ طیبه امتدادداشت ومعروف بخط حجازی بود .

غیر از راه آهن ۲۳۵۲ کیلومتر راه اسفالت شده در اردن هاشمی وجود دارد .

طرز حکومت و تقسیمات اردن بعدازجنك بین الملل اول ازشام وفلسطین جداشد و بعنوان یك امیر نشین تحت نظر انگلستان در آمد وامیرعبدالله فرزند شریف حسین (شریف سابق مکه) بامارت آن تعیین گردید ویکنفر انگلیسی بنام گلوپ پاشا سمت مستشاری اوراپیداکرد بعداز جنك بین الملل دوم در سال ١٩٤٦ استقلال اردن اعلام شد و نام رسمی آن اردن هاشمی گردید وامیرعبدالله عنوان اعلیحضرت ملك عبدالله پادشاه اردن هاشمی را پیداکرد (صاحب الجلالة الهاشمية ملك المملكة الاردنية الهاشمية) وطرز حکومت آن سلطنتی موروثی شد .

ملك عبدالله درسال ۱۳۷۰ هجری در بیت المقدس بدست یکنفر مقتول شد پسر و ولیعهد او امیر طلال بجای وی نشست ولی امیر طلال درسال ۱۳۷۲ بعنوان اختلال حواس از سلطنت بر کنار و فرزندش : ملك حسین بجای او برقرار شد و وی امروز پادشاه اردن هاشمی میباشد .

اردن هاشمی دارای دو مجلس شوری و سناست . مجلس شوری چهل عضو دارد که مردم تعیین میکنند و مدت نمایندگی آنان چهارسال است و مجلس سنا بیست عضو که پادشاه تعیین میکند و مدت نمایندگی آنان هشت سال است . هیئت وزیران اردن مرکب است از نخست وزیر و پنج وزیر که درمقابل پادشاه و مجلسین مسؤل هستند .

این کشور بچهار ایالت (لواء) تقسیم میشود : ۱ ایالت عجلون مرکز آن اربد ۲ ایالت بلقاء مرکز آن عمان (پایتخت) ۳ ایالت کرك مرکز آن شهر کرك ٤ ایالت معان مرکز آن شهر معان .

شهرهای معان و عقبة سابقاً جزو حجاز بود و در زمان ملك عبدالله ضمیمه اردن شد .

فلسطین

سرزمین فلسطین درجنوب غربی شام واقعشده ومحدود است از شمال بلبنان از مغرب بمدیترانه ازمشرق بسوریه ورودخانهٔ اردن واز جنوب بخلیج عقبه . مساحت فلسطین بیست وششهزار کیلومتر مربع وسکنهٔ آن یکملیون وهفتصد هزار نفر میباشد .

شهرهای مشهور آن عبارت است از: بیت المقدس (قدس) که مسجد معروف اقصی در آن واقعشده (نام مسجد اقصی در قرآن در اول سوره اسراء آمده است : (سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی) .

دیگر بندر حیفادر کناردریای مدیترانه که‌لوله‌های نفت عراق از آنجا نیز بدریا واصل میشود . دیگرشهر یافادر جنوب حیفاکه پرتقال آن معروف است و بخارج صادر میشود · وشهر عکادر شمال حیفا وطبریه وناصره (مرکز حضرت مسیح (ع) وبهمین مناسبت بمسیحیان نصرانی گویند) و بیت اللحم محل تولد حضرت مسیح (ع) .

درشمال یافادر کنار دریا شهر یهودیه که‌امروز تل ابیب نامیده میشود ومحل یهودیان‌است‌قراردارد . دیگر ازشهرهای فلسطین که امروز جزو اردن میباشد شهر اریحاست که در نزدیکی آن مدفن حضرت موسی (ع) پیغمبر بنی اسرائیل میباشد و دیگر شهرخلیل که حضرت ابراهیم واسحق و یعقوب ویوسف وعده‌ای از انبیای گذشته در آن مدفونند . فلسطین ازز مانیکه بدست مسلمانان فتح شد همواره یک سرزمین اسلامی بوده ودرجنگهای صلیبی هرچه مسیحیان کوشیدند بیت المقدس رابتصرف آورند نتوانستند .

فلسطین و یهود

یهودیها از سالها پیش جمعیتی داشتند بنام صهیونی و میکوشیدند تامگر بتوانند فلسطین رابچنگ آورند ولی این امر خیلی مشکل بنظر میرسید زیراعموم مردم فلسطین مسلمان بودند و ممکن نبود سر زمین خود رابقوم یهود واگذار کنند تادرسال ۱۹٤۸ (هفت سال پیش) که مدت قیمومت انگلیسیها برفلسطین سپری میشد ، یهودیها با کمک و اسلحهٔ دولتهای بزرگ جهان توانستند در فلسطین حکومتی تشکیل دهند و آنرا جمهوری اسرائیل نام نهند و شهر تل ابیب (یهودیه) راپایتخت خود اعلام کنند . دراین جریان قسمتی ازاین سرزمین وازجمله نیمی ازشهر بیت المقدس ضمیمه اردن هاشمی گردید یهودیان گذشته از تل ابیب ونیمی از بیت المقدس شهر

حیفارا نیزدرتصرف دارند

کشورهای عربی از نخست بااین فکروتصمیم یهودیها مبارزه میکردند وازچندین سال قبل زدوخوردهای شدیدی میان طرفین رخ داد مخصوصاً بعد از استقرار یهوددر این ناحیه، عالم عرب در مقابل آنان قیام واقدام نمودوجنگهای شدیدی بین نیرو های عرب بخصوص سربازان مصری و اردنی با قوای یهودی جریان یافته هنوزهم ادامه دارد عربها هیچگونه دادوستد بایهودیان نمیکنند ، مصریان جلو کشتیهایی راکه بمقصداسرائیل میرود در کانال سوئز میگیرند و اردنی هااز عبور لولههای نفت عراق بحیفا جلو گیری میکنند

باتصرف قسمتی از فلسطین بوسیلهٔ یهودیها ، درحدودنیم ملیون نفر مسلمان عرب بیخانمان وسرگردان شدند وبسیاری از آنان درچادرها و اردوگاههای موقتی بسر میبرند ودرانتظار روزی هستند کهدوباره باوطان خودبرگردند .

سرزمینهای اسلامی عربی درشمال افریقا

درشمال افریقا وجنوب دریای مدیترانه چهار ناحیهٔ اسلامی است که زمانی از نواحی مهم عالم اسلام بشمار میرفته سپس تحت حکومت عثمانی قرار گرفته بعد از آن زیر نفوذ دولتهای استعماری درآمد است ؛ و امروز ساکنان این نواحی درصددند سرنوشت خودرا در دست گیرند و باستقلال کامل نایل آیند . این چهار ناحیه عبارتست : از لیبی یا طرابلس غرب و برقه - تونس - الجزایر - مراکش که سه ناحیهٔ اخیر بلاد المغرب نیز گویند واینك راجع بهر یك شرح کوتاهی ذکر میکنیم :

لیبی (طرابلس غرب و برقه)

این سرزمین تاجنك بین الملل اخیر (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) جزو مستعمرات ایتالیا بود . بعدازخاتمهٔ جنك و شکست ایتالیا ، بعنوان یك کشور مستقل تلقی، وشهر بنغازی مرکز حکومت آن گردید .

علت اینکه بآن طرابلس غرب گویند این استکه درشام نیز ناحیه ای باین نام هست ودر کتب جغرافیای قدیم نام هردو بعنوان طرابلس (بفتح طا وضم با ، ولام) ذکرشده است .

لیبی محدود است از طرف مشرق بمصر از مغرب بتونس از شمال بدریای مدیترانه ازجنوب بصحرای کبیر افریقا (این صحرا ازوسیعترین وخشکترین وگرمترین صحراهای جهان است وعبور از آن بسیار خطرناك میباشد ازهمین جهت تا چند قرن پیش کسی ازجنوب آفریقا آگاه نبود زیرا باوسایل قدیمی رفتن ازشمال افریقا بجنوب مستلزم عبور از این صحرا بود) و بدو ناحیهٔ برقه و طرابلس تقسیم میشود .

مساحت این سرزمین یکملیون کیلو متر مربع وجمعیت آن هشتاد و

پنجهزارنفر است زمینهای حاشیهٔ شرقی و غربی آن قابل کشت و زرع ودیگر اراضی خشك و بیحاصل‌میباشد محصول‌عمده .زیتون ؛ خرما و حبوت است از صید ماهی نیز استفاده میشود .

شهرهای معروف ناحیه برقه : بنغازی طبرق‌وشهرمعروف ناحیهٔطرابلس همان‌شهر طرابلس‌است .

بلادالمغرب

مورخان اسلامی بسرزمین وسیعی که در مغرب مصر واقع بود (از حدودلیبی‌وطرابلس ببعد) افریقیه میگفتند و چندقسمت آباد کوهستانی که‌درمغرب افریقیه واقع‌بود بلاد المغرب مینامیدند . که این اصطلاح امروزنیز در کشورهای عربی معمول است .

بنابراین بلادالمغرب سرزمینی‌است کوهستانی که از طرابلس‌غرب تا اقیانوس اطلس بموازات ساحل دریا امتداد دارد . دریای مدیترانه در شمال این‌سرزمین و صحرای کبیردرجنوب آن‌است . درقسمت کوهستانی سکنه تاحدی فراوان ودرصحرا بسیار کم‌است . منطقهٔ ساحلی و نزدیك بساحل جزومناطق معتدلهٔ حاره که‌هوا درتابستان گرم وزمستان‌متعدل میباشد و باران زیاد میبارد . در صحرا هوا در تابستان بسیار گرم ، در زمستان‌بسیار سرد و باران کم‌میبارد .زراعت‌این نواحی عموماًدیمی‌میباشد بلادالمغرب‌ازنظرحکومت‌بسه‌قسمت‌تونس،الجزائرومراکش‌قسمت‌میشود

تونس

تونس طرف‌مشرق بلاد مغرب واقعشده ومحدود است ازطرف‌شمال بدریای مدیترانه از جنوب بصحرای کبیر از مشرق بلیبی از مغرب بالجزائر. ومساحت آن یکصد وپنجاه‌هزار کیلو متر و جمعیت آن در

حدود دو ملیون ونیم و کشوری زراعتی میباشد ـ محصولات عمدهٔ آن زیتون ـ حبوب ـ انگوراست گاو و گوسفند وشتر درآن پرورش مییابد.

شهرهای مهم تونس عبارت‌است ازشهر تونس که مرکز این سر زمین است، دیگرشهرهای صفاقس سوس ـ قابس ـ وقیروان ومهدیه

تونس دارای سلطانی است که بآن بای میگویند از زمانیکه تونس تحت حکومت عثمانیها بود ، بفرمانروایان این سرزمین بای که درترکی بمعنی بزرك است گفته میشده . تونس و شهر قیروان از نظر تاریخی دارای اهمیت بسیار میباشد .

سرزمین تونس تاسال ۱۸۸۱ میلادی تحت حکومت عثمانیها بود واز آن پس زیر نفوذ فرانسویها قرار گرفت ولی دراین چند سال نهضتهایی برای رهائی از زیر نفوذ فرانسه درتونس شروع شده که هنوزادامه دارد .

الجزائر

الجزائر ازطرف مشرق بتونس از مغرب بمراکش از شمال بدریای مدیترانه ازجنوب بصحرای کبیر محدود است . مساحت این سرزمین دو ملیون ویکصد ونود وششهزار کیلومتر مربع وجمعیتش سه ملیون و نیم میباشد . محصولات زراعتی مهم آن انجیر وزیتون .

الجزائر مستعمرهٔ فرانسویهاست . مرکز آن بندر بسیار معروف الجزیره درکرانهٔ دریای مدیترانه ، شهرهای دیگر آن وهران ، بونه درساحل دریا قسطنطنیه ، تلمسان در داخل .

مراکش

مراکش (بضم میم وتشدید راء و کسر کاف) آبادترین و پر جمعیت ترین نواحی بلادمغرب است که ازمشرق بالجزایر ازمغرب باقیانوس اطلس ازشمال بدریای مدیترانه و ازجنوب بصحرای کبیر محدودمیباشدوجمعیت آن پنج ملیون نفر و مساحتش ۴۱۵ هزار کیلومترمربع است محصولات مهم زراعتی آن حبوب وزیتون است چهارپایان نیز در این سرزمین پرورش می یابد مراکش ازسالها پیش تحت نفوذ فرانسه است وسلطانی ازخود مردم که جلو نام او کلمهٔ مولای و گاهی سیدی قرارمیگیرد . باموافقت فرانسویان بر آن حکومت میکند . آخرین سلطان مراکش بنام مولای محمد بن یوسف در سال ۱۹۲۷ میلادی بحکومت برقرار شد تا در چند سال اخیر بمناسبت وقایعی که رخ داد ، دولت فرانسه محمد بن یوسف را از مراکش تبعید کرد و امور آنجا را بدست یکنفر فرانسوی سپرد و یکی از شیوخ محلی را بنام محمد بن عرفه بسلطنت برقرار ساخت . اوضاع درمراکش طوری پیش آمد که فرانسویها نتوانستند ابن عرفه را درسلطنت نگاهدارند ناچار اورا بر کنار کردند وامور بدست شورایی مرکب از چهار نفرازمتنفذین مراکش که هواخواه فرانسه نیز هستند سپردند ومحمدبن یوسف راکه درتبعید بسرمیبرد مجدداً برای زمامداری مراکش ازتبعید خارج ساختند . وی همین روزها بکشورخودمراجعت کرده وبزودی زمام امور رادر دست خواهد گرفت .

قسمت شمالی مراکش که محاذی دریاست ریف نامیده میشود که تحت حمایت اسپانیا میباشد وشهرمعروف وبین المللی طنجه دراین قسمت است .
شهرهای معروف مراکش عبارت است از : فاس ومکناس که این دو

شهردر داخل کشور قراردارد دیگر شهرهای دارالبیضا (کازابلانکا) ورباط درساحل اقیانوس اطلس.

امیرنشینهای خلیج فارس ودریای عمان

درسواحل خلیج فارس ودریای عمان نواحی متعددی استکه بر هر یك یکنفر امیر از خودشان فرمانروایی میکند. این نواحی که بآنها شیخ نشین وامیرنشین گفته میشود، عموماً تحت نفوذ انگلستان میباشد. امیر نشینهای معروف ازاین قراراست:

۱ـ نواحی نه گانهٔ یمانی ـ نه ناحیه است که از نظر جغرافیایی جزویمن است ولی بتدریج ازیمن جداشده و تحت نفوذ انگلستان در آمده مجموع مساحت این نه ناحیه ۲۵۰۰۰ میل و مهمترین قسمت این نواحی حضرموت و لحج میباشد:

حضرموت ناحیهٔ حضرموت سابقاً جزویمن بوده و امروز تحت نفوذ انگلیس قراردارد. حضرموت درطرف مشرق یمن ودرجنوب شبه جزیره عربستان است مساحت آن ۱۲ هزار کیلو مترمربع وشمارهٔ ساکنان دویست هزارنفراست. در حضرموت آثارتاریخی اززمان حمیریها (پادشاهان یمن پیش ازاسلام) مشاهده میشود این سرزمین وادی عریض پرآب و گیاهی است ودرآمد مهم آن ازصیدماهی وزراعت میباشد.

حضرموت از سال ۱۸۸۸ میلادی تحت الحمایه انگلستان شده است.

لحج درحدود صدهزارنفر جمعیت دارد که شغل عمومی آنان زراعت است مرکزلحج شهر حوطه میباشد که جمعیت آن دوازده هزارنفراست لحج ازسال ۱۲۵٤ قمری تحت نفوذ انگلستان درآمده است وبامیر آن سلطان میگویند و دارای یکوزیر میباشد.

۲ ـ عمان (بضم عین و تخفیف میم) در زاویهٔ جنوب شرقی شبه جزیره ومشرف برخلیج فارس است ومحصولات زراعتی آن حبوب وخرما (یکنوع خرمای سیاه درعمان است که درهیچ جا نظیر ندارد) و درآمد دیگر این ناحیه از بازرگانی دریائی و صید لؤلؤ میباشد معادن بسیاری درعمان وجوددارد .مساحت عمان یکصد و چهل هزار کیلو متر مربع وطول ساحلی آن چهارصد کیلو متر است

عمان مهمترین امیر نشین های شبه جزیره و سکنهٔ آن یکملیون و نیم و تحت الحمایهٔ انگلستان میباشد .

مرکز عمان شهر مسقط است که مشرف برخلیج عمان است وبامیر آن سلطان وامام میگویند . شهرهای دیگر عمان عبارت است از : نزوی مطرح، شحر ، برقه ، نخیل وچندشهر دیگر .

۳ ـ عدن عدن مرکب ازچندامیر نشین میباشدو تحت نفوذ انگلستان است و بوسیلهٔ یك حاکم انگلیسی اداره میشود . مرکز آن شهر عدن واهمیت آن ازلحاظ آمد ورفت کشتیها واینکه یك پایگاه مهم دریائی است میباشد .

٤ ـ کویت کویت سرزمینی است درساحل جنوبی خلیج فارس میان عراق ونجد که مرکز آن شهرکویت در ساحل خلیج فارس است که با توابع خود ، در حدود دویست هزارنفر سکنه دارد ومساحت آن ششهزار میل مربع است وهوای آن گرم میباشد . درکویت سبزی ودرخت کم است وازاطراف واردمیکنند حتی آب شیرین برای آشامیدن از شط العرب بوسیلهٔ کشتی بکویت میبرند . کویت تاسال ۱۹۱۳ میلادی تحت حکومت عثمانی بود وازآن پس زیر نفوذ انگلستان درآمد. ازیکقرن پیش تاامروز

خانواده‌ای بنام آل‌صباح درکویت فرمانروائی میکنند

نفت کویت در نزدیکی شهر کویت تپه هائی بود که عربها بآن (البرکان) میگفتند (برکان درزبان عربی یعنی آتشفشان) . از این تپه‌ها قیر بیرون میآمد وکارشناسان نفت احتمال میدادند درآنجا معدن نفت باشد ودراین باره شروع بمطالعه کردند تا در سال ۱۹۲٤ میلادی مطالعات بنتیجه رسید وامتیاز آن بشرکتهای خارجی واگذار شد . ازاین بعد وضع کویت بکلی تغییر کرد واهمیت دیگری پیدا نمود وانظار متوجه آن گردید بیکارها بکار گمارده شدند . برای استخراج نفت کویت پانزده هزار کارگر ودوهزار انگلیسی وآمریکائی بکار مشغولند و در سالهای اخیر مقادیر زیادتری استخراج میشود .

غیر از نواحی که ذکر شد ؛ امیرنشینهای دیگری نیز در خلیج فارس وجود دارد ازقبیل رأس‌الخیمه ، شارقه ، دوبی ، قطر

راجع بامیرنشینها و نواحی واقع در خلیج فارس در چاپ بعد تفصیل بیشتری داده خواهد شد .

پایان قسمت اول جغرافیای اسلام - مربوط بکشورها و سرزمینهای اسلامی عربی . قسمت دوم مربوط بکشورهای اسلامی غیر عربی است

۵۳۹۶

تاریخ اسلام

باسمه تعالی

تاریخ و فایدهٔ آن تاریخ شرح وقایعی استکه درزندگانی ملتها بوجود آمده ودرپیدایش آن وقایع دست انسان درکار بوده است . بنابراین ، شرح جنگها و وضع زندگانی مردم درزمان گذشته و بطور کلی بیان آنچه مربوط بسرگذشت بشر میباشد ، همه وقایع تاریخی است و نیز شرح حال کسانیکه از جهتی در بوجود آمدن یك واقعهٔ تاریخی مؤثر بوده‌اند . جزو تاریخ محسوب میشود .

فایدهٔ تاریخ تجربه اندوختن وپند گرفتن ازپیش آمدهای گذشته است تا اگر اثری نیکو و سودمند داشته انسان آنرا بکاربندد واگر نتیجه‌ای ناپسند و زیان آور داشته از آن دوری جوید .

هرگاه درست دقت شود معلوم میگردد که پایهٔ زندگانی مردم امروز برتاریخ گذشتگان استوار است و آنچه بشررا از حال بربریت بصورت انسان متمدن امروز درآورده جزتاریخ چیزدیگری نیست . پس خردمند کسی است که از سرگذشت‌های تاریخی پندبگیرد ، از اشتباهاتی که هر کس آنهارا مرتکب شده زیان دیده است دوری جوید وکارهائی راکه گذشتگان درراه مصالح خودبکار بردند ونتیجهٔ خوب گرفتند سرمشق زندگانی خود قرار دهد .

طبق آنچه گفته شد ، برای اینکه بتوان ازوقایع تاریخی حداکثر فایده رابرد باید در مطالعهٔ هر واقعه بادقت هرچه تمامتر بعلت پیدایش آن توجه کرد وفهمید که بین پیش آمدهای مختلف چه ارتباطی بر قرارمیباشد .

هر جمعیت در طول تاریخ خود دچار و قایعی گوناگون شده ، گاهی ترقی کرده ، گاهی بضعف وزبونی افتاده است ودرهر صورت موجباتی درکار بوده است که باید در تاریخ آنها را جستجو و پیدا کرد ، عوامل ترقی را بکار بست و ازعوامل ضعف دوری جست .

تاریخ اسلام مقصود ازتاریخ اسلام شرح پیش آمدهائی استکه ازآغاز پیدایش این دین مقدس تا امروز بوجود آمده ودر بوجود آمدن آنها ، دین اسلام مؤثر بوده است ؛ بموجب این تعریف کیفیت دعوت اسلامی مخالفت و عناد مشرکین قریش با پیغمبر (ص) هجرت آنحضرت بمدینه جنگهای مسلمانان باکفارقریش ودیگران ، انتشاردین مبین اسلام دراطراف جهان وفتوحات اسلامی وبطور کلی هر واقعه‌ای که در اثر ظهور اسلام بوقوع پیوسته جزو تاریخ اسلام است .

جاهلیت و اسلام دورانی که ازچندقرن باسلام مانده تاظهور اسلام برعربهای حجاز گذشته بزمان جاهلیت معروف است . کلمهٔ جاهلیت از جهل بمعنی نادانی گرفته شده مقصود ازنادانی کارهائی استکه درنتیجهٔ بیخردی ازانسان سرمیزند مثل اینکه آدمی خودپسند باشدو بپدر ومادر واجداد خودافتخار کند ، زود عصبانی شود وبافسانه‌ها وخرافات معتقد باشد . اسلام درست عکس این معنی را میدهد زیرا کلمهٔ اسلام بمعنی فروتنی درمقابل حق و دوری ازخود پسندی است .

هر گاه‌دین اسلام گفته شود‌مقصود‌دین مقدسی استکه‌حضرت‌خاتم‌الانبیاء(ص)

آوردو خداوند درچند مورد ازقرآن مجید آنرا باین اسم نامیده است : از جمله در آیهٔ ۵ ازسورهٔ مائده (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناً) یعنی امروز دین خود رابرای شما کامل ونعمتم راتمام کردم واسلام رادین شما قرار دادم . ودر آیهٔ ۷۹ ازسورهٔ آل عمران (ومن یبتغ غیر الاسلام دینافلن یقبل منه) یعنی کسیکه جزاسلام دین دیگری بجوید هرگز ازاوپذیرفته نیست . ودر آیهٔ ۱۷ ازسورهٔ آل عمران (ان الدین عندالله الاسلام) یعنی دین موردقبول خداوند اسلام است

اسلام در کجا و از میان چه کسانی بر خاست

اسلام از شهر مقدس مکه واقع در شبه جزیرهٔ عربستان (قسمت حجاز) که در جنوب غربی قارهٔ آسیاقرار دارد ، آشکار شد که چون درجغرافیای اسلام ازاین سرزمین بتفصیل بحث شده ، دراینجا احتیاجی بتکرار آن نیست . مردمی که اسلام ازمیان آنان برخاست بنام عرب معروفند که اگر بادیه نشین باشند اعراب نامیده میشوند (یکنفرعرب بادیه نشین اعرابی گفته میشود) . عربها ازنژاد سامی هستند . (درتاریخ عمومی خوانده اید که مردم روی زمین بچند نژادتقسیم شده اند که یکی ازآنها نژاد سامی است) که بچنددسته قسمت میشوند وهر دسته بچندقبیله وهر قبیله بچندطایفه

مردم مکه ازقبیلهٔ معروف قریش بودند که نسبشان بحضرت اسماعیل (ع) فرزند حضرت ابراهیم (ع) میرسد. این دسته در تاریخ بنام عربهای مستعربه معروفند.

وضع عربها در زمان جاهلیت

برای اینکه بعظمت آئین مقدس اسلام پی ببرید لازم است قبلا بوضع عرب حجاز درزمان جاهلیت آشنا شوید آنوقت خواهید فهمید که بیرون آمدن پیغمبر (ص) ازمیان چنین جمعیتی وآوردن قرآن واحکامیکه پس از قرنها بشر متمدن در برابر

آنها سر تعظیم فرود میآورد و با پیشرفت علم و فکر بشر عظمت آن بهتر آشکار میگردد، باید بزرگترین معجزه‌ها محسوب شود.

در زمان جاهلیت جهل و بیسوادی سرتاسر شبه جزیرهٔ عربستان بخصوص حجاز را فرا گرفته بود و مردم درحال توحش بسر میبردند و جز عدهٔ قلیلی دیگران تابع هیچ دین و مذهبی نبودند. بتهائی را که خود از چوب یا سنگ حتی گل و خمیر و خرما ساخته بودند، میپرستیدند و میان خود و خدا وسیله قرار میدادند ولی اگر گرسنه میشدند، بتهائی را که از خمیر و خرما بود میخوردند. از خوردن مار و عقرب باك نداشتند سوسمار خوراك معمولی آنان بود. عقاید عجیب و جاهلانه داشتند مثلا در خشك سالی مقداری هیزم بدم گاوی میبستند و آتش میزدند سپس گاو را بطرف کوه‌ها میکردند تا باران ببارد، اگر کسی را مار میگزید زنگ بگردن او آویزان میکردند تا زهر ببدنش سرایت نکند و معتقد بودند اگر کسی کشته شود روحش مانند مرغی پیوسته بالای قبر او پرواز میکند و میگوید تشنه‌ام تا خونخواهی بشود و قاتل بقصاص برسد. کسیکه میخواست وارد قریه یا قبیله‌ای بشود و از مرض و وبا یا جن میترسید، جلو آن قریه می‌ایستاد و صدای الاغ میکرد، سپس استخوان شانهٔ خرگوش بخود می‌بست و وارد میشد. قتل و غارت و دزدی برای آنان امری عادی بود و جز در چهار ماه ذی‌القعده و ذی‌الحجه و محرم و رجب در بقیهٔ سال بخونریزی و غارت اموال یکدیگر اشتغال داشتند و جنگهای معروفی میان آنان رخ داده که در تاریخ به ایام عرب معروف است.

زنده بگور کردن دختران

یکی از عادات بسیار زشت زمان جاهلیت زنده بگور کردن دختران بود که با وجود دختر را

برای خود ننگ میدانستند یا چون قدرت خرج دادن نداشتند این عمل ننگین را مرتکب میشدند . در زبان عربی بزنده بگور کردن وئاد و بدختری که زنده بگور شود موؤده گفته میشود . دین مقدس اسلام از این عمل زشت نهی کرده ودر چند آیه از قرآن بدان اشاره شده است ازجمله در آیه ۸ ازسورهٔ تکویر (واذاالموؤدةسئلت بای ذنب قتلت) یعنی روزیکه بپرسند بچه گناهی دختران زنده بگور میشدند ودر آیهٔ ۳۳ ازسورهٔ بنی اسرائیل (ولاتقتلوااولادکم خشیة املاق نحن نرزقهم وایاکم) یعنی ازترس ناداری فرزندان خود را نکشید ، روزی ایشان وشما را ما میدهیم .

قبیلهٔ قریش یکی از اجداد پیغمبر (ص) بنام نضر بن کنانه (نضر بفتح نون وسکون ضاد . کنانه بکسر کاف) قریش نیز نامیده میشد و بهر کس که ازفرزندان او باشد قرشی میگویند اهل مکه عموماً از اولاد قریش بودند و امور مربوط بخانهٔ کعبه بوسیله بزرگان قریش انجام میشد .

هاشم و عبدالمطلب بسیاری ازفرزندان قریش شهرت یافتند وطایفه هایی بنام آنان نامیده شد که از همه معروفتر وشریفتر هاشم است که بچندین واسطه بقریش میرسد .

نام هاشم عمرو بود که چون بسیار اطعام میکرد باو هاشم گفتند پس بنی هاشم یعنی کسانیکه ازفرزندان هاشم هستند یکی ازفرزندان هاشم عبد المطلب است (بضم میم وتشدید وفتح طاو کسر لام) عبدالمطلب ده پسر داشت که یکی از آنان عبدالله پدر حضرت رسول (ص) بود .

حضرت خاتم الانبیاء پیغمبر اسلام

صلی الله علیه و آله الاطهار

نام مبارک آنحضرت محمد و نام پدرحضرت عبدالله فرزند عبدالمطلب

مادر آنحضرت آمنه دختر وهب تاریخ تولد حضرت روز جمعه هفدهم ربیع الاول ومحل تولد شهر مکه بود عبدالله قبل از تولد پیغمبر (ص) درسفر تجارتی که بشام کرده بود هنگام مراجعت درشهر یثرب (مدینه) درگذشت وآمنه درسال ششم تولد آنحضرت وفات یافت ازاینجهت پیغمبر بمحمد یتیم معروف بوده است درقرآن مجید نیز بیتیم بودن آنحضرت اشاره شده است (سوره والضحی آیه ٥ الم یجدك یتیما فآوی) حضرت تاسن هشت سالگی تحت کفالت جدشان عبدالمطلب بودند، بعد از وفات عبدالمطلب تحت کفالت عمویشان ابوطالب در آمدند درسن دوازده سالگی با ابوطالب بتجارت شام رفتند دربیست وپنجسالگی برای خدیجه دختر خویلد که از زنان ثروتمند مکه بود مسافرت تجارتی بشام کردند سپس با خدیجه ازدواج نمودند ودرسن چهل سالگی از طرف حق مأموریت یافتند که دعوت خود را آشکار سازند

حضرت درکودکی گوسفندچرانی ودرجوانی تجارت میکردند ، از زمان طفولیت تا بعثت از نظر اخلاق وصفات نیك سرآمد دیگران ودر امانت داری و درستی ضرب المثل بودند بطوری که مردم باو محمد امین میگفتند .

بعثت حضرت «ص»

کلمهٔ بعثت، بمعنی برانگیختن وفرستادن میباشد ، پس مقصود از بعثت پیغمبر (ص) برانگیخته شدن او از طرف خداوند بپیغمبری ودعوت مردم بطرف حق میباشد قبل از بعثت حضرت درغاری در کوه حرا (بکسر اول) که درسه میلی مکه واقع است بعبادت میپرداختند ودرهمین غار بود که درروز ۲۷ ماه رجب از طرف حق مأموریت یافتند مردم را بدین مبین اسلام دعوت نمایند نخستین

سورهٔ ازقرآن که برای آنحضرت نازل‌شد سورهٔ اقرء باسم ربك‌الذی‌خلق خلق‌الانسان من علق بودبعدازبعثت‌حضرت‌ازکوه حرا فرودآمدند ابتدا پنهانی مردم را دعوت‌میکردند وپیش‌ازهمه ازمردان پسر عمویش‌علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام که‌بیش ازده‌سال نداشت واززنان خدیجه دخترخویلدهمسر آنحضرت دعوت اورا باجان ودل‌پذیرفتند .

دیگر ازکسانیکه در آغاز امردعوت آنحضرت را پذیرفتند ابوذر غفاری ، عماربن‌یاسر باپدر و مادر وبرادرش، عبدالله‌بن‌مسعود و از زنان ام‌الفضل‌همسرعباس‌بن‌عبدالمطلب عموی‌حضرت‌بودند . چون‌عدهٔ مسلمان نزدیك بسی‌نفرشد ، درمواقع‌معینی درمحل‌خلوتی‌جمع میشدند وتعالیم اسلامی‌را ازحضرت فرامیگرفتند . مدتی بدین‌ترتیب گذشت ، تاحضرت رسول (ص) از طرف خداوند ماموریت یافتند که آشکارا مشرکین را بدین‌حق دعوت‌فرمایند . برای‌این‌منظور بالای تپه‌ای در کوه صفا رفتند وشروع کردند بنام‌بردن یك‌یك قبایل قریش تاخوب که‌همه جمع شدند فرمود آیامرا راستگومیدانید همه گفتندبلی ما تا کنون دروغی از تو نشنیده‌ایم فرمود حال که مراراستگومیدانید بشمامیگویم که از عذاب خدا بترسید و دست از بت پرستی بر دارید . بمحض اینکه حضرت این‌سخن رافرمود ، ابولهب‌عموی آنحضرت گفت آیا برای این مطلب ماراجمع کردی و شروع بناسزا گویی کرد بهمین مناسبت سورهٔ (تبت یدا ابی‌لهب‌وتب) یعنی بریده باد دستان‌ابی‌لهب ، درباره او نازل‌شد . در همین‌سوره‌است که‌خداوند زن او ام‌جمیل را حمالة‌الحطب نامیده زیرا این زن نیز در اذیت کردن پیغمبر دست کمی از شوهرش نداشت .

◦ ◦

دشمنی مشرکین با آنحضرت
ازاین پس مشرکین دامن دشمنی آنحضرت را بکمر زدند ، ابتدا جهال و کودکان را وادار کردند که هرگاه حضرت ازکوچه‌ای عبور میکند اورا استهزاء نمایند و زخم زبان بزنند ولی حضرت بدون اعتنا بکارهای کودکانهٔ آنان ، بدعوت خود ادامه میدادند و ایشانرا ازبت پرستی وعادات زشت و خلاف انسانیت نهی میفرمودند وبپرستش خدای یگانه میخواندند . بزرگان قریش که دیدند ازتحریك جاهلان واعمال سفیهانهٔ خود نتیجه‌ای نگرفتند عده‌ای را بنمایندگی ، نزد ابوطالب عموی حضرت فرستادند که بمحمد بگو دست از بدگوئی نسبت بخدایان ما بردارد واگر نمیپذیرد تو که ابوطالب وعموی او هستی دست ازیاریش بردار وگرنه ، ماد انیم با تو و برادرزاده‌ات . ابوطالب چون کارراسخت دید موضوع را بحضرت عرض کرد حضرت فرمود بخداسوگند اگر آفتاب رادردست راست وماه‌را در دست چپ من قرار دهند دست ازدعوتم نخواهم کشید و آنقدر میکوشم تا دین حق درجهان آشکارشود . ابوطالب که چنین سخن محکمی را شنید گفت هرچه میخواهی بگو ؛ هرکار میخواهی بکن که من پشتیبان تو هستم . مشرکین که دیدند ازاین راه نیز نتیجه‌ای نگرفتند بشدت شروع باذیت آنحضرت کردند. چندنفر بودند که بیش از دیگران حضرت را آزرده میساختند ، یکی ابولهب ودیگری همسرش ام‌جمیل (که خداوند درقرآن باولقب حمالة‌الحطب داده‌است) یکی دیگر ابوجهل (که نام اوعمربن هشام مخزومی بود) . انواع اهانتها واذیتهای طاقت‌فرسا بحضرت واردمیاوردند ولی آنحضرت بدون اینکه بروی خود بیاورد لحظه‌ای ازدعوت بسوی حق غافل نمیشد.

کفار قریش نه تنها حضرت را اذیت میکردند بلکه کسانیرا که مسلمان شده بودند نیز شکنجه میدادند مثلا بلال که غلام یکی از بزرگان قریش بود چون ایمان آورد آقایش دستور داد ریسمانی بگردن او ببندند و بدست کودکان بسپردند تا هرچه میخواهند اذیتش کنند . ظهر که میشد اورا بروی ریگهای گرم میخواباندند و سنگهای سنگین روی سینه‌اش قرار میدادند و باو میگفتند که یا بمحمد کافر شو یا آنقدر شکنجه‌ات میدهیم تا بمیری ولی بلال فقط میگفت احد ، احد یعنی خدا یکی است . یکی دیگر از مسلمانان را آهن تافته (سرخ شده از آتش) درروی کمرش میگذاشتند که دست از اسلام بردارد ولی هرساعت ایمان او محکمتر میشد .

کفار از راههای دیگر وارد شدند

بزرگان قریش چون دیدند هیچیك ازاین کارها ثمره‌ای ندارد یکنفر را بنام عقبه نزد حضرت فرستادند بلکه بترتیبی باو کنار آیند . عقبه خدمت آنحضرت آمد وعرض کرد که اگر مقصود تو ثروت است ما از میان خود آنقدر مال برای تو جمع میکنیم که از تمام ثروتمندان عرب غنی‌تر شوی اگر مقام وریاست میخواهی ترا بر خود برتری میدهیم وفرمانت را مطیع میشویم هرگاه پادشاهی میخواهی بسلطنت تو گردن مینهیم . سخنان عقبه که تمام شد حضرت فرمود گوش کن سپس این سوره را قرائت کردند بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل من الرحمن الرحیم ، کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم یعلمون ، بشیراً و نذیراً فاعرض اکثرهم فهم لا یسمعون تا آیه فان اعرضوا فقل انذرتکم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود عقبه که این آیات را شنید دیگر نتوانست طاقت بیاورد و آمد نزد مشرکین و گفت سخنی شنیدم که تاکنون مثل آن نشنیده‌ام آنچه محمد میگوید نه شعر است نه جادوگری ، دست از او بدارید تا به بینیم چه میشود .

سپس راه دیگری در نظر گرفتند و آن این بود که بحضرت پیشنهاد کردند در عبادت با آنان شریك شود تا آنان نیز در عبادت با آنحضرت شریك شوند سورهٔ مبارکهٔ (قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون) یعنی بکافران بگو آنچه شما میپرستید من هرگز نمیپرستم در این باره نازل شد چون از هیچیك از این راهها نتیجه‌ای عایدشان نشد باز شروع بآزار مسلمانان کردند .

مهاجرت بحبشه حضرت برای اینکه مسلمانان از شکنجه کفار رهائی یابند اجازهٔ مهاجرت بحبشه که در مشرق افریقا کنار دریای سرخ مقابل حجاز واقع است دادند دودسته از مسلمانان بحبشه هجرت کردند و پس از هجرت حضرت بمدینه آنان نیز از حبشه بمدینه رفتند .

شعب ابیطالب و محاصرهٔ اقتصادی بنی‌هاشم چون بنی‌هاشم از حضرت حمایت میکردند ، کفار ابتدا از آنان خواستند که دست از حمایت آن حضرت بردارند ولی بنی‌هاشم نپذیرفتند سپس مشرکین تصمیم گرفتند با بنی‌هاشم قطع رابطه کنند و در این باب بایکدیگر پیمان بستند بنی‌هاشم و دیگر خویشاوندان حضرت که چنین دیدند در شکاف کوهی بنام شعب ابیطالب گرد آمدند و چنان در سختی افتادند که بجای خوراك برگ درخت و علف بیابان میخوردند . توقف آنان در شعب ابیطالب سه سال طول کشید که در این مدت منتهای فشار را تحمل کردند بعد از اینمدت عده‌ای از بزرگان قریش روی عرق خویشاوندی از تصمیم خود برگشتند و با بنی‌هاشم بنای داد و ستد گذاشتند ، آنان نیز از شعب ابیطالب بیرون آمدند .

هجرت پیغمبر (ص) بمدینه پس از اینکه کفار قریش در انکار اسلام اصرار ورزیدند حضرت در صدد بر آمدند دیگر قبایل را باسلام دعوت فرمایند در آنموقع چنین معمول بود که دراوقات معینی درمحلهای مخصوصی بازارهایی برای دادوستد وخواندن شعر واینگونه کارها تشکیل میشد وافراد قبیله‌های مختلف در آن بازارها شرکت میکردند (از همه این بازارها معروفتر بازار عکاظ (بضم عین) درمحلی بهمین نام درنزدیکی مکه بود) حضرت شروع بآمدورفت در بازارهای مزبور ودعوت مردم بدین حق نمودند ولی نتیجه‌ای نداد تااینکه درموسم حج (درزمان جاهلیت نیز قبایل عرب بزیارت خانهٔ خدا میامدند) عده‌ای از دوقبیلهٔ معروف اوس وخزرج که در شهر یثرب (واقع درشمال مکه) ساکن بودند بزیارت خانه خدا آمدند در یثرب که بعداً بمناسبت هجرت حضرت بآن شهر بمدینة النبی (شهر پیغمبر) شهرت یافت . غیراز دوقبیله‌مزبورعده‌ای یهودی نیزساکن بودند یهودیان ازسالهای قبل بمردم یثرب گفته بودند که‌ما در کتابهای خودخوانده‌ایم بزودی پیغمبری مبعوث خواهد شد و اوصاف حضرت را هم ذکر کرده بودند . از اینجهت وقتیکه آن‌حضرت شروع بدعوت اهل یثرب کردند ، ایشان گفتند این‌همان پیغمبری است که یهود بما میگفتند خوب است درایمان آوردن باو پیشقدم شویم ، سپس این عده ایمان آوردند و قرار گذاشتند که به یثرب برگردند و دیگران رامطلع سازند .

درمراسم حج سال بعد دوازده نفر (ده نفر ازقبیله خزرج و دو نفر از اوس) بمکه آمدند وباحضرت بیعت کردند چون این بیعت در مکانی بنام عقبه انجام یافت آنرا بیعت عقبهٔ اولی نامند ، این عده که همه از بزرگان قبیلهٔ خود بودند بشهر یثرب برگشتند وبدیگران اطلاع دادند وعموم اهل آنشهر اسلام آوردند

درسال دیگر عدهٔ زیادی بمکه آمدند و باپیغمبر (ص) قرار گذاشتند یکثلث ازشب گذشته درعقبه (همانجا کهسال گذشته ملاقات شده بود) بملاقات آنحضرت(ص) بیایند تامشرکین قریش آگاه نشوندشب هنگام این عده کههفتادوسهمرد و دوزن بودند درمحل مزبورحاضرشدند وعهد و پیمان لازم باحضرت بستند. این بیعت رابیعت عقبهٔ ثانیه نامند وچنین قرار شد که حضرت رسول (ص) و مسلمانان بشهر یثرب هجرت کنند و آنان تاجان دربدن دارند از آنحضرت حمایت نمایند.

مشرکین قریش که ازاین جریان اطلاع یافتند سخت خشمناك شدند و تصمیم گرفتند حضرت و مسلمانان را بشدت اذیت کنند و اگر بتوانند پیغمبر (ص) را بقتل رسانند پیغمبر هم بمسلمانان دستوردادند بتدریج و بی آنکه کسی مطلع شود بمدینه هجرت کنند پس ازچندی جز خودحضرت وچندنفردیگر کس دیگری ازمسلمانان درمکه باقی نماند حضرت شبی را برای حرکت خود معین فرمودند کفار قریش هم پس از گفتگوی زیاد چنین قرار گذاشتند که ازهرقبیله یکنفر آماده کشتن حضرت شود وموقعیکه حضرت بقصد حرکت ازخانه بیرون میایند دسته جمعی آنحضرت را شهید سازند تابنی هاشم نتوانند از همه قبایل قریش خونخواهی نمایند حضرت که از قصد مشرکین آگاهی یافتند حضرت امیرالمؤمنین علی ؑ راکهدرآنوقت ۲۳ ساله بودند دربستر خودخوابانند وخودشان بدون اینکه مشرکین که دربیرون درمنتظر بودند اطلاع یابند ازخانه بیرون آمدندودرغاری بنام غار ثور درسه منزلی مکه مخفی شدند کسانیکه آماده کشتن حضرت بودندتاصبح پشت درایستادند ودراین مدت از شکافهای در نگاه میکردند تا هرگاه آنحضرت از بستر برخیزد او را

به بینند ولی چون هوا روشن شد علی(ع) را بجای پیغمبر دیدند از این روی سخت غضبناك شدند و با مردی که رد پا را خوب می‌شناخت بدنبال حضرت برخاستند و تا مقابل غار ثور نیز آمدند اما هیچ فکر نکردند که آنحضرت در آن غار مخفی باشند (زیرا عنکبوتان مقابل در غار تنیده بودند) و نا امید بمکه مراجعت نمود ند.

ورود حضرت بشهر یثرب پیغمبر (ص) و ابو بکر که درراه بآنحضرت برخورده بود و حضرت او را بغار ثور برده بودند سه روز در غار ماندند و بعد از اینمدت بطرف یثرب حرکت کردند: از آنطرف اهل یثرب که از حرکت حضرت اطلاع یافتند هر روز از صبح در بیرون شهر جمع میشدند و در انتظار میایستادند، تا روزیکه حضرت وارد شدند تمام اهل شهر از مرد و زن و کودك با سرور و شادمانی فراوان مقدم مبارك آنحضرت را استقبال کردند و هریك آرزو داشت که پیغمبر (ص) بخانهٔ او نزول اجلال فرمایند، ولی شتریکه حضرت سوار بر آن بودند براه خود ادامه میداد تا مقابل خانهٔ ابو ایوب انصاری (یکی از بزرگان صحابهٔ پیغمبر (ص)) زانو زد و حضرت (ص) در همانجا فرود آمدند. کسانی هم که از مکه به یثرب هجرت کرده بودند هر یك در خانه یکی از اهالی این شهر بمهمانی دعوت شدند، تاریخ ورود حضرت پیغمبر (ص) بمدینه در روز دوازدهم ربیع الاول سال سیزدهم بعثت بود.

در تاریخ اسلام بکسانیکه از مکه بشهر یثرب هجرت کردند، مهاجرین و بکسانی که اهل یثرب بودند و مسلمان شدند و بیاری حضرت برخاستند انصار میگویند. شهر یثرب نیز از این بعد بمدینة النبی (شهر پیغمبر (ص)) شهرت یافت، و بعداً بمدینه معروف شد. فاصلهٔ میان بعثت و هجرت سیزده سال

بود ؛ درقرآن مجید آیهٔ ۳۰ ازسورهٔ انفال هجرت حضرت رسول از مکه بمدینه ذکر شده است (واذیمکر بك الذین کفروا لیثبتوك او یقتلوك او یخرجوك)

بنای مسجد درهمان مکان که شتر خوابید حضرت شروع به بنای مسجد نمودند ، پایه های آنمسجد را از چوب درخت خرما قرار دادند و بلندی دیوارها کمی ازقامت یکمرد بیشتر بود.

خود آنحضرت باعده‌ای دیگر از مسلمانان ساختمان مسجد را تمام کردند . از آن موقع تاکنون درمسجد پیغمبر (ص) تغییراتی داده شده و بسیار توسعه پیدا کرده که شرح آنرا در جغرافیای اسلام ضمن شرح جغرافیای شهر مدینه میخوانید ، بعدازچندماه از هجرت ، حضرت میان مسلمانان برادری برقرار کردند یعنی هردو نفر مسلمان را برادریکدیگر خواندند وحضرت امیرالمومنین علی(ع) رابرادرخود نامیدند .

دستور جنك کمی پس ازهجرت ، چند آیه که در آنها دستور جنك باکفار داده شده بود بر پیغمبر(ص) نازل شد و ازاین ببعد متجاوزازهفتاد جنك میان پیغمبر(ص) و کفارقریش ویهودیها ودیگران اتفاق افتاد که در عده‌ای از آنها خود حضرت شرکت فرمود در بقیه خود شرکت نفرمود جنگهایی راکه حضرت شخصاً تشریف میبردند بنام غزوه وآنهایی را که خود تشریف نمیبردند سریه مینامند .

غزوهٔ بدر کبری بدر نام محلی است میان مکه و مدینه (هفت منزلی مدینه) که چندبار میان مسلمانان ومشرکین در آنمحل زد وخورد اتفاق افتادوچون یکی از آنها مهمتر بود بنام غزوهٔ بدر کبری نامیده میشود . عدهٔ مسلمانان دراین جنك سیصدوسیزده نفر بود که تنها چند نفر از آنها اسب واسلحه داشتند و بقیه پیاده وبدون اسلحه بودند . تعداد مشرکین

قریش نهصدو پنجاه نفر بود که عموماً اسلحه و وسائل کافی دراختیار داشتند دوسپاه درمحل بدر با یکدیگر ملاقات کردند ، مسلمانان چون ایمانی استوارداشتند باینکه اگر بکشند یا کشته شوند ببهشت نایل میشوند چنان مشرکین راشکست دادند که هفتاد نفر را کشتند وهفتاد نفر اسیر کردند؛ خبر این فتح نمایان که منتشر شد مسلمانان سخت شادمان شدند و کفار مکه در صدد انتقام جوئی بر آمدند جنك بدر و یاری خداوند بمسلمانان درقرآن مجید سورهٔ آل عمران آیه ۱۹ ذکر شده است.(ولقد نصر کم الله ببدر و انتم اذله فاتقوا الله لعلکم تشکرون) .

جنك احد کفار قریش که در جنك بدر آنگونه شکست خوردند وعدهٔای از بزرگان خود واز جمله ابوجهل را از دست دادند تصمیم گرفتند ازمسلمانان انتقام بگیرند . نزدیك بیکسال آماده کارزار میشدند تادرسال سوم هجری . سپاهی در حدودسه هزار نفر بطرف مدینه حرکت دادند. پیغمبر(ص) که ازقصد مشرکین اطلاع یافتند باهزار نفر از مدینه بیرون آمدند ، مسلمانان وکفار در پای کوه احد نزدیکی مدینه بیکدیگر رسیدند . حضرت بتیراندازان دستورفرمودند در کوه کمین کنند واز محل خود حرکت ننمایند . جنك شروع شد ؛ ابتدا سواران مشرکین بمسلمانان حمله کردند ولی دراثر تیراندازی مسلمانان . آنان مجبور بعقب نشینی شدند . باحملههای دیگری که ازطرف مسلمانان شد مشرکین درآغاز کار سخت شکست خوردند ولی چون تیر اندازان که بدستورحضرت بایستی درکوه بمانند ، برای جمع آوری غنیمت (مالی که از کفار بجامانده بود) محل خودرا ترك گفتند ؛ کفار سرو صورتی بوضع خوددادندو باانتشار خبرقتل پیغمبر(ص) روحیهٔ مسلمانان راضعیف ساختند

وایشان‌را غافلگیر کردند . در این جنگ حمزه‌عموی پیغمبر(ص) بدرجهٔ شهادت‌رسید وبوجود مبارك‌خود آنحضرت نیز صدمات زیادی‌وارد آمد . چنددندان وپیشانی حضرت‌را باسنك شکستند ، سپس مشرکین بمکه و مسلمانان‌بمدینه مراجعت کردند ، علت شکست مسلمانان یکی وجود عده‌ای منافق دیگری اشتباهی‌بود که تیراندازان کردند و از محلیکه حضرت تعیین‌فرموده بودند بیرون آمدند

منافقین در تاریخ‌اسلام منافقین بکسانی میگویند که در ظاهرخود را مسلمان نشان‌میدادند یعنی‌شهادتین (لا اله الا الله ، محمد رسول الله) را میگفتند ، وکارهایی را که مسلمانان انجام میدهند انجام میدادند امادرباطن باکفارهمدست‌بودند وبرای‌مشرکین‌قریش ودشمنان دیگر اسلام جاسوسی میکردند و در راه مقاصد مسلمانان کار شکنی مینمودند گذشته ازآیه‌هایی که درقرآن درخصوص‌منافقان وجود دارد یکی ازسوره‌های‌قرآن نیز بنام منافقین‌است .

یهودیها همانطورکه گفته شد ، یهودیهای مدینه با اینکه خود ازظهورحضرت‌رسول(ص) بدیگرساکنان آنشهر اطلاع داده‌بودند چون حضرت بمدینه هجرت‌فرمودند از روی حسد وکینه ورزی شروع بمخالفت و دشمنی باآنحضرت نمودند و با منافقین همکاری میکردند ، گرچه بظاهر باحضرت‌پیمان بسته بودند ولی بعهدخود وفا نکردند وتا میتوانستند بامسلمانان دشمنی‌میورزیدند حتی‌یکی از یهودیها موقعیکه پیغمبر (ص) از کوچهٔ آنان عبور میفرمود خواست سنك بزرگی را بسر حضرت‌بزند ؛ بـااین‌ترتیب دیگر بودن‌یهوددرمدینه صلاح‌نبود و حضرت بآنان اخطارفرمودند که‌ازآنشهر بیرون‌روند چندقبیله‌یهودی‌بیرون‌رفتند

وچند قبیله دیگر آمادهٔ مبارزه شدند ودرچند جنگ که بامسلمانان کردند تارو مار گردیدند که شرح بعضی از آنها داده خواهد شد . دشمنی یهود بامسلمانان و همکاری که یهودیان با مشرکین قریش میکردند از موضوعهای مهم تاریخ اسلام است که خداوند درقرآن مجید نیز بدان اشاره فرموده است نکتهٔ عجیب این استکه یهودیها باینکه موحد بودند یعنی خدای یگانه رامیپرستیدند ، بامشرکین قریش یعنی بت پرستان ودشمنان خداپرستی متحد میشدند وبا آنان بجنگ پیغمبر اسلام (ص) میآمدند تادعوت بتوحید و خداپرستی راازمیان ببرند .

غزوهٔ خندق بطوریکه گفته شد چون یهودیان پیمان شکنی کردند ، پیغمبر (ص) دستور فرمودند دیگر در مدینه واطراف آن نمانند عده‌ای از یهودیها که از مدینه اخراج شده بودند نزد مشرکین قریش درمکه رفتند وآنان را تشویق بجنگ باپیغمبر (ص) نمودند و وعدهٔ همه گونه مساعدت بایشان دادند . گذشته از کفار قریش ، دیگر قبایل عرب را نیز بجنگ بامسلمانان تحریك کردند . درنتیجه سپاهی بتعداد ده هزار نفر بسرکردگی ابوسفیان (پدرمعاویه وجدیزید) بطرف مدینه حرکت کرد . چون حضرت از این موضوع اطلاع یافتند بااصحاب خود درطرز جلوگیری کفار مشورت فرمودند ، سلمان فارسی (رضی الله عنه) که جزو صحابهٔ درجه اول پیغمبر ونخستین ایرانی است که بپذیرفتن دین مبین اسلام مشرف شده ، اظهار داشت که میان ما ایرانیان چنین مرسوم است که چون درخطر محاصرهٔ دشمن قرار گیریم ، دراطراف خود خندقی حفر میکنیم . حضرت این رای راپسندیدند ودستور کندن خندق را صادر کردند . درحفر خندق خود آنحضرت نیز شرکت میفرمودند . صحابهٔ پیغمبر (ص) بکندن خندق

اشتغال داشتند منافقین نیز بدروغ پردازی و تضعیف روحیهٔ مسلمانان مشغول بودند طولی نکشید خندق کنده شد بطوریکه وقتی سپاه مشرکین مقابل مدینه رسید خندق عمیقی درمقابل خوددید که نمیتوانست از آن عبور کند ، مسلمانان نیز که شمارهٔ آنان بسه هزار نفر میرسید این طرف خندق آمادهٔ جهاد بودند . توقف سپاه در طرفین خندق مدت بیست و چندروز طول کشید دراین مدت فقط بسوی یکدیگر تیراندازی میکردند ازطرفی منافقین ازفرصت استفاده کرده باانتشار خبرهای دروغ روحیهٔ مسلمانان را ضعیف میساختند ازطرف دیگر عده‌ای از کسانی که ایمانشان زیاد محکم نبود ازوضع سخت محاصره واینکه میدیدند تمام قبایل عرب ویهودیان برای نابود کردن مسلمانان تجهیز شده‌اند ، پای استقامتشان سست میشد وازخود ضعف نشان میدادند ، خداوند درآیهٔ ۱۲ ازسورهٔ احزاب دراین باره چنین فرموده است : اذیقول المنافقون والذین فی قلوبهم مرض ماوعدناالله ورسوله الاغرورا واذ قالت طائفة منهم یااهل یثرب لامقام لکم فارجعوا و یستأذن فریق منهم النبی یقولون ان بیوتنا عورة وماهی بعورة ان یرون یدالافراراً باهمهٔ اینها پیغمبر (ص) واصحاب باوفاو باایمان او مانند کوه پایداری میکردند وچون حق را با خود میدانستند بپیروزی نهایی خود اطمینان داشتند : یکی ازروزها چندنفر ازمبارزان قریش که عمروبن عبدود معروف جزو آنان بود ازقسمتی ازخندق که تنگتر ازجاهای دیگر بود جستن کردند و باینطرف آمدند این عمل آنان دلیل بود بر اینکه غلبهٔ خود را حتمی میدانستند ومبارزان اسلامی رادر مقابل خود مغلوب میدیدند حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) راه را بر آنان گرفت ، عمرو از شدت غرور از اسب پیاده شد و با علی(ع) بمبارزه برخاست ولی بزودی بدست حضرت

کشته شد . در این میان بین مشرکین وعده‌ای از یهودیان که با آنان هم عهد شده بودند اختلاف افتاد و کار بدشمنی کشید از طرف دیگر کشته شدن عمرو بن عبدود ضربهٔ سختی بروحیهٔ کفار وارد آورده بود در نتیجه شبی که باد شدیدی میوزید ناامید و خسته بار و بنهٔ خود را بستند و بطرف مکه مراجعت کردند و همانطور که پیغمبر (ص) وعده داده بود مسلمانان پیروز شدند پس از شکست و برگشتن مشرکین ، پیغمبر (ص) بگوشمالی یهودیانی که پیمان شکنی کرده بودند پرداختند ؛ عده‌ای از آنان را تار ومار وعده‌ای دیگر را دستور کشته شدن دادند . در این جنگ چون بسیاری از قبایل عرب شرکت کرده بودند بآن جنگ احزاب گویند زیرا احزاب جمع حزب و حزب بمعنی گروه میباشد (یکی از سوره‌های قرآن مربوط باین جنگ و بنام سورهٔ احزاب است) وچون مسلمانان برای دفاع از خود . مبادرت بکندن خندق کردند جنگ خندق نیز نامیده میشود بعد از این جنگ دیگر مشرکین نتوانستند چنین سپاهی گرد آورند و تقریباً در تمام جنگهای آینده غلبه با مسلمانان بود . جنگ خندق در سال پنجم هجری اتفاق افتاد. ودر این سال بود که انجام فریضهٔ حج بر مسلمانان واجب شد

نامهٔ پیغمبر (ص) پیغمبر اسلام (ص) بتمام جهانیان مبعوث شده و بپادشاهان اطراف دین مقدس اسلام تاقیام قیامت برپا خواهد بود ، بنابراین پس از اینکه حضرت تاحدی بر مخالفان داخلی اسلام غلبه یافتند درصدد برآمدند برای پادشاهان اطراف نامه بنویسند و آنان را بدین مبین اسلام دعوت فرمایند . برای این منظور نامه هایی بخسرو پرویز پادشاه ایران وقیصر روم وپادشاه حبشه وچند پادشاه وامیر دیگر ارسال فرمودند . این نامه‌ها را کاتبان حضرت مینوشتند و آنحضرت مهر خود را که در روی آن (محمد رسول الله) نقش شده بود در پای آنها میزدند .

فتح خیبر در سال هفتم هجری

خیبر نام محلی است درنزدیکی مدینه که یهودیان در آن هشت قلعه داشتند و در آنها زندگی میکردند. چون یهودیها پیوسته با مسلمانان دشمنی مینمودند و کفار قریش را بجنك باپیغمبر (ص) تحریك و بآنان وعده همه نوع کمك میدادند، حضرت درسال هفتم هجری تصمیم گرفتند قلعه‌های خیبر رابگیرند و مسلمانان را ازشر یهود خلاص سازند. برای این منظور باسپاه اسلام بطرف خیبر حرکت فرمودند ویهودیان درقلعه‌های خود محاصره شدند درخصوص فتح خیبر نویسندگان مطالب بسیاری نوشته‌اند ولی ما فقط مختصری از آنچه طبری یکی از معتبر ترین مورخان اسلامی نوشته ذکرمیکنیم. طبری درتاریخ خودچنین گوید. چون پیغمبر (ص) به پشت قلعه‌های خیبر فرودآمدند، علم را بدست عمر دادند واورا برای گرفتن قلعه فرستادند اماعمر بزودی برگشت اوسپاهیان راازجنگ میترساند وسپاهیان اورا میترساندند. طبق یك روایت دیگر، غیرازعمر، ابوبکر نیز برای فتح خیبر رفت وکاری از پیش نبرد. سپس حضرت (ص) فرمود فردا علم رابکسی میدهم که او خداورسول رادوست بدارد، خداورسول هم اورادوست بدارند، روزدیگر باآنکه علی عليه‌السلام سخت بدردچشم مبتلی بود پیغمبر (ص) اورا خواستند و بجنك یهودیان فرستادند، دراین میان مرحب سرکردۀ یهودیها که دردلاوری معروف ودر یهود کسی مانند او نبود ازقلعه خارج شد. مرحب سنگی را مجوف (توخالی) کرده ومانند کلاه خودبرسر گذاشته بود، حضرت علی (ع) با او بمبارزه برخاستند. پس ازدوضربت که بین ایشان رد وبدل شد حضرت (ع) چنان ضربتی برسر مرحب فرودآوردند که کلاه‌خود سنگی وزره‌راشکافت و از دندانهای او

گذشت . در این ضمن علی (ع) یك در از درهای قلعه را از جا کند و مانند سپر بر دست گرفت و شروع بجنك کرد و پس ازپایان جنك آنرا برزمین انداخت ، هشت نفر باهم خواستند آن دررا اززمین حرکت دهند نتوانستند . پس از کشته شدن مرحب ، کمر یهودیان شکسته شدو قلعه‌ها یکی پس از دیگری فتح میشد و مسلمانان با غنیمت زیاد و اسیر فراوان بمدینه مراجعت کردند .

موضوع فدك در نزدیکی خیبر قلعهٔ دیگری از یهودیان بود که فدك نامیده میشد ، بعد از فتح خیبر یهودیان فدك باپیغمبر (ص) چنین مصالحه کردند که املاك واموال خودرا بگذارند وخود بهرجامیخواهند بروند . بنابر این طبق مقررات اسلامی فدك ملك خاص حضرت میشد

فتح مکه در سال هشتم هجری سالها پیش از فتح مکه خداوند وعدهٔ فتح آنجارا بپیغمبر (ص) ومسلمانان داده بود و آیاتی چند از قرآن در این باره نازل شده است که (از جمله در آیه ۲۷ از سوره : لتدخلن المسجد الحرام انشاء الله .)

پس ازاینکه مشرکین متوجه شدند که تاب مقاومت با مسلمان را ندارند ، با پیغمبر (ص) پیمان بستند که طرفین تامدتی متعرض یکدیگر نشوند و بدشمنان یکدیگر نیز یاری ننمایند ولی مشرکین بعهد خود وفانکردندو پنهانی بمخالفت بامسلمانان برخاستند . حضرت که از پیمان شکنی آنان اطلاع یافتند ، باعده‌ای درحدود ده‌هزار نفر برای فتح مکه ازمدینه بیرون آمدند ؛ بزرگان قریش میدانستند که قدرت برابری با پیغمبر (ص) راندارند ازاینجهت درصدد تهیه سپاه بر نیامدند و چندنفر از رؤسای درجه اول ایشان ، ازجمله ابوسفیان درراه خدمت حضرت مشرف

شدند و اظهار اسلام کردند . چون حضرت پیغمبر (ص) بمکه رسیدند فرمودند هر کس در خانهٔ خود درود و بیرون نیاید یا در مسجد الحرام باشد در امان خواهد بود از این دستور چند نفر را که زیادتر . از دیگران با اسلام دشمنی کرده بودند مستثنی کردند و فرمودند این چند نفر هر جا دیده شوند خونشان هدر است . باین ترتیب بی آنکه مقاومتی از طرف مشرکین بشود، حضرت (ص) مکه را فتح فرمودند و سورهٔ مبارکهٔ انافتحنا لك فتحاً مبینا در این باره نازل شد . پیغمبر (ص) پس از ورود بمکه وارد مسجد الحرام شدند و هفت مرتبه دور خانهٔ خدا طواف کردند و حجر الاسود را بوسیدند و بتهایی را که مشرکین اطراف کعبه قرار داده بودند و تعداد آنها بسیصد و شصت بت میرسید شکستند و از آب زمزم نوشیدند سپس برای اهل مکه خطبه‌ای ایراد فرمودند و دستورهای اسلامی را بآنان گوشزد کردند و از جمله گفتند که خداوند تکبر و خودپسندی را که از آثار جاهلیت بود از شما دور کرد ، بزرگی هر کس بسته بپدر و جد نیست ؛ همه فرزندان آدمند ، آدم هم از خاك است خداوند در کتاب خود چنین فرموده که هر کس پرهیز کارتر ، گرامی‌تر (ان اکرمکم عندالله اتقاکم) پس از این خطبه حضرت ببلال مؤذن خود فرمودند بالای بام مسجد الحرام اذان بگوید مردم مکه نیز بمسلمانی با پیغمبر بیعت کردند حتی توبه و اسلام چند نفر از کسانیکه حضرت خونشان راهدر کرده بودند قبول شد . پیغمبر (ص) ۱۹ روز در مکه ماندند بعد یکنفر را از طرف خود در آنجا تعیین فرمودند و بطرف مدینه مراجعت کردند

غزوهٔ حنین عده ای از قبایل عرب که از فتح مکه اطلاع پیدا نمودند درصدد بر آمدند بمکه هجوم آورند و مسلمانان را تار و مار کنند باین منظور با سپاه انبوهی بطرف مکه حرکت کردند پیغمبر (ص) که هنوز

بمدینه نرفته بودند با دوازده هزار نفر برای جلوگیری از آنان تشریف بردند . دراین جنك گرچه مسلمانان ابتدا کمی شکست خوردند ولی دوباره برگشتند و بایك حمله کفاررا بکلی شکست دادند و تعداد زیادی شتر و گوسفند واموال دیگر بغنیمت بردند هنگام قسمت کردن غنیمت‌ها حضرت دستور فرمودند بعده‌ای ازاشراف قریش که ایمان محکمی نداشتند ازقبیل ابوسفیان و پسرش معاویه ، سهم بیشتری دادند تا بطمع مال بخیال مخالفت بااسلام نیفتند و باین عده مؤلفهٔ قلوب گویند .

داستان جنگ حنین وشکستی که ابتدا بمسلمانان وارد آمددر سورهٔ توبه ص ۱۱ آیهٔ ۲۵ ذکر شده است (لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره و یوم حنین اذاعجبتکم کثرتکم)بعد ازفتح مکه وغزوهٔ حنین ، بسیاری از قبایل عرب ایمان آوردند و پیوسته نمایندگانی ازطرف قبیله‌های مختلف بحضور پیغمبر (ص) میرسیدند واظهار اسلام میکردند وتعالیم اسلامی را برای قبیله خود ارمغان میبردند درتاریخ اسلام ، باین نمایندگان وفود گویند

غزوهٔ تبوك تبوك نام ناحیه‌ای است درحدود شام که آنزمان درتصرف روم شرقی بود (تقسیم امپراتوری روم را بشرقی وغربی درتاریخ عمومی خوانده‌اید) چون حضرت (ص) اطلاع یافتند که رومیان دراین محل سپاه عظیمی آماده کرده‌اند تا بمسلمانان حمله برند ، دستور فرمودند مسلمانان مهیای حرکت بطرف تبوك بشوند . بااینکه هوا بشدت گرم ومردم سرگرم برداشت محصول باغها وزراعتهای خود بودند . بمحض صدور دستور پیغمبر (ص) درحدود سی هزار نفر آمادهٔ حرکت بجانب تبوك وجنك بارومیها شدند و ثروتمندان دریك بقدر توانائی ، مخارج تجهیز سپاه را پرداختند . درآنموقع جنگ باروم کار بسیار مهمی بنظر میرسید زیرا کشور روم یکی ازدو امپراتوری

بزرك جهان بشمار میآمد (یکی دیگر امپراتوری ایران بود) از اینروی منافقین فرصتی یافتند که باز خم زبان و بزرك نشاندادن رومیان که در آنزمان عربها آنان بنی الاصفر میگفتند ، مسلمانان را آزرده سازند ولی کسی بسخنان ایشان اعتنائی نمیکرد و پیغمبر (ص) باسپاه اسلام بجانب تبوك حرکت فرمودند . چون بآنمکان رسیدند کسی از رومیان راندیدند و پس از دو سه روز توقف چون از سپاه روم خبری نشد بمدینه مراجعت کردند تنها دو سه نفر از فرمانروایان شهرهای اطراف تبوك خدمت حضرت رسیدند و پرداخت جزیه را پذیرفتند درغزوهٔ تبوك حضرت علی (ع) از طرف پیغمبر (ص) درمدینه ماندند ودر کارهای نیابت آنحضرت رامیکردند حتی پیغمبر (ص) باو فرمود تو ای برادر و جانشین من و بمنزلهٔ هارون برادر موسی هستی .

جزیه و اهل کتاب کافران در مقابل مسلمانان بر دو قسم بودند یکی اهل کتاب دیگری مشرکین ، اهل کتاب بکسانی میگفتند که موحد بودند و از پیغمبر های گذشته که کتاب آسمانی همداشت پیروی میکردند مانند یهودیان که امت حضرت موسی هستند و کتاب ایشان تورات است همچنین مسیحیان که امت حضرت عیسی میباشند و کتابشان انجیل است اهل کتاب بر دو قسمند ذمی و حربی درصورتیکه درصدد جنگ با مسلمانان نباشند میتوانند بدین خود باقی بمانند و در پناه مسلمانان باشرایطی زیست کنند مشروط بر اینکه هر سال مالیات سرانه که جزیه نامیده میشود به بیت المال مسلمین بپردازند دراینصورت ذمی نامیده میشوند یعنی درپناه مسلمانان میباشند و اگر آمادهٔ جنگ با مسلمانان باشند بآنان حربی گفته میشود و مسلمانان باینگونه کفار بجنگ برمیخاستند .

مشرکین چنین حقی نداشتند و نمی توانستند ذمی باشند و در صورت نپذیرفتن دین مقدس اسلام بایستی مسلمانان با آنان بجنگ برخیزند .

تا سال نهم هجری مشرکین در ایام حج بمکه میرفتند و در خانهٔ کعبه طواف میکردند در این سال سوره براءة من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین نازل شد و حضرت علی (ع) ماموریت یافتند که آن سوره را برای مردمیکه از اطراف بحج خانهٔ خدا رفته بودند بخوانند. حضرت آیاتی را که نازل شده بود قرائت کردند و ندا در دادند که از این پس هیچ مشرکی حق ندارد بحج بیاید

در سورهٔ براءة، مسلمانان دستور یافتند هر جا مشرکین را می‌بینند بکشند مگر اینکه مسلمان شوند و اگر مشرکی خواست سخن حق را بشنود در پناه اسلام قرار گیرد و تا مراجعت بمحل خود باو آسیبی نرسد.

حجة الوداع در سال دهم هجری حضرت رسول (ص) برای حج بمکه رفتند که چون این آخرین حجی بود که انجام دادند بان حجة الوداع گویند آن حضرت پس از مراسم حج خطبهٔ مفصلی ایراد فرمودند و دستورهای بسیار جامعی بامت خود دادند. در مراجعت از مکه در محلی بنام غدیر خم دستور فرمودند مردم اجتماع کنند و بر منبری که از جهاز شتران تهیه کرده بودند برای کسانیکه در آنسفر در خدمت آنحضرت بودند و عدهٔ آنان حداقل بنود هزار نفر میرسید در ضمن خطابه ای جانشینی حضرت امیرالمؤمنین علی ؑ را گفتند و فرمودند من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه هر که را من سرورم علی نیز او را سرور است. خدایا دوستدار علی را دوست بدار و دشمنش را دشمن. تعیین وصایت و ولایت علی در روز هجدهم ذیحجه بود و همین روز است که بمناسبت اهمیت فوق العاده ای دارد بزرگترین عید مذهب حقهٔ شیعه محسوب میشود که چون در محل غدیر خم واقع شده بعید غدیر معروف است.

راجع بغدیر و اهمیت آن کتابهای مفصلی تالیف شده و جریان آن بتفصیل

در کتابها ذکر گردیده که شرح مفصل آن و خطبه‌ای که حضرت رسول(ص) ایراد فرمودند انشاء الله در چاپ دوم خواهد آمد.

وفات پیغمبر(ص) پس از مراجعت حضرت از حجة الوداع دیری نگذشت که مریض شدند. شروع مرض در اوایل ماه صفر سال یازدهم هجری بود. در اواخر ماه مرض آنحضرت شدت یافت تا در روز بیست و هشتم ماه صفر و بقولی اول ربیع الاول در سن شصت و سه سالگی از دنیا رحلت فرمودند. حضرت پیغمبر(ص) در شدت مرض برای مردم خطبه‌ای خواندند و ضمن آن فرمودند هر کس حقی بگردن من دارد از جا بلند شود و حق خود را بگیرد و این سخن را مکرر ادا کردند تا مسلمانان بدانند که اگر حقی از کسی بعهدهٔ آنان است هر قدر جزئی باشد باید در پرداخت آن بکوشند و طرف مقابل را از خود راضی سازند و نیز پیغمبر (ص) در نزدیکی وفات خود فرمود قلم و دواتی بیاورید تا چیزی برای شما بنویسم که بعد از من گمراه نشوید ولی عمر از این کار مانع شد در نتیجه همانطور که خواهیم دید بعد از پیغمبر فتنه‌ها و اختلافات زیادی که منشا بیشتر آنها موضوع خلافت بود بوجود آمد.

مختصری از اخلاق و روش پیغمبر(ص) راجع بسیرهٔ پیغمبر (ص) کتابهای بسیاری نوشته شده و بر هر کس لازم است کمی با آن آشنا باشد و سر مشق زندگانی خود قرار دهد و در اینجا برای تبرك بدو سه جمله اکتفا میشود:
فروتنی حضرت بحدی بود که بهمه حتی کودکان سلام میکرد و کسی نمیتوانست در سلام کردن بر آنحضرت پیشی جوید، کفش و لباسش را خود وصله میکرد. گوسفندان را خود میدوشید و کارهای خانه را خود انجام میداد. با فقراء نشست و برخاست میفرمود. اخلاق آنحضرت آنقدر کامل

بود که خداوند دربارهٔ او فرمود. وانك لعلى خلق عظيم. بردباری پیغمبر (ص) بحدی بود که در جنگ احد وقتیکه دندانها و پیشانی او را شکستند بجای اینکه نفرین کند، دعا کرد و گفت: خدایا قوم مرا راهنمایی کن زیرا جاهلند و نمیدانند. همچنین در فتح مکه پس از اینکه بر مشرکین دست یافت با آنهمه آزار و شکنجه که نسبت به مسلمانان کرده و زخم زبانها که زده بودند و با آنهمه جنگها که با آنحضرت کرده بودند، آنان را عفو فرمود. پیغمبر وقتی در مجلسی می نشست منتهای وقار جلوس میفرمود، همه را احترام میکرد پاهای مبارك را در حضور کسی دراز نمیکرد حتی زانوهای حضرت هنگام نشستن از زانوهای دیگران جلو نمیآمد، جز در موقع لازم سخن نمیگفت خندهٔ قهقهه نمیکرد. وقتی وارد مجلسی میشد همان پائین می نشست و از همه احترام مینمود، خلاصه صفات پیغمبر و اخلاق آنحضرت از تواضع حلم، مهربانی، سخاوت، شجاعت، حیا و ادب نه باندازه ای استکه بتوان در این مختصر شرح داد و بکتابهائیکه در این باره نوشته شده باید مراجعه شود

مختصری از تاریخ قرآن

شاید در جهان کمتر کتابی مانند قرآن باشد که این اندازه راجع بآن کتاب نوشته شده باشد گذشته از فرقه های اسلامی که هر یك کتابهای متعدد دربارهٔ قرآن نوشته اند بسیاری از دانشمندان غیر مسلمان در خصوص این کتاب مقدس تحقیق کرده و راجع بقسمتهای مختلف آن قلمفرسایی کرده اند قرآن بزبانهای زنده دنیا مکرر ترجمه شده و مطالبی که در این کتاب مبین بکار رفته همه را دچار شگفتی کرده است.

همانطور که در ضمن تاریخ متوجه شدید قرآن از بعثت تا هجرت و از آن بعد تا وفات پیغمبر (ص) بتدریج نازل شد، از یکصد و چهارده سورهٔ

قرآن بیست سوره در مدینه بقیه در مکه یعنی قبل از هجرت نازل گردیده که مکی نامیده میشود. حضرت (ص) چون امی بودند یعنی نمیخواندند و نمینوشتند، هر وقت قسمتی از قرآن نازل میشد بعده ای از اصحاب خود میفرمودند تا آنرا از حفظ کنند و نیز عده‌ای بودند که از طرف حضرت مأموریت داشتند قرآن را بنویسند و چون در آنموقع کاغذ نبود، معمولا روی چوب خرما و سنگهای سفید و پارچه و پوست استخوان و شانهٔ گوسفند و شتر مینوشتند. در زمان پیغمبر (ص) جمعی از صحابه قرآن را جمع کردند که یکی از آنان حضرت علی (ص) بود. ترتیبی که امروز در سوره‌های قرآن می بینید ترتیب نزول نیست زیرا همانطور که گفته شد اول سوره که نازل شد، (اقرء باسم ربك الذی خلق) و بعد از آن سورهٔ (ن و القلم و سپس یاایها المزمل و یاایها المدثر بود هر یك از سوره‌ها نیز یکمرتبه نازل نمیشد ممکن بود ابتدا قسمتی و بعد قسمتی دیگر از آن نازل شود، ترتیب جمع آوری قرآن و تفسیرها و کتب دیگری که در خصوص این کتاب مقدس تألیف یافته قرائت های هفت گانه را در دوره‌های بعد خواهید خواند.

وقایع بعد از وفات پیغمبر (ص)

داستان بیعت با ابوبکر بعد از وفات حضرت رسول (ص) حضرت امیر (ع) بغسل و کفن و دفن آنحضرت پرداختند. در آنوقت بزرگان مهاجر و انصار چون جانشینی پیغمبر (ص) را حق حضرت علی میدانستند فکر نمیکردند که خلافت بصورت دیگری درآید بااینحال عده‌ای درمحلی بنام سقیفهٔ بنی‌ساعده اجتماع نمودند وابوبکر وعمر وچندنفر دیگر درآنمحل حاضر شدند ومردم را دعوت کردند که باابوبکر بخلافت بیعت کنند. ابتدا انصار گفتند ماجز باعلی (ع) بادیگری بیعت نمیکنیم، گذشته ازانصار جمعی دیگر ازبزرگان مهاجرین نیزحاضر نشدند باابیبکر بیعت نمایند، امابااصرار عمر وفشارسختی که بمخالفان خلافت ابوبکر وارد آمد آخرالامر ابوبکر کاررادر دست گرفت وچون درآنموقع بواسطهٔ وفات پیغمبر (ص) ممکن بود بسیاری ازقبایل عرب طغیان کرده وبیم اینکه اگر تفرقه‌ای رخ دهد ممکن است برای جامعهٔ مسلمانان زیان آورباشد، حضرت امیر (ع) وشیعیان آنحضرت درمقابل ابیبکر سکوت کردند.

وقایع زمان ابوبکر پس از آنکه خبر وفات پیغمبر (ص) در اطراف پراکنده شد عده‌ای ازقبایل عرب که ایمان محکمی نداشتند واز ترس یا ازروی طمع مسلمان شده بودند، مرتد شدند یعنی ازدین برگشتند عده‌ای دیگر از پرداخت زکات خودداری کردند چندنفری که اززمان خود حضرت (ص) ادعای پیغمبری میکردند، قدرتی یافتند وشروع بدست اندازی باطراف نمودند، خلاصه جز قبیلهٔ قریش و دو قبیله اوس وخزرج که درمدینه ومکه ساکن بودند وقبیلهٔ

ثقیف که در طائف سکونت داشتند کمتر کسی از مسلمانان بحال خود باقی ماند ، تنها حقیقت دین مبین اسلام بود که مسلمانان مجدداً پیروزی یافتند و گذشته از غلبه کردن بر مرتدان و مدعیان پیغمبری درمدت کمی برروم و ایران نیز دست یافتند و نام اسلام را در دورترین نقاط جهان پراکنده ساختند .

جنگ با مرتدان و مدعیان پیغمبری

خبر از دین برگشتن عده‌ای قبایل و اینکه عده‌ای دیگر از پرداخت زکات خودداری کرده‌اند که بمدینه رسید ابوبکر یازده نفر هر یك را بفرماندهی قسمتی از مسلمانان معین کرد و هر دسته را بجنك چند قبیله از قبیله‌های مزبور فرستاد و بوسیله هر یك از سرداران نامه‌ای برای قبیله‌ای که بجنك آن میرفت ارسال داشت که در آن نامه افراد قبیله را ببازگشت باسلام و پرداخت زکات دعوت کرده و آنان را از عواقب شوم اعمالشان برحذر داشته بود : چند سپاه نیز بجنك کسانی که خود را پیغمبر میدانستند فرستاد از مدعیان پیغمبری یکی مردی بود بنام مسیلمه که در تاریخ اسلام بمسیلمه کذاب معروف است و در یمامه (واقع در میان نجد و یمن) خود را پیغمبر میدانست و جمله‌هایی بهم میبافت و نام آن را آیات آسمانی میگذاشت ، دیگری زنی بود بنام سجاح که ابتدا با مسیلمه بمبارزه برخاست سپس با یکدیگر آشتی کردند و سجاح بازدواج مسیلمه در آمد یکی دیگر مردی بود بنام طلیحه اسدی دیگری بنام اسود یمنی. اینان هر یك در گوشه‌ای از شبه جزیره بگمراهی مردم پرداخته و عده‌ای را دور خود جمع کرده بودند و بمخالفت با دین اسلام میپرداختند . سرداران اسلام طبق دستوریکه داشتند بسرکوبی مرتدین مشغول شدند و در اندك مدتی بر آنان غلبه یافتند ، عده‌ای مقتول و بقیه توبه کردند و تحت لوای اسلام در آمدند . از مدعیان پیغمبری نیز مسیلمه در یمامه پس از جنگ شدیدی که با مسلمانان کرد ، کشته شد . اسود نیز در یمن مقتول گردید

سجاح وطلیحه مسلمان شدند ومسلمان مردند .

حکم مرتد مرتد بکسی گویند که مسلمان بوده سپس ازدین بر گشته است . مرتد اگر از پدریا مادری مسلمان متولد شده باشد ، مرتد فطری نامیده میشود و توبهٔ او بحسب ظاهر قبول نمیگردد یعنی مسلمانان نمیتوانند اوراجزو خودبدانند وحکم مخصوصی دارد . ولی اگر کسی مسلمان متولدنشده وپس ازرسیدن بسن بلوغ دین اسلام را پذیرفته سپس از دین بر گشته باو مرتد ملی گویند و توبه اش پذیرفته میشود . کسانی که بعد ازوفات پیغمبر (ص) مرتد شدند عموماً مرتد ملی بودند وازهمین جهت توبه آنان قبول میشد .

نخستین حملهٔ مسلمانان بحدود ایران در زمان ساسانیان در نزدیکی مرزهای جنوبی ایران در سرزمینی بنام حیره (نزدیکیهای نجف اشرف کنونی) اقوامی ازعرب سکونت داشتند ویک حکومت عربی تحت نظر پادشاهان ساسانی درآنجافرمانروایی میکرد . در این وقت که ابوبکر سپاهیانی برای سرکوبی مرتدین و پیغمبرهای دروغی فرستاده بود چون ازکار آنان فراغت یافتند بخالدبن ولید که یکی از سردارهای معروف ابوبکر است دستورداد بحیرهوعراق و حدود ایران حمله برد ، خالدبنزدیکی حیره که رسید فرمانروای حیره واشراف آن نزداو آمدند واز منظورش سؤال کردند جواب شنیدند که یا پذیرفتن اسلام یاقبول پرداخت جزیه یاآماده شدن برای جنگ ، مردم حیره میدانستند که قدرت جنگ بامسلمانان راندارند زیراوضع ایران در آنوقت طوری آشفته بود که کسی بفکر حیره نمیافتاد ، گرچه یزدگرد سوم پادشاه ساسانی (شروع سلطنت یزدگرد مصادف بود باروی کار آمدن ابوبکر) میخواست سرو

صورتی بکارها بدهد ولی همانطور که در تاریخ ایران خوانده‌اید اوضاع در آنوقت طوری درهم و برهم بود که بزودی اصلاح نمیپذیرفت . از این جهت مردم حیره قبول جزیه کردند .

شروع جنگ با روم و فتح شام در سال سیزدهم هجری

همانطور که در تاریخ عمومی خوانده‌اید در آغاز قرون وسطی . امپراطوری روم بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم گردید . روم غربی که پایتخت آن شهر رم (پایتخت فعلی ایتالیا) بود همان اوایل امر بواسطهٔ هجوم قبایل وحشی منقرض شد .

روم شرقی که پایتخت آن شهر قسطنطنیه (کنستانتینوپول) یا استامبول کنونی بود اگرچه در حدود هزار سال دوام کرد ولی از وقتیکه مسلمانان شروع بحمله بآن کردند بتدریج رو بضعف گذاشت تا در قرن هفتم هجری که استامبول بدست سلطان محمد فاتح پادشاه معروف عثمانی فتح شد و سلطنت روم شرقی خاتمه یافت . در تاریخ ساسانیان همچنین در تاریخ اسلام هر گاه روم گفته میشود مقصود روم شرقی است و همانست که نام آن در قرآن مجید نیز آمده و سوره‌ای بهمین نام نازل شده است.

جلوتر دانستید که مسلمانان پس از تسلط یافتن بر قسمتهای مهم شبه جزیره عربستان در صدد تصرف سرزمینهای مجاور برآمدند . از همه جا بمسلمانان نزدیکتر ایران و روم بود (مقتدرترین حکومتهای آنروز) . درزمان حضرت رسول (ص) حملهٔ بروم شروع شد و غزوهٔ تبوك برای جنگ باروميان انجام یافت در آنوقت یك حکومت عربی در شام بنام غسانه یاآل غسان تحت نظر روم شرقی دائر بود (نظیر حکومت حیره در حدود ایران) بنابراین حملهٔ بشام بمنزلهٔ حمله بروم محسوب میگردد .

بپادشاهان روم بطور عموم قیصر میگفتند و هنگام شروع حملهٔ مسلمانان بمتصرفات آن کشور ، قیصر هراکلیوس که در تاریخهای اسلامی به هرقل معروف است نام داشت :

ابوبکر پس از اینکه ازجنك بامرتـدان آسوده شددر صدد حمله بشام بر آمد و باین منظور سپاهی ازمسلمانان بسرداری مردی بنام ابوعبیدة جراح بسوی شام فرستاد ، سپاه اسلام چند نقطه را بآسانی بتصرف آوردند قیصر که ازاین امر اطلاع یافت چون قلباً متمایل باسلام بوداز جنك بامسلمانان اباداشت ولی از سلطنت نمیتوانست بگذرد ازاینجهت سران سپاه خودرا جمع کرد (قیصر در اینوقت در بیت المقدس بود) و اظهار داشت که بهتر این است بامسلمانان صلح کنیم و نیمی ازشام را بآنان وا گذاریم چه من از این بیم دارم که تمام شام و نیمی از امپراتوری روم را تصرف نمایند ، ازاین سخن نزدیك بود براوشورش کنند . قیصر ناچار از قصد خود برگشت و بجنك با مسلمانان مصمم شد و چند سپاه گران برای جلوگیری از آنان گسیل داشت . سرداران اسلامی که از کثرت عدد سپاه روم آگاه شدند بابوبکر اطلاع دادنـد و از او کمك خواستند ابوبکر بسپاه عراق (سپاهیکه بحدود ایران حمله میبرد) دستور داد که سپاه شام را یاری کنند . خالدبن ولید بانه هزار نفر از عراق روانهٔ شام شد . در شام نیز در حدود بیست و هفت هزار نفر آمادهٔ کارزار بودند و باین ترتیب سی و شش هزار نفر مسلمان در برابر سپاه عظیم روم که عدهٔ آنان را تا هشتصد هزار نفر نوشته اند وازتمام وسائل مهم جنگی برخوردار بودند ، قرار داشت در میان سپاهیان روم عده ای راهب و کشیش وجود داشت که آنانرا بجنك با مسلمانان تشویق میکردند . رومیان طوری آمادهٔ جنك بامسلمانان شده

بودند که‌ده‌ها هزار نفر از ایشان خودرا با زنجیر و ریسمان بهم بسته و عهد کرده بودند که هیچیك از جنك نگریزند . فرمانده رومیان یکی از سرداران معروف روم بنام باهان بود .

جنك یرموك اجتماع سپاه عظیم روم و برخورد آنان با سپاه اسلام در ناحیه‌ای در شام بنام یرموك اتفاق افتاد همان طوریکه که گفته شد رومیان چندین برابر مسلمانان بودند . چه از جهت زیادی عدد و چه از حیث تجهیزات واسلحه وترتیب لشکر کشی شاید تاآنروز کمتر سپاهی باآن عظمت تهیه‌شده بود ولی مسلمانان باکمی عدد ونداشتن سلاح کافی ووسایل کار فقط ازیك چیز برخوردار بودند که‌بوسیلهٔ آن توانستند در مدت کوتاهی برنیمی ازجهان غلبه یابند وآن نیروی ایمان بود مطابق بعضی روایات مقدمهٔ سپاه روم‌را شصت‌هزار نفر ازعربهایی که‌دین مسیح داشتند تشکیل میداد مسلمانان برای اینکه زهر چشمی از رومیان بگیرند ، شصت نفراز زبده‌ترین افراد را انتخاب کرده که بشصت هزار نفر عرب نصرانی حمله کنند : (هر یکنفر در برابر هزار نفر) در هر حال دوسپاه بیکدیگر حمله‌ور شدند وپس ازجنك طولانی که رخ داد بعللی که‌شرح آنرادر دورهٔ بعد خواهید خواند رومیان بسختی شکست خوردند بطوریکه قیصر دیگر نتوانست درشام بماند وتا قسطنطنیه‌عقب نشینی کرد .ازاین پس‌شهرهای شام‌یکی پس‌ازدیگری بدست مسلمانان فتح میشد تا در زمان عمر که تمام آن فتح‌شد : ولی جنك اسلام وروم خاتمه نیافت و پنج ٦ قرن ادامه‌یافت تابافتح‌قسطنطنیه پایتخت روم‌شرقی بدست سلطان محمدوم فاتح عثمانی ، حکومت روم‌شرقی (بنام بیزانس) بکلی منقرض‌شد .

مرگ ابوبکر و نشستن عمر بجای او ابوبکر درسال سیزدهم هجری پس از دوسال و چندماه فرمانفرمائی در سن شصت وسه سالگی درگذشت ودراین وقت پدرش ابوقحافه زنده بود . ابوبکر چون مرگ خود راحس نمود . عمررا بجانشینی تعیین کرد . پس از آنکه عمر بجای ابوبکر نشست قاصدی بشام فرستاد وسپاهیان را از مرگ ابوبکر وجانشینی خود اطلاع داد ، ضمناً خالد بن ولید را از فرماندهی معزول وابوعبیدهٔ جراح را بجای او برقرار ساخت . درزمان عمر دمشق وقسمتهای دیگر شام همچنین مصر وایران فتح شد :

حملهٔ مسلمانان بایران حکومت ساسانیان اززمان خسرو پرویز ببعد رو بضعف نهاد ، عده‌ای ازایرانیان همانوقت ، خطر را حس کردند وچون از اصلاح وضع ایران ناامید بودند ، دراطراف پراکنده شدند وعدهٔ بسیاری از آنان بهندوستان مهاجرت کردند ، درمدت کوتاهی چندین تن که بعضی ازایشان کودك بودند بپادشاهی رسیدند ، ازطرفی مسلمانان باایمانی چون کوه استوار ، بی آنکه ازهیچ چیز بخود بیمی راه دهند آمادهٔ فتح ایران میشدند ، ابتدا شروع بدست اندازی باطراف ایران کردند ، پس ازروی کار آمدن عمر تصمیم قطعی بحملهٔ بایران گرفتند ، سپاهیانی ازمدینه بهمین قصد حرکت کردند و پس از چندین برخورد که در حدود سواد (عراق کنونی) باایرانیان کردند ، سرزمینهائی رابدست آوردند ولی در یك جنگ بنام یوم الجسر که در کرانه‌های فرات انجام یافت چون سپاه ایران دارای فیلهای جنگی بودند واسبهای مسلمانان ازدیدن فیل رم میکردند ومسلمانان ناچار شدند پیاده در برابر فیل جنگی وسپاهی آزموده نبرد کنند ازاینروی سپاه اسلام سخت شکست خورد وفرمانده آن ابوعبید بن مسعود

ثقفی (پدر مختار معروف) وعدهٔ زیادی از مسلمانان بقتل رسیدند اما پس از این بشرحیکه خواهیم دید ، در جنگهای قادسیه و نهاوند ایرانیان شکست قطعی خوردند .

جنگ قادسیه در سال ۱٤ هجری چون خبر شکست مسلمانان بمدینه رسید عمر سپاهی بسرداری سعد بن ابی وقاص بیاری سپاه اسلام فرستاد و دستور داد عده‌ای از سپاهیان که در شام بودند بسپاه عراق ملحق شوند سعد باسپاه خود در قادسیه (پانزده فرسخی کوفه) فرود آمد. سپاهیانی که در قادسیه گرد آمدند تا با ایران حمله کنند سی و چند هزار نفر بودند که فرماندهی آنان با سعد وقاص بود از طرف دیگر ایرانیان چون خطر را نزدیك دیدند بوضع خود سر و سامانی دادند و یزدگرد پادشاه ایران سپاهی گران بسرداری یکی از مردان معروف ایران در آنزمان بنام رستم فرخزاد نامزد جنك با مسلمانان کرد .

سعد وقاص بدستور عمر چند نفر را بنمایندگی نزد یزدگرد فرستاد تا اورا باسلام یاقبول جزیه دعوت نمایند ، نمایندگان سعد در مداین پایتخت آنروز ایران (درحدود بغداد) بحضور یزدگرد رسیدند و پس از شرحی که از دین مقدس اسلام دادند و اینکه پرتو این دین مبین باید بهمهٔ جهان برسد ، اورا باسلام یاقبول جزیه دعوت کردند و گفتند اگر هیچیك از این دورا نپذیری باید آمادهٔ جنك شوی ، یزدگرد ازسخنان ایشان بر آشفت و گفت اگر نبود که کشتن فرستادگان روا نیست شما را میکشتم سپس آنانرا مرخص کرد و دستور داد رستم باسپاه خود رهسپار قادسیه شود . چون رستم بدانجا رسید سپاه خود را مرتب کرد .

☆☆ ☆☆☆ ☆☆

مختصری از وضع میدان جنگ و سلاحهای معمول در آنزمان

ترتیب حرکت وقرار گرفتن سپاه درجنگها این بود که عده‌ای در موقع حرکت درجلو قرارمیگرفتند که‌بآنان مقدمه میگفتند در میدان جنگ خود فرمانده باافراد زبده‌و جنگدیده دروسط که‌قلب‌سپاه‌نامیده میشد می‌ایستاد طرف راست سپاه بنام‌میمنه وطرف‌چپ‌بنام میسره‌هریك دارای فرماندهی‌بود وعده‌ای عهده‌دار عقب سپاه که‌ساقه‌نام‌داشت.بودند سپاهیان سواره‌وپیاده وتیرانداز نیز هریك فرماندهی‌داشتند . محل‌جنك میدان‌وسیعی بود که دو طرف درمقابل یکدیگر میایستادند واغلب‌مدت جنك خیلی‌طول نمیکشید وزود تکلیف یکسره میشدمگراینکه‌شهری یاقلعه ای در محاصره قرار میگرفت در اینصورت ممکن‌بود جنك مدتها طول بکشد.

سلاحهای جنگی دردرجهٔاول شمشیرونیزه وتیر وکمان بود ، سپس زوبین ودشنه‌وسلاحهای‌دیگر ، برای‌فتح‌قلعه‌ها وسائلی‌داشتند که‌دیوارها راباآنها خراب میکردند که از همهٔ آن وسائل معروفتر منجنیق است که باآن سنگهای بزرك و مواد سوزان بطرف دیوار پرتاب میکردند وسپاهیان مجهز مهندسینی همراه داشتند که‌روی اصول‌صحیح نقب زنی میکردندو از نقطهٔ معینی درداخل قلعه سردرمیآوردند . آوردن فیل در جنگهای‌قدیم نیز معمول بود : بدین ترتیب که فیلها را برای جنك ترتیب‌میکردند وبرگستوانی (برگستوان زرهی بوده که‌درجنك بفیل واسب میپوشاندند) باو می پوشاندند . فیل باطرز مخصوصی دشمن را بزمین می‌افکند و ازروی‌بدن‌اوعبورمی کرد ، هرگاه سپاهی در محلی

متوقف میشد دور خود خندق میکندند و موانع موقتی شبیه بسیم خاردار امروزی در اطراف خود قرار میدادند . و چون عقب نشینی میکردند ، میخهای آهنی درزمین تعبیه میکردند تامانع عبوردشمن بشود درهر سپاه مردان سخنوری بودند که با خواندن شعر یاعبارات مهیج جنگجویان را ؛ تحریك وتشویق میکردند .

دنبالهٔ جنگ قادسیه بترتیبی که گفته شدرستم سپاه خودرا قرارداد وخود در قلب سپاه بر روی تختی نشست و هجده ، فیل جنگی در این قسمت و در هریك از میمنه و میسره هفت یا هشت فیل نگاهداشت از قادسیه تا مدائن افرادی درفاصله‌های کوتاه قرار داشتند تا خبرهارا بسرعت بیزدگرد برسانند .

ازآنطرف مسلمانان صفوف خود را منظم کردند ، سعد بواسطهٔ دملها وبادردی که عارض اوشده بود نتوانست درمیدان جنك حاضرشود و از بالای قصری که منزل داشت ومشرف بمیدان بود؛ بوضع جنك نظارت می کرد وی دستورداد میان صفهای مسلمانان سورهٔ انفال و آیات مربوط بجهادخوانده شود وقرارشدتاچهارمرتبه سعدتکبیر گوید مسلمانان نیز بااوتکبیر گویند ودر تکبیرچهارم دسته جمعی بایرانیان حمله کنند همین کاررا کردندو جنك شروع گردید وباشدت هرچه تمامتر تاچند روزادامه یافت .

در جنگهای قدیم چنین مرسوم بود که اگر ازیکی از دو سپاه یکنفر بوسط میدان میآمد ومبارز طلب میکرد ، ازسپاه دیگر یکنفر داوطلب جنك بااومیشد و درحالیکه هردو سپاه نظاره میکردند آن دونفر با یکدیگر جنك مینمودند تایکی برد یگری غالب میگردید در جنك قادسیه نیز معمولا در شروع جنك درهرروز ابتدا مبارزان

دونفر دونفر بجنگ میپرداختند سپس جنگ عمومی بپامیشد .

در روز اول چون اسبهای مسلمانان از فیلهای جنگی رم میکردند، در چند مورد نزدیك بود قسمتهائی ازسپاه اسلام شکسته شود ولی مسلمانان با تیر اندازی بطرف فیلبانان و بریدن تنگهائی که تخت فیل را بزیر شکمش وصل میکرد، آنها را رم دادند . عده‌ای ازمسلمانان باشجاعت قابل ستایش بدون اینکه پروای جان خودرا داشته باشند بفیلان حمله‌ورشدند وباوسایلی آنهارا میرماندند باین ترتیب تاپاسی ازشب جنگ ادامه یافت و باتلف شدن پانصدنفرازمسلمانان ، فیلها ازمیدان جنگ رانده‌شدند . جنگ بهمین ترتیب درروزهای دوم وسوم جریان یافت درروزچهارم بادبسیارشدیدی بطرف سپاه ایران وزیدن گرفت هوا سخت غبارآلوده شدو سایبان تخت رستم راسرنگون ساخت دراین میان یکنفر ازسپاه اسلام خودرا برستم رساند واورامقتول ساخت ودرنتیجه قلب سپاه ایران شکسته شد ودرفش معروف کاویانی بدست مسلمانان افتادو ایرانیان بکلی شکست خوردند و گریختند وسعدجریان‌رابرای عمر نوشت

فتح مدائن در شهر تیسفون که درعربی بآن مدائن گفته شده است

سال شانزدهم درزمان ساسانیان مقارن حملهٔ مسلمانان پایتخت ایران بود این شهر درده فرسنگی بغدادواقع است و هنوزهم طاق کسری (کاخ سلطنتی) معروف بایوان مدائن درآن مشاهده میشود .

مسلمانان پس ازفتح قادسیه ومتصرف شدن اراضی اطراف ، بسوی مدائن پایتخت ایران حرکت کردند . ایرانیان بامید اینکه چون شط دجله در میان آنان ومسلمانان حائل است ، سپاه اسلام بزودی قادر بحملهٔ بمدائن نیست ولی مسلمانان آنروز ازهیچ چیز نمیهراسیدند وخودرابآب و آتش

میزدند از اینجهت بکنار دجله رسیدند . ابتدا عده‌ای داوطلب شدند که بااسب خود بآب بزنند این عده بدون آسیب از آب گذشتند سپس دیگر مسلمانان نیز اسبهای خود را در آب راندند و بی آنکه کوچکترین صدمه‌ای حتی بیکنفر برسد از دجله عبور کردند ایرانیان که این شهامت را از مسلمانان دیدند دیگر توقف را جائز ندیدند و مدائن را تخلیه کردند و مسلمانان بدون زحمت شهر را متصرف شدند .

غنیمت‌هائی که سپاه اسلام درمدائن بدست آورد از طلا و نقره و اسلحه و لباس ودیگر چیزها ازحساب بیرون بود . بسیار اتفاق میافتاد که مسلمانان بچیزی دست میافتند که نمیدانستند چیست : مثلا کافور را می پنداشتند نمك است وفکر میکردند ارزش طلا و نقره یکی است یا نانهای نازك را خیال میکردند کاغذ است واینگونه امور که همه حکایت از این میکنند که فقط حقیقت دین مبین اسلام و نیروی ایمان آنان بود که اینگونه پیروزیهای بزرك درمدتی کوتاه نصیبشان شد .

صفت فرش معروف پادشاهان ساسانی ازجمله غنیمت هائی که درمدائن نصیب مسلمانان شد فرشی بود که طول و عرض آن هریك شصت ذراع بود که انواع گلها و پرندگان و نهرهای جاری و سبزیها و درختان مختلف بابر گهائی ازحریر وشاخه هایی از طلا و گلهایی ازطلا و نقره ، میوه‌هایی ازجواهرات گرانبها ، در آن طوری نقاشی شده بود که هر کس بر روی آن می نشست تصور میکرد درباغی کنار سبزه زار و نهر آب نشسته است ، پادشاهان ساسانی درزمستان که گل و سبزه یافته نمیشد برروی این فرش می نشستند و ازمناظر آن لذت می بردند . مسلمانان فرش مزبور را بمدینه برای فتح عمر فرستادند .

بنای کوفه و بصره در سال هفدهم مسلمانان چون اراضی و شهرهای بسیاری را متصرف شدند لازم دیدند شهری برای اقامت سپاهیان خود بنا کنند علت اینکه مدائن یا شهر دیگری را انتخاب نکردند این بود که عمر بآنان دستور داده بود جایی را لشکرگاه قرار دهید که میان من و شما دریا و رودخانه و پل فاصله نباشد باین منظور دو شهر معروف کوفه و بصره را بنا کردند که هر دو در حدود ایران آنروز و نزدیك شبه جزیرهٔ عربستان بود. این دو شهر از آنزمان تا حال از شهرهای معروف بوده و بصره اکنون درچند فرسخی خرمشهر است.

جنك نهاوند در سال ۲۱ هـ پس از جنك قادسیه و فتح مدائن ، مسلمانان شهرهای ایران را یکی پس از دیگری متصرف میشدند. در مدت پنجسال خوزستان وفارس و کرمان و کرمانشاهان و قسمتهای دیگر از ایران را فتح کردند . درسال بیست ویکم هجری یزدگرد سوم که در مرو میزیست با استمداد از امرا و فرماندهان اطراف سپاهی عظیم و مجهز بنهاوند (بین کرمانشاهان و ملایر) فرستاد : مسلمانان که از این امر اطلاع یافتند در برابر آنــان شتافتند . ایرانیان اطراف خود خندقی کندند ودرزمین سیخهای آهنین تعبیه کردند تاکسی نتواند عبور کند ، دوسپاه مدتی مقابل یکدیگر قرار گرفتند. آخرالامر پس از جنگهای شدیدی ایرانیان شکست قطعی خوردند وچون از این ببعد دیگر میان ایرانیان ومسلمانان جنك مهمی رخ نداد آنرا فتح الفتوح نامیدند . پس از این مسلمانان بفتح قسمتهای دیگر ایران پرداختند و تمام آنرا بعلاوه قسمتهای دیگر ازنواحی اطراف ایران متصرف شدند واز این تاریخ تا مدتی درحدود دویست سال ایران تحت نظر خلفا اداره میشد .

فتح مصر بعد از تصرف شام وفلسطین ، مسلمانان بسرداری عمروعاص بمصر حمله کردند و تا اسکندریه پایتخت آنروز مصر پیش رفتند . مصریان تاسه ماه درمحاصره ماندند ولی تاب مقاومت نیاوردند و شهر اسکندریه بدست سپاه اسلام فتح شد ومصر نیز ازاین پس جزو قلمرو اسلام قرار گرفت . مسلمانان بعد ازفتح مصر ، بسودان حمله کردند و آنجارا نیز فتح نمودند .

نظری بفتوح اسلامی در طول تاریخ زیاد میخوانید که فلان سپاه بفلان کشور حمله ورشد : این حمله ها معمولا باکشتن و خراب کردن و آتش زدن دانواع سنگدلیها وامورخلاف انسانیت ، همراه است ولی فتوحات اسلامی شبیه بهیچیك ازحملات جهانگشایان نیست وبااین که سپاه اسلام همان عربهایی بودند که درزمان جاهلیت ازهیچ کارزشتی رو گردان نبودند در اثرتعالیم مقدس اسلام در تمام جنگها و فتوحاتی که میکردند جز برطبق دستورهای دینی عملی از آنان سرنزد . در هیچ جاقتل عام نکردند ، بی پناهی را نکشتند ، شهرها را خراب نکردند ؛ بکودکان و سالخوردگان آسیبی وارد نیاوردند ، هر کس قبول اسلام می کرد او را با خود برابر میدانستند واینگونه امور که نویسندگان بزرگ جهان را باعجاب وتحسین وادار کرده است .

کشته شدن عمر در سال ۲۳ هجری یکنفر ایرانی اهل نهاوند که قبلا درجنگهای ایران وروم بدست رومیان سپس درجنگهای اسلام و روم بدست مسلمانان اسیر شده بود درمدینه میزیست . اوفیروز نام داشت وپس ازاسیری بدست مسلمانان ابولؤلؤ نامیده شد .

ابولؤلؤ هنگامیکه اسیران نهاوند را بمدینه وارد میکردند سخت

متاثر و اندوهناك گردید وکینۀعمردر دل اوجا گرفت روزی عمراز بازارعبورمیکرد ابولؤلؤجلواورا گرفت وازاینکه‌مولایش (یعنی کسیکه مالك‌او بود چون‌اسیران‌میان جنگجویان تقسیم‌میشدندیابفروش‌میرسیدند وهراسیرکه نصیب کسی‌میشد آنکس‌مالك او بود)باو تعدی میکند و مبلغ‌زیادی‌ازوی مطالبه مینماید ، شکایت کرد . عمر پرسید درهرروزچه مبلغی‌بمولایت‌میدهی ؟ گفت‌دودرهم عمرپرسید چه کارهائی‌میتوانی‌انجام دهی ؟ جواب‌داد : نجاری‌و نقاشی‌و آهنگری‌میدانم . عمر گفت‌بااین‌هنرها دودرهم‌چیزی‌نیست بعلاوه من‌شنیده‌ام که گفته‌ای میتوانم آسیابی بسازم که‌باباد حرکت کند اگر چنین‌است‌برای من‌چنین آسیابی‌بساز . ابولؤلؤ گفت چنان‌آسیابی برای‌تو بسازم که‌درشرق‌وغرب جهان‌از آن‌سخن گویند عمرچون‌این بشنید باطرافیان‌خود گفت‌او مراتهدید بقتل‌میکند . پس ازچند روز هنگامیکه عمرمیخواست درمسجد بنماز صبح شروع کند ابولولو بایك خنجر دودم شش‌ضربت بـاووارد ساخت وهرکس نزدیك آمد اورانیزازپای در آورد . عمر برزمین افتاد . اورا بخانه‌اش بردندو وبواسطۀ زخم شدیدی که بزیرشکمش وارد آمده بود در سن شصت‌و یکسالگی درگذشت وبعدازخود خلافت‌را میان‌شش‌نفر قرارداد که‌از میان‌خودیکنفر را انتخاب‌نمایند . مدت خلافت عمرده‌سال‌وشش ماه بود وتاریخ مرك او اواخرذیحجه وبقولی‌نهم ربیع‌الاول بود .

داستان هرمزان مقارن کشته شدن عمریکنفر ازاشراف ایران‌که هرمزان نام‌داشت ودراهواز (سابق بتمام‌خوزستان اهوازمیگفتند) اسیر شده بود ، درمدینه میزیست . عبیدالله پسرعمراورا متهم بتحریك ابولولو کردو مقتول‌ساخت . حضرت امیرالمومنین (ع)خواستند عبیدالله رابرای

کشتن هرمزان بقصاص رسانند ولی او گریخت ودرشام بمعاویه پیوست تادر جنك صفین کشته شد .

خلافت عثمان عمر خلافت رامیان شش نفر قرارداد که پس از مرك اوبه نشینند ویکی راازمیان خودانتخاب کنند این شش نفر عبارتنداز : حضرت امیرالمومنین علی ﷺ ، زبیر ، طلحه ، سعدوقاص ، عبدالرحمن عوف وعثمان بن عفـان پس از جریانهای مفصلی که در دورهٔدوم خواهید خواندعثمان بخلافت نشست (محرم سال بیست وچهارم هجری) .

درزمان عثمان ، افریقای شمالی وجزیرهٔ قبرس وخراسان ونقاط دیگری فتح شد . ونیز درزمان اوچون اختلاف درقرائت قرآن پدید آمددستور دادقرآنهایی ازروی قرآنی که درزمان ابوبکر جمع آوری شده بود بنویسند وبنقاط مختلف بفرستند وقرآنهای دیگر راازدست مردم بگیرند وبسوزانند .

تبعید ابی ذرغفاری عثمان حکومت هریك ازشهرها ونواحی مهم را بیکی از بستگان خودوا گذارکرد ، اموال بیت المال رانیز میان خویشاوندان خودقسمت میکرد ، بیشتر اینگونه افرادیاجزو مؤلفهٔ قلوب یاکسانی بودند که ایمان محکمی نداشتند وبفسق وفجورشهرت داشتند مثلاً معاویه که جزومولفهٔ قلوب بود حکومت شام راداشت یکی دیگر ازخویشان او بنام ولیدبن عقبه که درکوفه حکومت میکرد ازفساق زمان خود بود وی روزی درحال مستی نمازصبح راچهاررکعت گزارد ودرمحراب نماز شراب استفراغ نمود ، ابوسفیان پدرمعاویه که او نیز ازمولفهٔ قلوب بود ازاطرافیان عثمان محسوب میگردید وبیشتروجوه بیت المال بین او وچند نفر دیگر قسمت میشد، اینگونه اعمال بر مسلمانها گران میامدواز گوشه و کنار بنای اعتراض را گذاشتنداز جمله ابوذرغفاری که ازمسلمانان باسابقه وازصحابه

خاص پیغمبر(ص) واز شعیان درجه اول حضرت امیر المومنین(ع) بود شروع ببد گوئی از کارهای معاویه نمود ، معاویه اورا ازشام بمدینه روانه کرد ، در آنجا نیز باعمال عثمان اعتراض میکرد، عثمان وی را بمکانی نزدیک مدینه بنام ربذه تبعید کرد ، ابوذرمدتی دز ربذه درمنتهای سختی و تنهایی بسر برد ودرهمانجا درسال سی‌ودوهجری رخت ازجهان بست . موضوع تبعید ابی‌ذر با مقامی که در اسلام دارد از امور بسیار مهم و بی سابقهٔ تاریخ اسلام است . ابوذر داستان مرگ خودرا درربذه واینکه چه کسانی در آن‌مکان دور افتاده بکفن ودفن او میپردازند ، ازحضرت رسول (ص) شنیده بوداز اینجهت مرگ‌خود را که نزدیک دید بدخترش دستور داد گوسفندی ذبح کند و بپزد سپس گفت هر گاه دیدی قافله‌ای از دور میاید مرا خبر کن چون قافله از دورنمایان شد گفت مرابطرف قبله بگردان دخترش چنین کرد واوپس از ادای این عبارت : بسم‌الله وبالله وعلی ملة رسول الله ازدنیارفت دراین وقت قافله رسید دختر ابی‌ذر طبق دستور پدر نزد قافله رفت وآنان را ازمرگ او آگاه ساخت ایشان آمدند وپس از کفن ودفن ابی‌ذر از غذاییکه آماده شده بودخوردند وخانوادهٔ اورا باخود بمکه بردند .

نارضایتی مسلمانان از عثمان عثمان بجای اینکه روش خودرا تغیر دهد واز کارهای خلاف شرع خودداری کند بیشتر جری شد وبنی‌امیه‌را که اقوام اوبودند وسابقهٔ خوبی در اسلام نداشتند بلکه منفور مسلمانان بودند بیشتر بخودنزدیک کرد اموال بیت‌المال رابیش از پیش حیف‌ومیل میکرد هر کس زبان باعتراض میگشود؛ ازراههای مختلف شکنجه‌وآزار میشد . ولی مسلمانان آنروز نمیتوانستند تحمل کنند که بمبانی اسلامی ازطرف کسیکه خودراخلیفه میخواند ، اینطور آشکارا

تجاوز شود ازاینجهت روزبروز نارضایتی مردم افزوده‌میشد وازتبعیدها وشکنجه‌های عثمان بیمی بخودراه نمیدادند وعلنی ازکارهای او بدگوئی میکردند . مخصوصاً پس ازوفات ابی‌ذر درتبعیدگاه ربذه و پس ازاعمالی که پیوسته‌ازعثمان وعمال اوروزافزون سرمیزدازصحابهٔ پیغمبر (ص) آنان که آنروز زنده بودند ، قیام‌درمقابل‌عثمان رابمنزلهٔ جهاددانستند وچون دراطراف وشهرهای مختلف پراکنده بودند ، بایکدیگرشروع بمکاتبه نمودند دراین‌کارهیچکس ازصحابهٔ معروف پیغمبر (ص) ابراز مخالفت نکردمگر چندنفر که‌روی نظریه‌های مخصوصی بادیگران هماهنگی نمکردند .

آمدن‌مسلمانان‌ازاطراف‌بمدینه و کشته شدن‌عثمان نارضایتی ازعثمان رفته رفته عمومی شد وگذشته‌ازاهل مدینه و صحابه پیغمبر(ص) که مرتب ازاعمال اوبدگوئی‌میکردند اهالی‌شهرهای‌دیگر نیزکه‌گرفتار خویشاوندان عثمان بودند بفریادآمدند وبافرستادن قاصد ونامه ، ازاو تقاضامیکردند ، عامل خودرا تغییردهد ولی عثمان نه‌فقط بدرخواست آنان‌ترتیب‌اثر نمیدادبلکه پنهانی بعمال خود دستورمیدادبر سختگیری‌نسبت بمخالفان‌بیفزایند گاهی دستورهای‌محرمانه‌عثمان‌بدست مردم‌میافتاد وبرخشم آنان نسبت باوافزوده میشد مثلا بنمایندگانی که ازطرف مصر آمده بودندوازعامل‌وی درمصر شکایت‌داشتندعثمان‌درظاهر قول‌داد تقاضایشان راانجام دهـد ولی آنان در مراجعت بمصر ، نسبت بکسیکه باسرعت ازجاده عبور میکرد بدگمان‌شدند ، ولباس واثاثیه‌او راتفتیش کردند : نامه‌ای‌ازکف آفتابهٔ‌اوبدست‌آوردند که‌عثمان بحاکم مصرنوشته ودستورهای شدیدی نسبت باعتراض کنندگان داده‌بود . این

امور و نظایر آن بود که مسلمانان را وادار کرد از اطراف بمدینه بیایند و کار عثمان را یکسره کنند چون فکر میکردند جلوگیری از خطر داخلی واجبتر و کسیکه خود را خلیفه داند و تیشه بریشه دین بزند ، جهاد با او از جهاد با کفار مقدم است بخصوص که افکار مردم در آنوقت تا حد زیادی متوجه جانشین واقعی پیغمبر (ص) حضرت علی ابن ابیطالب شده بود . بنابراین عدهٔ بسیاری از مسلمانان مصر و کوفه و بصره ، در مدینه گرد آمدند اهل مدینه نیز با ایشان همداستان شدند و اطراف خانهٔ عثمان را محاصره کردند ، آخر الامر پس از جنگ شدیدی که میان ایشان و یاران عثمان رخ داد بنام جنگ یوم الدار ، مردم بخانهٔ عثمان ریختند و اورا کشتند ، و پس از چندروز که خواستند دفنش کنند ، مسلمانان اجازه ندادند در بقیع دفن شود و اورا درخارج از بقیع بخاک سپردند . قتل عثمان در هجدهم ذیحجه سال سی و پنج هجری بود هشتاد و دوسال عمر و دوازده سال خلافت کرد .

خلافت ظاهری حضرت علی (ع) بعد از کشته شدن عثمان اصحاب پیغمبر (ص) که تا آنوقت در قید حیات بودند گرد یکدیگر برآمدند و گفتند که از علی ؑ شایسته تر کسی نیست . نزد او رویم و بخلافت با او بیعت کنیم . پس مهاجر و انصار بحضور آنحضرت رسیدند و معروض داشتند که مردم را از امام چاره‌ای نیست و از تو سزاوارتر کسی را نمیشناسیم زیرا از نظر سابقه دراسلام وخویشاوندی باپیغمبر (ص) کسی مانند تو نیست . حضرت ابتدا نپذیرفتند وفرمودند کس دیگر را انتخاب کنید (شاید مقصودشان این بود که همانطور که درچند مورد دیگر مرا از حق خود محروم کردید دراینمورد نیز بسراغ دیگران بروید) ولی مردم براصرار خود افزودند تا حضرت قبول کردند و آمدند در مسجد . از

نخستین کسانیکه با آنحضرت بیعت کردند طلحه وزبیر بودند سپس دیگر مردم بیعت کردند حضرت ﷺ پس از بیعت مهاجر و انصار اول اقدامی که کردند این بود که عمال عثمان را از شهرها و نواحی اطراف معزول داشتند وبرای هر نقطه یکنفر ازطرف خود مأمور فرمودند زیرا برای آنحضرت قابل تحمل نبود که عمال نالایق وفاسق و ظالم عثمان حتی یك ساعت متصدی امور مسلمانان باشند.

جنك جمل یا جنك با ناکثین عدهای که باروش عثمان خو گرفته بودند دشوار بود که بتوانند با علی سازگاری کنند: عثمان جزاینکه بیت المال را میان اقوام و دوستان خود و حکومتهای اطراف را میان خویشاوندان بد سابقهٔ خود قسمت کند بهیچ کاردیگری توجه نداشت و اصلا دستورهای اسلامی و مسلمانان را بچیزی نمیشمردولی علی میخواست جزئی ترین چیزیکه به بیت المال مسلمین تعلق داشت بحساب بیاورد و بمصرف واقعی برساند و ممکن نبود اجازه دهد یکنفر ظالم و بی تقوی یکدقیقه بر شهرهای اسلامی حکومت کند، بنابراین ازهمان آغاز کارعدهای از گوشه وکنار شروع بمخالفت کردند ابتدا طلحهوزبیر (همان دو نفری کهقبل ازدیگران با حضرت بیعت کرده بودند) بنام بجاآوردن عمره (زیارت خانهٔ خدادرغیرایام حج) بمکه رفتندودر آنجا با عایشه دختر ابی بکر که یکی ازز نان پیغمبر (ص) بود همداستان شدندواورا باخود بطرف بصره حرکت دادند. عایشه پیش ازاینکه عثمان کشته شود مردم رابکشتن اوتحریك میکرد اماوقتی شنید که علی (ع) بخلافت نشسته از گفتهٔ خودبر گشت و گفت عثمان مظلوم کشتهٔ شدومن بخونخواهی اوبرمیخیزم حرکت این سه نفر بسوی بصره در ظاهر بنام

خونخواهی عثمان ودرنهان برای مخالفت با حضرت علیه السلام بود . عده‌ای از اهل‌مدینه ومکه وعده‌ای‌دیگراز نواحی اطراف که‌شمارهٔ مجموع آنان بسه هزار نفر میرسید بایشان‌ملحق‌شدند . در بین راه بمکانی رسیدند که«حوئب»نام‌داشت‌دراین‌مکان‌سگها بطرف‌عایشه‌بانك برداشتندوی‌از شنیدن نام حوئب سخت مضطرب‌شد واصرار کرد اورا برگردانند زیرا پیغمبر(ص) باوخبرداده‌بود که‌تو بر علی علیه السلام خروج‌خواهی کرد وسگان حوئب بطرف‌تو بانك خواهند زد و اوراازاین‌سفر نهی فرموده‌بود ولی عبدالله پسرزبیر که‌پسرخواهر عایشه‌بود ودر وی‌نفوذ بسیاری داشت از مراجعت‌اوجلو گیری کرد.چون‌ببصره‌رسیدند ، عامل‌حضرت‌امیرالمومنین علیه السلام رااز آنشهر بیرون کردندو شهر را بتصرف آوردند .

از آنطرف حضرت امیرالمومنین علیه السلام از موضوع اطلاع یافتند و با اصحاب خود از مدینه بسوی بصره حرکت فرمودند در بین راه فرزند خود امام‌حسن(ع) وعماربن یاسررا روانهٔ‌کوفه کردند تااهل‌آنشهر را بیاری او دعوت کنند . ازمردم کوفه که عموماً ازشیعیان‌بودند ، دوازده هزار نفر بقصدیاری‌آنحضرت بیرون آمدند وعده‌ای دیگر نیز از افراد قبایل مختلف بسپاه‌حضرت پیوست ، چون ببصره نزدیك شدند در میان شهر اختلاف افتاد عده‌ای بسپاه آنحضرت پیوستند عده‌ای‌دیگر بیطرفی اختیار کردندعده‌ای‌هم‌بطرفداری‌عایشه‌آماده‌جنك‌شدند.عایشه‌درهودجی که روی شتری بسته‌بودند سوارشد و افراد زبدهٔ سپاه اطراف شتر او قرار گرفتند مهار شتر را همواره یکی‌از دلاوران سپاه دردست داشت . عایشه باین ترتیب در میدان جنك قرار گرفت ولی زبیراز کردهٔ خود پشیمان شد و پس ازیکروز ازمیدان جنك کناره گیری کرد و بمحلی

که نزدیک بصره بود بنام وادی السباع رفت . شب موقعی که گرم خواب بود بدست مردی بنام عمرو بن جرموز کشته شد ، طلحه نیز در میدان جنگ گرفتار تیر ناشناسی گردید و بهلاکت رسید

در هر حال عایشه دستور حمله داد وجنگ شدیدی در گرفت سپاهیان عایشه پس از پایداری در اطراف شتر او وتلفات بسیاری که بآنان وارد آمد سخت شکست خوردند وبصره بتصرف حضرت در آمد .

این جنگ را جمل نامند از اینجهت که عایشه سوار بر شتر بود وفرماندهی سپاه را بعهده داشت (برخلاف دستور اسلام که زنرا از اینگونه امور نهی فرموده است) وتا شتر او ایستاده بود سپاهیانش ازاو دفاع میکردند وبا پی شدن شتر سپاهش شکست خوردند وخوداو بوسیله برادرش محمد ابوبکر که از شیعیان خالص ومعروف حضرت امیرالمومنین میباشد ، از میدان جنگ بیرون برده شد وبدستور حضرت وسایل مراجعت او بمدینه فراهم گردید (در زبان عربی بشتر نرجمل گویند) . بجنگ مزبور ، جنگ ناکثین نیز گفته میشود از اینجهت که طلحه وزبیر پس از آنکه با حضرت بیعت کردند ، بیعت خودرا شکستند وباآنحضرت بجنگ برخاستند . شکستن بیعت و عهد و پیمان را در عربی نکث و بیعت شکن را ناکث گویند که جمع آن ناکثین میشود .

جنگ صفین یا جنگ با قاسطین گفتیم معاویه ازطرف عثمان والی شام بود ، ودر همان ابتدای کار حضرت اورا ازولایت شام عزل فرمودند ولی معاویه اطاعت نکرد وبعنوان خونخواهی عثمان مردم را بمخالفت با حضرت تحریک میکرد . پس ازجنگ جمل حضرت از بصره بکوفه رفتند ودر آنجا تصمیم گرفتند کار معاویه رانیز یکسره نمایند . باین منظور

قبلاقاصدی بنام جریر بن عبدالله نزد معاویه فرستادند تااورادعوت باطاعت وترك مخالفت کند ولی معاویه وعمروعاص که دراینوقت مشاور او بود مردم شام را آمادهٔ جنك باحضرت کرده بودند چون میدانستند که کسی مثل امیرالمؤمنین (ع) اجازه نخواهد داد کسانی مانند معاویه بر مسلمانان حکومت کند یاکسی مانندعمروعاص در بارهٔ امورمسلمانان رای بدهد.

برحضرت (ع) مسلم بود که معاویه تسلیم نخواهد شدو کاراو جز باجنك انجام پذیر نیست بنابراین دستورفرمودند سپاه کوفه آمادهٔ جنك شود ، و بعبدالله بن عباس که از طرف آنحضرت(ع) دربصره حکومت میکرد اطلاع دادند تا بالشکر بصره بسپاه کوفه ملحق شود ، سپس حضرت باسپاهی کهعده آن راتا نودهزار نفر نوشته اند بسوی شام حرکت فرمود ، معاویه نیزبا سپاهی انبوه از شام رو بعراق نهاد ، دو سپاه درمحلی بنام صفین (در ساحل غربی شط فرات درحدود شام) بیکدیگر رسیدند ، سپاه معاویه ابتدا شریعهٔ فرات را متصرف شدند (در رودخانه‌های بزرك چون معمولا سطح آب از کف ساحل چندمتر پائین است وبآسانی بآب دسترسی پیدا نمیشود ، نــاگزیر بایداز نقطه‌های معینی که دارای شیب منــاسب است وبآنهــا شریعه میگویند ، استفاده کرد) . سپاهیان علی عليه السلام بیك حمله ، شریعه رااز تصرف آنان خارج ساختند ولی بر خلاف سپاه معاویه که جلو آب راگرفته بودند ، اینان اصحاب معاویه رااز برداشتن آب منع نکردند .

حق و باطل در مقابل یکدیگر دو سپــاه علی و معاویه درست مقابل شدن حق و باطل ونور وظلمت رامجسم میکرد : درمیان سپاه علی بنی هاشم وصحابهٔ پیغمبر ووجوه مسلمانان از قبیل عمارياسر ،

مالك اشتر اویس قرنی ، حجربن عدی کندی ، عبدالله عباس و اینگونه افرادبودند که باتفاق جمیع فرقه‌های اسلامی درمیان مسلمانان هیچکس بفضیلت آنان نبوده است ، حتی حضرت رسول (ص) بعمار یاسر فرموده بود یقتلك الفئة الباغیة تورا ستمگران خواهند کشت (این جمله رامعتبر ترین نویسندگان سنی نیز درکتابهای خود نوشته‌اند) (و عمار را سپاه معاویه کشتند) ولی درسپاه معاویه ، فساق و فجار بنی امیه که یکی از آنان ولیدبن عقبه بود (همانکسی که در زمان عثمان حاکم کوفه بود و نماز صبح را درحال مستی بجای دورکعت چهار رکعت خواند) و کسان دیگری که یامطرود دیگر مسلمانان بودند یابطمع مال ومقام دورمعاویه را گرفته بودند یاآنقدرقوۀ ادراك نداشتند که حق را از باطل جدا کنند قرار داشتند .

درهر حال جنك صفین یکی ازطولانی ترین ومهمترین جنگهای داخلی اسلامی است که درحدود یکسال و نیم طول کشید (ازاواسط سال سی وششم تااواخر سال سی وهفتم هجری) که دراین مدت وقایع بسیاری میان طرفین رخ داد وعدۀ زیادی ازدوطرف کشته شدند . ازمهمترین وقایع این جنك لیلة الهریر است که چون جنك زیادطولانی شده بود ، برای اینکه کاریکسره شود در غروب یکی ازروزها دو سپاه بر خلاف معمول هر روز دست ازجنك نکشیدند وتمام شب تاظهر روزدیگر جنك ادامه یافت و نزدیك شد که سپاه معاویه شکست قطعی بخورد ولی بایك حیله که عمروعاص بکار برد اوضاع دگرگون شد :

حیلۀ عمروعاص معاویه چون مشاهده کرد که سپاه او نزدیك است بکلی شکست بخورد ، متوسل بعمروعاص گردید ، (عمر وعاص در حیله گری معروف بود) عمرو گفت دستور بده هرچه قرآن در

لشگرگاه است برسر نیزه‌ها بلند کنند ، مقصودش از اینکار این بود که میان سپاهیان حضرت اختلاف بیندازد . معاویه دستور اورا بکار بست عده‌ای ازسپاه عراق بمحض اینکه قرآنهارا برسر نیزه دیدند ازجنگ سست شدند وگفتندچگونه باکسانی که مارابقرآن دعوت میکنند جنگ کنیم حضرت فرمودند من معاویه ویاران اورا بهتر ازشما میشناسم اینان نه اهل دینند نه اهل قرآن واینکه اینك قرآن برسرنیزه بلند کرده‌اند جزخدعه وفریب چیزی نیست . ولی حضرت هرچه ایشان را نصیحت کردند سودی نداد حتی آنحضرت را تهدید بقتل نیز کردند . ناچار حضرت بمالك اشتر که نزدیك بود سپاه معاویه‌را شکست دهد دستور فرمودند دست از جنگ بکشد .

قضیهٔ حکمین پس ازآنکه درمیان سپاه حضرت اختلاف افتادو جنگ متوقف گردید بعدازمذاکرات طولانی قرارشدیکنفر ازطرف امیرالمؤمنین عليه السلام ویکنفر ازطرف معاویه به نشینند وهرچه رای دادند همان باشد و حضرت رامجبور بپذیرفتن این تصمیم کردند حضرت امیرالمؤمنین خواستند عبدالله عباس را تعیین فرمایند ولی همان کسانی که باعث اختلاف شده بودند نپذیرفتند وابوموسی اشعری راکه مردساده لوحی بود و نسبت بحضرت نیز علاقه‌ای نداشت (بلکه دشمن آنحضرت نیز بود)انتخاب کردند ، ولی معاویه ، عمروعاص راکه در فریبکاری نظیر نداشت معین کرد این دو نفردر محلی بنام دومة الجندل از نواحی شام شروع بمذاکره کردند . آخرالامر عمروعاص باابوموسی پیشنهاد کرد که خوب است علی ومعاویه هردورا ازخلافت خلع کنیم و کسی دیگررا انتخاب نمائیم ابوموسی پذیرفت وقرار شد درحضور مردم ابوموسی علی عليه السلام را وعمروعاص معاویه را خلع کنند

عمروعاص مقدمات راطوری فراهم ساخت که اول ابوموسی علی راخلع کند .
پس مردم را جمع کردند وابوموسی درحضور همه اظهارداشت که من علی را ازخلافت خلع کردم همانطور که این انگشتری راازانگشت خودم بیرون آوردم وانگشتری رابیرون آورد سپس عمروعاص ابتداعمل ابوموسی را تأئید کرد بعدازآن گفت من معاویه رابخلافت نصب کردم همانطور که این انگشتری رادرانگشت خودنمودم وانگشتری رابانگشت خود کرد باین ترتیب معاویه خودراخلیفه خواندوازاین پس شروع بتوسعهٔ حکومت خود از شام بدیگر نقاط نمود .

موضوع خوارج و جنگ با مارقین قضیهٔ حکمین که پیش آمد ، همانها که حضرت را مجبور بترك جنك و تعیین ابوموسی اشعری کرده بودند از کردهٔ خود پشیمان شدند سپس خودرا ازاصحاب امیرالمومنین علیه السلام کنار کشیدند وبعدازمدتی برآنحضرت خروج کردند(ازاینجهت بآنان خوارج گفته میشود) وبامردی بنام عبدالله بن وهب بیعت کردند و در محلی بنام نهروان گرد آمدند حضرت امیرالمومنین (ع) بدفع ایشان برخاستند ، ابتدا بنصیحت آنان پرداختند ولی فایده نداد ناچار بجنك باایشان مصمم شدند ، عده خوارج دوازده هزارنفر بود که هشت هزارنفر قبل ازشروع جنك از کردهٔ خود پشیمان شدندو چهارهزارنفر دیگر بجنك ایستادند وجزعدهٔ کمی بقیه کشته شدند ، این جنك چون باکسانی بود که بمناسبت مخالفت باامیرالمؤمنین مثل تیری که ازکمان رهاشود از دین خارج شدند بمارقین معروف است (مارق بمعنی تیری است که از کمان رهاشود)وچون در محلی بنام نهروان انجام شدجنك نهروان نیز نامیده میشود موضوع خوارج از امور مهم تاریخ اسلام است که تا چند قرن طول

کشید وشرح آن وعقایدی که‌داشته‌اند دردورهٔ بعدخواهد آمد .

دست‌اندازی معاویه باطراف

حضرت علیه السلام پس ازجنك خوارج بکوفه مراجعت فرمودند ، دراین موقع تنهاشام در تصرف معاویه بود و دیگر سرزمین‌های اسلامی یعنی عراق ، ایران ، حجاز ، یمن ، مصر ودیگر نواحی ازطرف عمال امیرالمؤمنین (ع) اداره میشد ، معاویه برای تصرف سرزمینهای که‌درتحت حکومت حضرت بود ؛ از توسل بهر حیله‌ونیرنگ وتطمیع خودداری نمیکرد ، عمروعاص نیزدرهمهٔ کارها مشاور او بود . معاویه بعده‌ای از سرداران خود مأموریت داد باراضی اطراف حمله‌برند ودر مردم ایجادترس نمایند ، عده‌ای دیگر از کسانی راکه درشهرها ونواحی که تحت تصرف حضرت بود سکونت داشتند ، باوعدهٔ مال ومقام تشویق‌میکرد که‌علم‌مخالفت باآنحضرت(ع)رابرافرازند معاویه پول بیحساب خرج میکرد و در راه انجام مقاصد خود از هیچ کاری رو گردان نبود .

شهادت محمد پسر ابی‌بکر

محمد پسرابی‌بکر که‌تربیت‌شدهٔ‌حضرت‌امیرالمؤمنین (ع)وازشیعیان‌خالص آنحضرت(ع)بود ، حکومت مصررا داشت ، یکی از طرفداران معاویه درمصر شروع بمخالفت بامحمد رانمود وامور مصررا مختل ساخت ، حضرت که از این‌موضوع اطلاع یافتند ، مالك‌بن‌حارث نخعی معروف باشتررا مامورمصرفرمودند درهمین‌موقع‌بود که‌نامهٔ‌معروف بعهدنامهٔ مالك اشتررا که‌مشتمل‌است بر دستورحکومت‌وبهترین‌ومهمترین بر نامه‌های‌حکومت‌دراسلام‌میباشد‌برای مالك نوشتند (این‌نامه از همانوقت‌شهرت یافت ودر بارهٔ شرح و ترجمهٔ آن کتابها ورساله‌های مهمی تاکنون تألیف و انتشار یافته است) معاویه

پس از اطلاع از این امر ، چون میدانست با بودن مالك اشتر در مصر، تصرف آنسرزمین برای او میسر نیست بجاسوسان خود دستور داد که قبل از اینکه پای مالك بمصر برسد کار او را بسازند ، یکی از غلامان معاویه در سلك ملازمان مالك درآمد واورا در بین راه در محلی بنام قلزم (در ساحل دریای سرخ) ، مسموم کرد . از طرف دیگر معاویه عمروعاص را باسپاهی انبوه بفتح مصر فرستاد ، عمرو چون بمصر رسید : پس از مختصر زدوخوردی بر محمد ابوبکر غلبه کرد واورا باطرز فجیعی شهید ساخت

شهادت حضرت (ع) بدست ابن ملجم پس از جنك نهروان چندنفر ازخوارج که یکی از آنان عبدالرحمن بن ملجم مرادی بود گرد هم درسال چهلم هجری برآمدند و ضمن گفتگو با یکدیگر قرار براین گذاشتند که دریك روز معین سه نفر یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه وعمروعاص رابقتل رسانند ، ابن ملجم گفت من علی را میکشم دونفر دیگر نیز داوطلب شدند که یکی معاویه ودیگری عمروعاص را بکشد وتاریخ این عمل رادرشب نوزدهم ماه رمضان همانسال یعنی سال چهلم هجری قراردادند : کسیکه مامورقتل معاویه بود در آنشب موقعیکه معاویه مشغول نماز صبح بود ، ضربتی حواله او کرد که زیاد کاری واقع نشد ومعاویه معالجه شد عمروعاص در آنشب بواسطهٔ کسالت در مسجد حاضر نگردید وکس دیگری رابرای نمازفرستاد که او اشتباهی کشته شد) همین موضوع یعنی نیامدن عمروعاص در آنشب بمسجد باعث شده که بعضی از نویسندگان معتقد شده اند که این توطئه بتحریك عمرو بوده است) ابن ملجم بشرحیکه میدانید مقصود شوم خود را انجام داد و آنحضرت (ع) رادر محراب عبادت بدرجهٔ شهادت رسانید مدت

عمر آنحضرت شصت و سه سال و خلافت ظاهری آنحضرت در حدود پنج سال بود .

کتاب نهج البلاغه حضرت(ع) در این چند سال خلافت ظاهری و سالهای قبل از آن خطبه هایی ایراد فرمودند و نامه‌هایی بعمال خود نوشتند وسخنان حکمت آمیزی درموارد مخصوصی برزبان مبارکشان جاری شده که از آنوقت تاامروز همواره طرف توجه عموم مسلمانان بوده واز نظر الفاظ وعبارات ومضامین بعدازقرآن مجید درجه‌اول حائز را بوده است . سیدرضی یکی ازعلمای بزرك شیعه درقرن چهارم وپنجم هجری قسمتی ازخطبه‌ها ونامه‌ها و سخنان حضرت را انتخاب و بصورت کتابی بنام نهج البلاغه در آورده‌است . این کتاب از نظر اهمیت وشهرت بی‌نظیر واززمان تالیف تاکنون چندین شرح بزبان عربی وفارسی بر آن نوشته شده‌است نهج البلاغه سه‌قسمت است ۱ ـ خطبه‌ها ۲ـ نامه‌ها ۳ـ سخنان کوتاه حضرت معروف بکلمات قصار .

مدفن حضرت امیر المؤمنین(ع) حضرت(ع) باامام حسن(ع) وصیت فرمودند که چهارقبر درچهار موضع برای من حفر کن تاکسی محل قبر مرانداند . امام‌حسن باین دستور عمل کرد وتا مدتی جزخواص شیعیان کسی محل قبر واقعی آنحضرت را نمیدانست تااوایل خلافت بنی عباس که مرقد مطهر حضرت برای عموم آشکارشد و از همانوقت نجف روبآبادی گذاشت .

علت مخفی بودن مرقد حضرت درابتدای امر ممکن است این باشد که در آنوقت معاویه و پیروانش همچنین خوارج ، سخت کمر دشمنی با آنحضرت را بسته‌بودند ، و درمقام کینه‌جویی ازهیچ عمل زشتی فروگذار

نمیکردند؛ از اینجهت حضرت چنین مصلحت دیدند که مرقدشان تامدتی مخفی باشد. در اینجا میتوان گفت که چون میان اعمال معاویه و خوارج هماهنگی کامل برقرار وهر اقدامی که خوارج میکردند، بنفع معاویه وزیان حکومت حق و عادلانهٔ حضرت امیرالمومنین (ع) بود، یکنوع رابطه بین خوارج ومعاویه وجود داشته است.

فضایل حضرت امیرالمومنین (ع) فضایل آنحضرت نه بحدی است که بتوان دراینجا حتی شمه‌ای از آنرا ذکر کرد ودراین باره علمای سنی وشیعه کتابها نوشته وداد سخن را داده‌اند، ولی برای تیمن وتبرك چند جمله که مورد اعتقاد عموم نویسندگان شیعه وسنی میباشد فهرستوار ذکر میشود:

۱ - باتفاق عموم مورخان جهاد هیچکس درراه اسلام بدرجهٔ جهاد علی علیه السلام نمیرسد، وفداکاری که از او در جنگهای صدر اسلام از قبیل بدر واحد انجام شد از هر عامل دیگر در اعتلای کلمهٔ حق مؤثر تر بود.

۲ - بعد از پیغمبر (ص) از تمام مردم داناتر بود بطوری که هر مشکلی برای صحابه پیغمبر پیش میآمد ودر هر مسئله شرعی که در میماندند با نحضرت رجوع میکردند ودر هر مورد که در داوری وحکمی همه عاجز میشدند، بحضرت مراجعه میشد وآنحضرت طوری قضیه را حل میکردند که باعث تعجب عموم میشد (راجع بداوریهای محیر العقول امیر مؤمنان بتفصیل قلمفرسائی شده وکتابهای مفصلی تالیف یافته است.).

بسیاری از علوم اسلامی وعربیت از قبیل تفسیر ونحو را حضرت پایه گذاری کرده‌اند. وآنحضرت بارها میفرمود سلونی قبل ان تفقدونی تا بمن دسترسی دارید وهرچه میخواهید بپرسید واین سخن است که جز از امیرالمومنین از کس دیگر شایسته نبود.

در فتوحات اسلامی درهرمورد که عمرودیگران از تدبیرکار عاجز میشدند باآنحضرت مشورت میکردند بطوری که عمربارها گفت (لولا علی لهلك عمر اگرعلی نبود، عمر هلاك میشد.

۳ ـ سخاوت امیرالمومنین که‌روزها روزه میگرفت و شبها گرسنه میماند وهرچه داشت درراه‌خدا انفاق میکرد

٤ ـ زهد حضرت‌امیر بعد ازپیغمبر از همهٔ مردم زیادتر بود هیچگاه بامور دنیوی نپرداخت و درلباس و خوراك هیچوقت تفنن بکار نبرد با دسترسی داشتن بهمه چیز، جز نان جوین و نمك نمیخورد و جز لباس خشن نمیپوشید.

۵ ـ بیش ازهمهٔمردم‌عبادت‌خدارا بجامیاوردو بنمازوروزه می‌پرداخت

٦ ـ حلم آنحضرت بحدی‌بود که‌چون بردشمن‌ظفر میافت او را عفو میکرد چنانکه درجنگ جمل پس‌ازشکست لشگرعایشه و اسیر شدن بزرگان سپاه او ؛ همه را رها فرمود و عایشه را بطرز شایسته‌ای روانه مدینه نمود.

۷ـ حسن‌خلق وفروتنی آنحضرت از همه زیادتر بود

۸ـ علی نخستین کسی‌بود که‌بخدا ورسول‌خداایمان آورد.

۹ ـ درفصاحت و بلاغت، سرآمد تمام‌مردم بود بطوری که‌در بارهٔ نهج‌البلاغه که‌مجموعه‌ای‌است ازسخنان آنحضرت ، گفته‌شد : که‌از کلام خالق‌پائین‌تر وازسخن‌مخلوق‌بالاتر است.

خطبه‌هایی که حضرت‌ایرادفرموده‌اند ونامه‌هایی که‌باطراف نوشته‌اند ازنظر انشایی‌ورسایی سخن ومضامین‌عالی آنقدردارای اهمیت‌است که از همان زمان تا امروز بعنوان بهترین کلام بشر، همواره طرف توجه

عموم دانشمندان و نویسندگان بوده و ده ها شرح بر آن نوشته‌اند .

۱۰ـ باعتقاد تمام نویسندگان علی شجاعترین مردم بوده و این امر در جریان جنگهای زمان پیغمبر (ص) و جنگ صفین بطور کامل آشکار و ثابت شده است .

وقایع بعد از شهادت حضرت امیر المؤمنین و خلافت امام حسن و صلح آنحضرت با معاویه

پس از شهادت و تدفین حضرت مردم با امام حسن علیه السلام که وصی امیر مومنان و امام بعد از آن حضرت بود بیعت کردند چون حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام قبل از شهادت تصمیم داشتند دوباره برای دفع معاویه بجانب شام حرکت کنند ، در این موقع که امام حسن بجای آنحضرت قرار گرفت باهمان سپاه که پدرشان آماده ساخته بودند ، بطرف شام برای جنگ بامعاویه حرکت کردند وقیس بن سعد بن عباده را که از اصحاب آنحضرت بود در مقدمه سپاه قرار دادند معاویه نیز از شام بسوی عراق حرکت کرده بود چون حضرت امام حسن علیه السلام بمدائن رسیدند ، مردی ناشناس (که باحتمال قوی از جاسوسان معاویه بوده است) فریاد کرد که قیس بن سعد کشته شد ، بگریزید سپاه امام حسن (ع) بمحض اینکه این خبر دروغ را شنیدند بهم بر آمدند و بخیمه گاه حضرت ریختند و هرچه یافتند غارت کردند حتی فرشی که در زیر پای آنحضرت بود بغارت بردند امام حسن چون امر را چنین دید و بر آنحضرت ثابت شد که با این عدهٔ ضعیف النفس سست ایمان نمیتوان با معاویه جنگید چاره ای نداشت جز اینکه با معاویه صلح کند ، بهمین جهت نامه ای بمعاویه نوشتند و باشرایطی باو تکلیف صلح کردند یکی از شرایط این بود که معاویه دستور دهد که یاران او ، آشکارا و بالای منبرها بامیر المؤمنین ناسزا نگویند (ولی معاویه باین شرط عمل نکرد) باین ترتیب

معاویه خود را خلیفه خواند و تمام نواحی اسلامی را بتصرف آورد. معاویه پس از صلح با امام حسن وارد کوفه شد و مردم با او بیعت کردند. علت ظاهری صلح حضرت امام حسن با معاویه، بیوفائی مردم کوفه و بدقولی آنان بود که گذشته از اینکه از اطراف آنحضرت متفرق شدند خیمه و بساط حضرت را نیز غارت کردند و چند بار اهانت نیز با آنحضرت وارد آوردند بدیهی است، فعالیت عمال و جاسوسان معاویهٔ و نفاق کسانیکه از طرف او بمال و مقام تطمیع شده بودند در این پیش آمد تاثیر کلی داشت.

مراجعت حضرت امام حسن بمدینه و وفات آنحضرت

بعد از قضیهٔ صلح، حضرت امام حسن با خانواده و نزدیکان خود، بمدینه مراجعت فرمودند تا سال چهل و نهم هجری در هفتم یا بیست و هشتم ماه صفر که بوسیلهٔ یکی از زنان خود بنام جعده دختر اشعث بن قیس مسموم شدند و وفات یافتند و چون خواستند آنحضرت را جنب مرقد مطهر پیغمبر (ص) بخاک بسپارند. عایشه و مروان حکم مانع گردیدند و حضرت امام حسین (ع) برای اینکه فتنه‌ای برپا نشود، جنازهٔ آنحضرت را در قبرستان بقیع دفن کردند. اهل کوفه با بیوفائی و نفاق خود، خلافت معاویه را آسان کردند و از این بعد چنانکه خواهیم گفت چندین بار دیگر نیز بیوفائی خود را آشکار نمودند و کارهای فجیعی ببار آوردند خود نیز همواره زبون و خوار و تحت تسلط حکام خونخوار اموی در منتهای رنج و سختی بسر میبردند.

معاویه و شمه‌ای از کارهای او

معاویه پسر ابی سفیان خود و پدرش هر دو از مؤلفهٔ قلوبند (معنی مؤلفهٔ قلوب را جلوتر دانستید) و در اسلام نه فقط دارای مقامی نیستند بلکه مطرود و منفور عموم فرقه های اسلامی نیز میباشند چنین کسی با مقدماتی که فراهم آورد بشرحی که ذکر شد خود را خلیفه

مسلمانان خواند. معاویه میدانست که مردم اورا لایق این مقام نمیدانند از اینجهت پایه کارخودرا بر کشتار مخالفان خود که عموماً از شیعیان حضرت امیرالمومنین (ع) بودند، قرارداد؛ برای این منظور خونخوارترین عمال خودرا بشهرهایی میفرستاد که پیروان علی (ع) در آنها بیشتر بودند و چون میدانست که باپرداخت مال و دادن مقام میتوان بسیاری از مخالفان را مطیع ساخت، درهرمورد که تصور می کرد مال و مقام مؤثر است؛ از بذل آن دریغ نمی کرد. دیگر از کارهای معاویه که برای استحکام خود انجام میداد، ایجاد اختلاف میان مسلمانان بود: بااینکه مطابق تعالیم مقدس اسلام، همهٔ مسلمانان باهم مساوی و برادرند، نژادها و قبیله ها بایکدیگر فرقی ندارند، معاویه بر خلاف دستورهای صریح دینی میان مسلمانان ایجاد تعصب می کرد یعنی میگفت عرب مقدم بر عجم است بایدعجم در برابر عرب خوار و زبون باشند، درمیان قبایل عرب نیز قریش بر دیگر قبایل ترجیح دارد باین عمل معاویه شالوده اختلاف میان مسلمانان گذاشت.

بنابراین اساس سیاست معاویه برای پایداری خود، بر آدم کشی، حیف و میل بیت المال دادن حکومت شهرهای بزرگ بافرادخونخوار و بی تقوی و وایجاد جدائی میان مسلمانان بود.

حکومت زیاد از زیادنام کسی است که پدر او معلوم نبود از اینجهت طرف معاویه بر بصره باو زیادبن ابیه (یعنی زیاد پسر پدرش) میگفتند این مرد بسیار باهوش و بی باك وخونخوار بودمعاویه درصدد برآمدبرای ترساندن عراقیها که عموماً ازمخالفان او بودند ازوجودزیاد استفاده کنند نخست اورا برادر خودخواند و بامقدماتی ادعاکرد که زیاد پسر ابی سفیان است (در تاریخ اسلام باین عمل بی سابقهٔ معاویه استلحاق گویند) سپس

اورا بحکومت بصره فرستاد. زیاد پس از ورود ببصره مطابق معمول مردم رادر مسجد جمع کرد و بر خلاف رسم معمول که هر خطابه‌ای را بانام خداوند ودرود پیغمبر (ص) شروع میکردند زیاد بدون ذکر نام خدا و پیغمبر روش کار خودرا بابیان تهدید آمیزی برای مردم شرح داد و برای هرچیز مجازات کشتن قرارداد ازجمله اظهار داشت هر کس بعداز شام در کوچه دیده شود سراز تن او جدا میگردد وبصاحب شرطه (صاحب شرطه مأمور انتظامات شهر بوده‌است) دستور داد که هر کس رادر شب بیرون ازخانهٔ مشاهده میکند سراز تن اوبر گیرد و همین کاررا کرد، زیاد طوری در خونریزی افراط میکرد که گمان اودر بارهٔ کسی کافی بود اورا بکشتن دهد.

حکومت زیاد بر کوفه و کشتن شیعیان زیادچون درمدت حکومت خودبر بصره بیش از آنچه معاویه انتظار داشت خونریزی وخشونت بامیرالمؤمنین (ع) بخرج داد، درسال پنجاهم هجری معاویه حکومت کوفه را نیز باو داد باین ترتیب که ششماه در بصره بماند ششماه در کوفه چون کوفه مرکز دوستان علی بود، زیاداز همانوقت که وارد کوفه شد شروع بجستجوی شیعیان و کشتن آنان کرد ودر این راه از هیچ اقدامی فرو گذار ننمود. از جملهٔ کسانی که در اثر تعقیب زیاد بدرجهٔ شهادت رسیدند دو نفر از بزرگترین شیعیان بنام حجر بن عدی وعمرو بن الحمق بودند که شرح شهادت آنان ودیگر بزرگان شیعه رابعداً خواهید خواند

ولیعهدی یزید معاویه بهیچوجه پایبند دستورهای شرعی نبود و درسال ۵۶ هجری جز حکومت وتسلط خود وفرزندانش برمردم، نظر دیگری نداشت ودراین راه از هیچگونه جنایت و آدمکشی خودداری

نکرد . چون مرگ خود را نزدیك دید ، برای اینکه خلافت در فرزندانش باقی ماند ، پسرش یزید را که جوانی فاسق ، فاجر و دائم الخمر و پیوسته باسك و بوزینه مشهور بود بولیعهدی خود برگزید . معاویه خود میدانست یزید لایق خلافت نیست ولی عده‌ای که در راس آنان مغیرة بن شعبه بود وی را در این کار تشویق میکردند : مغیره که در آنوقت حاکم کوفه بود با پرداخت مبلغی پول عده‌ای از مردم آنشهر را بنمایندگی اهالی نزد معاویه فرستاد که درخواست ولیعهدی یزید را میکردند . این درخواست حتی از نظر معاویه آنقدر عجیب بود که از پسر مغیره که سرپرست این عده بود پرسید : پدرت بچه مبلغی دین اینان را خرید ، و او جواب داد بچهارصد دینار . در هر حال معاویه طوری مردم را در شکنجه و وحشت قرار داده بود که جز چهار نفر (حضرت امام حسین (ع) ، عبدالله بن عمر ، عبدالرحمن بن ابی بکر و عبدالله بن زبیر) همه بولیعهدی یزید بیعت کردند.

مرگ معاویه معاویه در سال شصتم هجری پس از بیست سال حکومت و هفتاد و پنجسال عمر درگذشت ، هنگام مرگ دستور داد نامه‌ای بیزید که در آنوقت در دمشق پایتخت او حاضر نبود نوشت وسفارشهای لازم را باو کرد . معاویه بنیاد گذار حکومت بنی امیه است گرچه عثمان هم از بنی امیه بود ولی مورخان معاویه را اول خلیفهٔ اموی میدانند در واقع معاویه بعنوان خلافت سلطنت بزرگی برای خود و بازماندگانش ترتیب داد.

یزید یزید در ماه رجب سال شصتم هجری بجای معاویه نشست و از همان ابتدا در صدد بر آمد از چهار نفری که بولیعهدی او بیعت نکرده بودند بیعت بگیرد . در اینوقت عامل شهر مدینه ولید بن عتبه پسر عموی وی بود یزید بولید نوشت هرچه زودتر از حسین (ع) و عبدالله عمر و عبدالله زبیر

بیعت بگیر ولی ولید نتوانست بیعت بگیرد وحضرت امام حسین (ع)
بطرف مکه حرکت فرمودند .

نامه نوشتن اهل کوفه بحضرت امام حسین ع وروانه شدن مسلم بکوفه

چون خبر مرگ معاویه بمردم کوفه رسید و نیز اطلاع یافتند که حضرت امام حسین علیه‌السلام بخلافت یزید بیعت نکرده وبطرف مکه رفته‌اند ، درخانهٔ سلیمان بن صرد خزاعی که از بزرگان کوفه وازهواخواهان علی بود گرد آمدند وپس ازمذاکراتی چنین تصمیم گرفتند که بحضرت نامه بنویسند واورا دعوت کنند که بکوفه آیند تا بامامت با آنحضرت بیعت نمایند ودرهمانمجلس نامه‌ای بحضرت نوشتند سپس مرتب نامه مینوشتند تاچند صدنامه نوشته شد ودرتمام آنها اصرار میکردند که حضرت زودتر بکوفه حرکت فرمایند . چون حضرت چنین دیدند ، پسر عموی خود مسلم بن عقیل رابنمایندگی ازطرف خودروانهٔ کوفه نمودند ، مسلم پس ازورود بکوفه در خانه مختار بن ابی عبیدهٔ ثقفی فرود آمد ومردم دسته دسته بدیدن اومیامدند وهرگاه جماعتی درنزد او حاضر میشدند نامه حضرت امام حسین را که درجواب اهل کوفه نوشته بودند برای آنان میخواند وایشان گریه میکردند و وعدهٔ همه گونه فداکاری میدادند ، در اینوقت حاکم کوفه مردی بود بنام نعمان بن بشیر که مردی ملایم بود و میخواست تاممکن است کارها بامسالمت حل شود ولی بعضی از هواخواهان بنی امیه که در کوفه سکونت داشتند باروش نعمان مخالف بودند و بیزید نامه نوشتند که اگر کوفه را میخواهی مردی قوی بحکومت آنجا بفرست .
چون چند نامه دراین باره بیزید رسید پس ازمشورت باغلام مخصوص معاویه بنام سرجون عبیدالله پسرزیاد را بحکومت کوفه تعیین کرد . عبیدالله چون

وارد کوفه شد ، مردم‌را درمسجد جمع کرد ودر ضمن خطبه‌ای که ایراد نمودتا توانست مردم‌را ازمخالفت بایزید ترسانید . مردم کوفه همانطور که گفته شداتقدر ضعیف‌النفس وسست اعتقاد بودند که بایك تهدید از میدان درمیرفتندوتمام پیمانها وقول وقرارهای خودرا ازیاد میبردند .

از اینجهت بیوفائی کوفیان‌ضرب‌المثل‌بود . دراینوقت چون از خونریزی وسختگیری عبیدالله اطلاع داشتند وبارها او وپدرش زیاد را آزموده بودند ، بااینکه عموم آنان از بیدینی وفسق‌وفجور یزید وعبیدالله نیك آگاه‌بودند ؛ پای استقامتشان سست‌شد وکم کم از دور مسلم پراکنده شدند . مسلم برای این که در جای محفوظ تری منزل داشته باشد از خانهٔ‌مختار بخانه‌هانی بن‌عروه که ازبزرگان کوفه ومعاریف‌شیعه بودرفت

شهادت حضرت مسلم مسلم درخانهٔ‌هانی بسرمیبرد ومسلم‌بن‌عوسجه که ازبزرگان شیعه است میان او ومردم واسطه‌بود . ابن زیاد بوسیلهٔ یکی از جاسوسان خود ازمحل مسلم آگاه شد و هانی را طلب نموده مسلم رااز‌او خواست . هانی بهیچوجه حاضرنشد مسلم راتسلیم کند و از آنطرف مسلم بامردمی که بااو بیعت کرده‌بودند بقصرابن‌زیاد حمله کرد واورا محاصره‌نمود ابن‌زیاد چندنفر از بزرگان کوفه رامیان‌مردم فرستاد تاآنان‌راازدورمسلم‌متفرق‌نمایند این‌تدبیرمؤثرواقع‌شد ودر مدت کوتاهی کلیهٔ کسانی که اطراف او بودند پراکنده شدند و مسلم تنها بخانه زنی بنام‌طوعه‌پناه‌برد . پسر آنزن . ابن‌زیاد راازمحل مسلم آگاه ساخت ابن‌زیاد عده ای‌رابرای‌دستگیری اوفرستاد ومسلم پس از آنکه یکتنه تامدتی باآنان بجنك‌پرداخت وعده‌ای راهلاك‌ساخت دستگیرشد وبدستور ابن‌زیاد آنحضرت وهانی را بدرجه شهادت رساندند .

توجه حضرت امام حسین(ع) بکوفه

مسلم در آنوقت که مردم کوفه متفرق نشده بودند ، بحضرت نوشته بود که هجده هزار نفر بامن بیعت کرده‌اند وآنحضرت را بآمدن کوفه دعوت کرده بود ، حضرت از مکه بقصد کوفه بیرون آمدند واز وسط راه نامه‌ای باهل کوفه نوشتند وحرکت خود را بآنان اطلاع دادند واین نامه را بوسیله مردی بنام قیس بن مسهر فرستادند . عمال ابن زیاد ، قیس را گرفتند و نزد او بردند ، ابن زیاد باو تکلیف کرد که منبر رود و بحضرت ناسزا گوید . قیس بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای خدا گفت . حسین پسر فاطمه دختر پیغمبر بهترین خلق خدا بسوی شما میآید و من فرستادهٔ او هستم دعوت آنحضرت را اجابت کنید ؛ سپس ابن زیاد و پدرش را لعنت کرد : عبیدالله دستور داد اورا از بالای قصر بزیر افکندند .

چون حضرت عليه‌السلام بمکانی بنام ثعلبیه رسیدند از شهادت مسلم آگاه شدند و پس از این که این خبر را باصحاب خود اطلاع دادند فرمودند هر کس میل ندارد باما باشد بهر جا میخواهد برود ، عده زیادی از اطراف آنحضرت پراکنده شدند فقط اهل بیت وخواص اصحاب آنحضرت عليه‌السلام باقی ماندند و گفتند مبادا روزیکه ما از تو جدا شویم ، از هیچ نوع فدا کاری و جانفشانی درراه تو دریغ نخواهیم کرد .

سر راه گرفتن حر بر حضرت ع

حضرت همانطوریکه بطرف کوفه در حرکت بودند ازدور عده‌ای سوار مشاهده کردند چون نزدیک شدند معلوم شد حر بن یزید ریاحی باهزار سوار برای جلوگیری حضرت آمده‌اند . هنگام ظهر حضرت دستور فرمود موذن اذان گوید سپس بحر ویارانش درضمن خطابه‌ای چنین فرمودند : مگر نه شما آن همه نامه

نوشتید ومرا دعوت کردید ؟ ایشان سکوت کردند سپس حضرت بنماز ایستادند و گذشته از اصحاب آنحضرت ؛ حر و سپاهش نیز اقتدا کردند حضرت بحرکت خودادامه وراه خودرا ازکوفه بسمت چپ تغییر دادند تابمکانی بنام نینوی رسیدند دراین وقت پیکی ازطرف ابن زیاد رسید و نامه‌ای برای حر آورد که کاررا برحسین سخت بگیر واورا درمکانی بدون آب و پناهگاه فرود آور . و این امر در روز پنجشنبه دوم محرم سال شصت ویکم هجری بود .

ورود ابن سعد بکربلا دراین موقع که حضرت وارد کربلا شدند ، عمربن سعدبن ابی‌وقاص ازطرف عبیدالله زیادمامور حکومت ری وجنگ بادیلمیان بودو نسبت باین مقام بسیار علاقه داشت ، ابن زیاد که‌اندازهٔ علاقهٔ اورا بحکومت ری‌میدانست بوی پیشنهاد کرد که‌قبلا کارحسین را یکسره کن سپس بمقرحکومت خودبرو . ابن سعد ابتدادر پذیرفتن این ماموریت که‌تاابد اوو اولادش راننگین میساخت کمی تردید بخرج داد حتی مطابق نوشتهٔ عموم مورخان درشبی که‌مهلت گرفته بود فکر کند اشعاری میخواند باین‌مضمون : آیاباتمام میلی که بحکومت ری‌دارم از آن‌صرف نظر کنم یاباکشتن حسین(ع) لعن همیشگی رابرای‌خودبخرم ، درکشتن حسین بی‌شك آتش دوزخ است حکومت ری نیز بمنزلهٔ نور دیدگان است . آخرالامر بدبختی براوغلبه‌کرد وفرماندهی سپاه کربلا رابعهده گرفت . چون‌عمر سعد بکربلا رسید مردی‌بنام عمروبن حجاج راباپانصد نفرمامور شریعهٔ فرات کرد تاازآب برداشتن اصحاب حضرت مانع شوند .

☆ ☆ ☆

واقعه فاجعه کربلا در روز عاشورا (دهم محرم)

سال شصت و یکم هجری مطابق با مهر ماه شمسی

ابن زیاد خیلی عجله داشت و از اینکه ابن سعد قدری مسامحه میکند دلتنگ بود تا روز نهم محرم شمر بن ذی الجوشن را با نامه‌ای نزد ابن سعد فرستاد که اگر نمیتوانی کار حسین را بسازی فرماندهی سپاه را بشمر تفویض کن. شمر عصر نهم بکربلا رسید و چون ام البنین مادر حضرت عباس و برادرانش عمه او بود بر حضرت عباس و برادران آنحضرت امان عرضه داشت عباس فرمود خداترا و امانت را لعنت کند، من در امان باشم و پسر پیغمبر (ص) در امان نباشد؟ در این وقت ابن سعد با سپاه خود بجانب خیمه های حضرت امام حسین (ع) بحرکت آمد چون نزدیك شدند حضرت عباس از مقصودشان پرسیدند، گفتند فرمان امیر است که هم اکنون بشما حمله بریم. چون این خبر بحضرت امام حسین (ع) داده شد فرمودند امشب را امهلت بگیرید که چون من تلاوت قرآن و ادای نماز را دوست دارم، در این مهلت با خدای خود راز و نیاز کنیم، ابن سعد با اکراه مهلت داد. چون شب شد حضرت اصحاب خود را جمع کردند و فرمودند من اصحابی باوفاتر و بهتر از اصحاب خود و اهل بیتی صمیمی تر از اهل بیت خود ندیده ام، اکنون شب است و پرده ظلمت همه جا را فرا گرفته، ابن سعد و یارانش جز من بدیگری کاری ندارند، از تاریکی استفاده کنید و هر کس هر جا میخواهد برود. در اینموقع هریك از اهل بیت و اصحاب سخنانی گفت حاکی از منتهای وفاداری و فداکاری و جانبازی در راه حق. حضرت و دیگران تا صبح بعبادت مشغول بودند صبح عاشورا پس از نماز صبح، حضرت سپاه خود را که از سی و دو سواره و چهل پیاده تشکیل میشد مرتب کردند زهیر بن قین را بفرماندهی میمنه، حبیب بن مظاهر را بفرماندهی میسره رایت را

بدست برادرخودعباس دادند . ابن سعد نیز سپاه خودرا که بالغ برسی هزار نفر میشد منظم کرد ، دراین وقت حضرت برای اتمام حجت خطاب بسپاه کوفه خطبهٔ مفصلی ایرادفرمودند حضرت دراین خطبه مکر وعهدشکنی اهل کوفه رایاد آور شدندو آنان راسرزنش کردند ، بعد فرمودند :

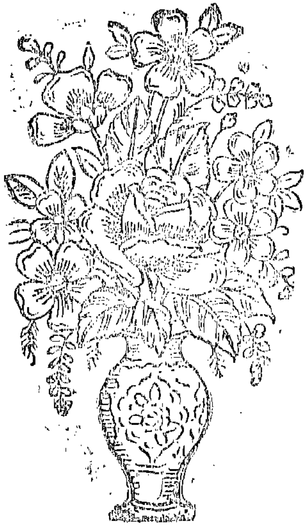
ابن زیادمرا مخیر کرده که یاکشته شوم یالباس خواری بپوشم وتسلیم شوم . چطور ممکن است تن بذلت دهم ؟ خدا ورسول نیز رضاندهند دوستان غیرتمند ایشان در برابر پست فطرتان خوار و زبون بمانند . بدانید که من باسپاه اندك خود بالشکرانبوه شماخواهم جنگید. سپس اشعاری خواندند باین مضمون که ماهیچگاه مغلوب نخواهیم شد . بترس هم عادت نکرده ایم . مرگ برای همه است و هیچکس در جهان جاودان نمانده است . درآخر بکوفیان نفرین کردند. در همین مواقع بود که حر ازسپاه ابن سعد جدا شد و بسپاه حضرت پیوست ودر رکاب آنحضرت بشهادت رسید .

باین ترتیب جنگ میان دوطرف یعنی حق و باطل بلکه اسلام و کفر در گرفت و همانطور که میدانید حضرت با فرزندان واهل بیت وهفتاد و دو نفر اصحاب خود بدرجه شهادت نائل آمدند سپس کودکان و زنان آن حضرت را باسیری بردند .

(شرح حال حضرت امام حسین(ع) درقسمت مربوط بتاریخ ائمه اطهار(ع) خواهدآمد .)

واقعه کربلا آنقدر حائز اهمیت است که نه فقط مورخان اسلامی بلکه عموم مورخان جهان آنرا ازفجیعترین وقایع تاریخی میدانند که چه از نظر فدا کاری امام حسین و اصحاب آنحضرت در راه اعتلای کلمه حق

وچه از نظر عمل ننگینی که : یزید وابن‌سعد واتباعشان مرتکب شدند ، در هیچ زمانی نظیر ندارد . در قسمت بعدی خواهیم دید که این پیش آمد چطور مسیر تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ شیعه‌را تغییر دادو چگونه باعث انقراض خلافت اموی ولعنت ونفرین ابدی باین دود مان و انقراض این نسل منحوس گردید بطوریکه از قرنها پیش حتی یك نفر هم خود را اموی نخوانده است .



حوادثی که بعد از واقعه کربلا رخ داد

همانطور که در آخر قسمت اول گفته شد واقعه جانگداز کربلا بتدریج حکومت اموی را سرنگون ساخت و این نژاد منحوس را بکلی نابود کرد و باعث لعن همیشگی برای آنان گردید. اینك بذکر نتایج واقعهٔ کربلا که بتدریج خلافت بنی امیه را منقرض نمود و جریان تاریخ اسلام را بکلی عوض کرد. میپردازیم:

۱ـ خروج عبدالله زبیر جلوتر گفته شد که عبدالله زبیر از کسانی بود که بایزید بیعت نکرد و همواره درصدد بود فرصتی بدست آرد و بمخالفت بایزید برخیزد: بعد از آنکه خبر واقعه کربلا بمکه رسید عبدالله که آنوقت در مکه اقامت داشت فرصت را مناسب دید و در ضمن خطبه‌ای که برای مردم ایراد کرد، صفات زشت یزید و شرابخوارگی و سگبازی و قماربازی اورا برای مردم ذکر و آنان را بمخالفت با او دعوت نمود. ابن زبیر در خطابه خود فضایل و مناقب حضرت سیدالشهداء (ع) و عظمت شهادت آنحضرت را بیان و عهد شکنی و مکر اهل کوفه و فسق و فجور یزید را گوشزد کرد. مردم که در اثر بیانات او سخت بهیجان آمده بودند اظهار داشتند که دست بگشا تا با تو بیعت کنیم که بعد از قتل حسین دیگر کسی طرفدار یزید نخواهد بود و همه بخلافت با او بیعت کردند باین ترتیب نخستین قدم برای مخالفت بایزید برداشته شد.

۲ ـ مخالفت اهل مدینه مردم مدینه که اغلب از بقایای صحابه پیغمبر (ص) یا فرزندان صحابه بودند چون از اعمال یزید اطلاع

یافتند علم‌مخالفت برافراشتند و بامردی بنام‌عبدالله بن حنظله که فرزند یکی‌از بزرگان صحابهٔ پیغمبر(ص) بود بیعت کردند. اهل مدینه چون بایزید بمخالفت برخاستند بنی‌امیه و اتباع‌ایشان‌راکه متجاوز از یکهزار نفر بودند درخانهٔ مروان‌حکم محاصره نمودند.

قتل‌عام‌مدینه‌و خراب کردن خانه کعبه بدستور یزید

چون‌خبر قیام عبدالله‌زبیر و مخالفت اهل مدینه و محاصرهٔ بنی‌امیه در خانه مروان بیزید رسید در صدد لشکرکشی بمدینه و مکه برآمد ولی بهرکس پیشنهاد فرماندهی سپاه رامینمود ازقبول آن‌سرپیچی میکردتا پیر مردی بنام مسلم‌بن عقبه (که بعداً در اثر خونخواری بسیار بمسرف ملقب‌گردید) پذیرفت ویزید باو مأموریت داد که نخست اهل مدینه را قتل‌عام کند سپس بمکه‌رود وکار ابن‌زبیر رابسازد. مسلم باسپاه مجهزی که‌شمارهٔ آن‌در حدود بیست‌هزار نفر بود بسوی مدینه حرکت کرد پس از اینکه بکنار خندق‌شهر رسید مردم‌مدینه بااو بجنگ برخاستند ولی چون‌عده سپاه‌شام‌بیشتر بود دربرابر آنان تاب‌مقاومت‌نیاوردند وشکست خوردند. مسلم‌بدستور یزید درمدت سه روز دستور قتل‌عام داد یعنی بلشکریان خودامر کرد تاسه‌روز هرکس راکه‌ببینند بکشند وهرجنایتی میخواهند مرتکب شوند. دراین سه‌روز سپاه مسلم آنقدر ازمردم این شهر مقدس بقتل رساندند که‌بمسلم مسرف لقب‌دادند زیرا درآدمکشی اسراف کرد دراین قتل‌عام بسیاری‌ازصحابهٔ پیغمبر(ص) وفرزندان‌ایشان بدستور مسلم کشته‌شدند.

جنگ سپاه‌یزید بااهل‌مدینه درتاریخ به‌یوم‌الحره معروف است‌زیرا محل جنگ سنگستانی درخارج شهر مدینه‌بود‌ودرزبان‌عربی سنگستان‌حره گویند.

مسلم پس از قتل و غارت مدینه منوره ، عازم مکه معظمه شد ولی در بین راه مریض و مشرف بمرگ گردید ناچار مردی بنام حصین بن نمیر را بفرماندهی سپاه برگزید (یزید بمسلم سفارش کرده بود که اگر در راه حادثه‌ای برای تو رخ دهد فرماندهی را بحصین بن نمیر واگذار کن) پس از مرگ مسلم حصین بطرف مکه حرکت کرد و در بیست و ششم محرم سال ٦٤ هجری باین شهر مقدس رسید . در این وقت ابن زبیر خود را خلیفه میخواند و اهل مکه و عدهٔ بسیاری از اهل مدینه گرداو جمع شده بودند . تا چندماه جنگ میان سپاه یزید و ابن زبیر ادامه داشت ، در این مدت سپاه یزید بخانه کعبه منجنیق بستند (منجنیق وسیله‌ای بوده است که با آن سنگهای بزرگ و مواد سوزان را بطرف شهر یا قلعه پرتاب میکردند) و خانه خدا را آتش زدند. هنگامیکه لشکریان یزید باانتهای شدت بمکه حمله میکردند ، خبر مرگ یزید رسید و سپاهیان او ناگزیر دست از محاصره مکه کشیدند و بشام مراجعت کردند از این وقت کار ابن زبیر بالا گرفت و گذشته از حجاز عراق را نیز متصرف گردید تازمان خلافت عبدالملک مروان که بدست حجاج معروف کشته شد .

۳ - توابین اگر فراموش نکرده باشید ؛ گفتیم پس از مرگ معاویه اهل کوفه نامه‌های بسیاری بحضرت امام حسین ﷺ نوشتند و آنحضرت را دعوت کردند ولی چون حضرت بطرف کوفه آمدند اهل کوفه گذشته از این که بیاری او برنخاستند ، بسیاری از آنان بجنگ آنحضرت نیز رفتند و در واقعه کربلا شرکت کردند . بعد از واقعه کربلا کسانیکه بحضرت نامه نوشته و بیوفائی از خود نشان داده بودند ، سخت پشیمان شدند و بفکر چاره جوئی افتادند و پس از مشورتی که بایکدیگر کردند گفتند اکنون که این ننگ

راجز باخون باچیز دیگر نمیتوان شستشو کرد ، باید درمقابل کشندگان حضرت قیام کنیم و آنان را بکشیم تا کشته شویم .

چون این عده ازعمل خود توبه کردند با آنان توابین (توبه کنندگان) گویند .

توابین با یکی ازسالخورده ترین شیعیان که درجنگ صفین نیز شرکت کرده بود بنام سلیمان بن صرد بیعت کردند وازطرف خود کسانی را باطراف فرستادند تا ازهواخواهان اهل بیت اطهار برای آنان بیعت بگیرند ، ابتدای پیدایش توابین درسال ٦١ (همان سال واقعهٔ کربلا) وانجام کار آنان درسال ٦٥ (اوایل خلافت عبدالملك مروان) بود ، دراین سال از کوفه بیرون رفتند چون بمرقد مطهر حضرت رسیدند یکصدا شروع بشیون و گریه کردند ویك شبانه روزماندند واز کردهٔ خود اظهار پشیمانی نمودند وبتوبه وانابه پرداختند سپس براه خود ادامه دادند و در محلی بنام عین الورده باسپاه شام که بفرماندهی ابن زیاد بطرف کوفه میآمد بجنگ پرداختند وپس از کشتن عدهٔ بسیاری ازسپاه بنی امیه ، سلیمان ودیگر بزرگان توابین کشته شدند .

٤ـ خروج مختار و کشتن کشندگان حضرت سید الشهداء ع — مختار پسر ابی عبیدثقفی است که درجنگ یوم الجسر کشته شد موقعیکه حضرت مسلم بن عقیل در کوفه بیعت میگرفت ، مختار باجمعی از یارانش ازدهی که نزدیك کوفه داشت بشهر آمد (وبقولی در کوفه بود) اورا گرفتند نزد ابن زیاد بردند ابن زیاد باچوبی که دردست داشت آنقدر بصورت اوزد که چشمش رامعیوب کرد سپس دستور داد وی راحبس کردند بعدازواقعهٔ کربلا ازحبس رهاشد و بطرف حجاز رفت . مدتی باعبدالله زبیر بود چون یزید بهلاکت رسید بادستور وتشویق محمد حنفیه فرزند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بکوفه آمد ومردم را بخونخواهی حضرت امام حسین علیه السلام دعوت کرد .

نیرومند بود بآسانی ازمیان بردن آن امکان نداشت باین لحاظ چنین مقتضی دیدند که باتشکیلات مرتب ولی بی سروصدا ریشهٔ آنانرا بکنند. همین کوششها بود که بعدازهفتادسال ازواقعهٔ کربلابثمر رسید و همانطور که خواهیم دید نه فقط خلافت اموی را از میان بردند بلکه استخوانهای مردگان آنانرا نیزازگوردر آوردندوسوختند.

تاریخچهٔ خلافت اموی ازمرك یزید

تاانقراض ایشان

یزید درربیع الاول سال شصت و چهارم در سی و پنجسالگی هجری هلاك شد ، بعدازاو پسرش معاویه بخلافت نشست ولی پس از چهل روز و بقولی سه ماه ازخلافت کناره گیری کرد ودرخانه نشست تا در گذشت (درسن ۲۱ سالگی) ازقرائن معلوم میشود که معاویة بن یزید بااعمال پدرش مخالف بوده وبنی امیه را لایق خلافت نمیدانسته است . بعداز کناره گیری معاویه درمیان بنی امیه وبزرگان شام اختلاف افتاد عده ای معتقد به بیعت باعبدالله زبیر بودند ، عده ای دیگر میخواستند خالد پسر دیگر یزید را بخلافت بنشانند (خالدبخلافت و مقام توجهی نداشت ، علاقهٔ او بیشتر بمطالعهٔ آثار علمی یونانی بود ، گویا خالد نخستین کسی است دراسلام که اقدام بترجمهٔ کتابهای یونانی بعربی کرد . وی درمیان علوم یونانی بکیمیا (شیمی) بسیار علاقمند بود) جمعی دیگر طالب خلافت مروان حکم بودند سر انجام با مروان بیعت کردند (درماه ذیقعده سال ٦٤) و اوابتدا مخالفان خودرا درشام ازمیان برداشت سپس مصررا که نزدیك بود بدست ابن زبیر بیفتد بتصرف آورد .

بامرك معاویة بن یزید ، خلافت فرزندان معاویة بن ابی سفیان خاتمه

یافت و باجلوس مروان حکم که او نیز از بنی امیه بود خلافت آل مروان یامروانیان شروع گردید ، بنابراین خلافت اموی در شام دارای دو شعبه بوده است یکی آل ابوسفیان که عبارتند از معاویه و یزید و معاویة بن یزید ؛ دیگری آل مروان که اولی ایشان مروان حکم و آخری مروان بن محمد معروف بمروان حمار است .

خلافت عبدالملك مروان دررمضان سال ۶۵ درسن شصت و سه سالگی بوسیلهٔ زوجه‌اش خفه شد ، بعد از مرك او پسرش عبدالملك که مردی باهوش و کاردان بود بخلافت نشست . عبدالملك متجاوز از بیست سال حکومت کرد و در اینمدت مخالفان خودرا تاتوانست از میان برد : بخلافت عبدالله زبیر خاتمه داد ، حجاج معروف را بر مردم عراق مخصوصاً اهل کوفه مسلط کرد و مرتب باخوارج جنگید و در نتیجه یك حکومت مقتدر تشکیل داد :

۱ - خوارج پیدایش خوارج در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد ، پس از شهادت آنحضرت ، خوارج نیرومند شدند و معاویه بارها باآنان بجنك پرداخت ؛ ولی نتوانست کاری انجام دهد و روز بروز برتعداد وقدرت ایشان افزوده میشد تاکم کم بچندین فرقه تقسیم شدند که هرفرقه دارای عقاید مخصوصی بود ، خلفا نیز پیوسته با آنان در نبرد بودند درزمان عبدالملك جنگهای شدیدی میان او و خوارج رخ داد : بزرگترین سردارهای اموی در جنك باخوارج مردی است بنام مهلب بن ابی صفره که سالهای متمادی باایشان جنك کرد ، حجاج بن یوسف نیز (که کارهای اورا شرح خواهیم داد) مرتب باخوارج جنك مینمود ، درزمان حجاج بود که یکی از خوارج بنام شبیب بن یزید باعدهٔ کمی چنان عرصه را براو تنك کرده بود

که حجاج باقدرت و نیرومی که داشت ازدفع او عاجز ماند، یزید شبها وارد کوفه میشد و تا پشت دارالاماره حجاج نیز میرفت ولی حجاج ازترس میلرزید و نمیتوانست کاری بکند، آخرالامر شبیب دررودخانه افتاد وغرق شد و حجاج نتوانست براو غلبه کند موضوع خوارج درتمام مدت خلافت اموی وقسمتی ازخلافت عباسیان ادامه داشت.

رونق کار ابن زبیر و کشته شدن مختار جلوتر گفته شد که سپاه یزید، مکه را محاصره کرد و خانهٔ کعبه را بمنجنیق بست، بعد ازمرگ یزید ومراجعت سپاه شام، عبدالله زبیر دستور ساختمان خانهٔ کعبه وتجدید بنای دیوارهای آن که در اثر سنگهای منجنیق شکست برداشته بود، داد ودراین کاراز بناها ومعمارهای ایرانی کمك خواست. ازاین پس کار ابن زبیر رونق گرفت وروز بروز برمتصرفات خود میفزود تاقسمتی از عراق را نیز بدست آورد: ابن زبیر درسال ۶۷ برادر خود مصعب رابحکومت بصره گسیل داشت. وی چون ببصره رسید عده‌ای ازاهل کوفه که ازترس مختار گریخته بودند اورا تشویق کردند که بکوفه حمله کند وکار مختار را بسازد. عاقبت، مصعب تصمیم گرفت با مختار بجنك برخیزد وبا سپاه گرانی بکوفه حمله کرد. پس ازجنك شدیدی مختار شکست خورد وخود وجمعی ازاصحابش بقتل رسیدند و باین ترتیب کوفه نیز بتصرف ابن زبیر درآمد تا در سال ۷۱ که عبدالملك مروان پس از آنکه مخالفان خودرا درشام ازمیان برد بعراق لشکر کشید وبا مصعب بجنك پرداخت درنتیجه، مصعب وابراهیم پسر مالك که جزو طرفداران اودرآمده بود وعده‌ای دیگر ازیاران مصعب کشته شدند وعراق بتصرف عبدالملك درآمد

۲- خاتمه کار ابن زبیر عراق که بدست عبدالملك افتاد؛ درصدد

برآمد کار ابن‌زبیررا یکسره کند وحجاز رانیز بتصرف درآورد : حجاج بن یوسف ثقفی خونخوار معروف که جزو سپاهیان عبدالملك بودداوطلب شد کار عبدالله‌زبیر رابسازد وبدستورعبدالملك باچندهزار سپاه رهسپار مکه‌شد . عبدالملك بدیگرسپاهیان که‌قبلارو انهٔ‌حجاز کرده‌بوددستورداد بحجاج ملحق‌شوند . حجاج درذیقعدهٔ سال۷۲ بمکه‌رسید وابن‌زبیر را محاصره کرد وبوسیلهٔ منجنیق‌هایی که‌در کوه‌ابوقبیس (نزدیك مکه) نصب کرده بودشروع بسنگ‌پرانی بخانه کعبه نمود . ابتداشامیان ازپرتاب کردن سنك بخانهٔ خدامیترسیدیدچون بمحض شروع‌سنگ‌اندازی رعد و برق‌شدیدی شروع‌شد وعده‌ای دراثر برق‌زدگی هلاك‌شدند حجاج که وضع‌را چنین دید خود منجنیق رابکار انداخت ودرماه ذیحجه که ماه حرام وماه حج‌است ومسلمانان از اطراف برای ادای‌فریضه حج آمده بودند ، شروع بویران نمودن و هتك احترام خانهٔ کعبه نمود محاصرهٔ ابن‌زبیر چندماه طول کشید دراین مدت ساکنان مکه سخت در مضیقه قرارگرفتند وارزاق درآنجا نایاب شد ، ابن‌زبیر بواسطهٔ بخل شدیدی که‌داشت با اینکه انبارهای‌اومملواز خوراکی بود ، درهای آنرا بروی مردم بسته‌بود ومطابق بعضی‌از روایات بسپاهیان خود در روز فقط یك دانه خرما جیره‌میداد بدینجهت اطرافیان اودسته دسته‌پراکنده میشدند یابحجاج پناه‌میبردند تادرماه‌جمادی‌الاخر سال۷۳سپاه حجاج برابن‌زبیر غلبه کردند ووارد مکه شدند و او را کشتند وبکارش خاتمه دادند . ابن‌زبیرشصت وچهارسال عمرو۹سال حکومت کرد ، وی‌از مسببین جنك جمل وازدشمنان امیرالمومنین(ع) محسوب‌میشودمردی‌جاه‌طلب‌وشجاع بود وازسالهاقبل آرزوی خلافت وحکومت داشت ولی‌درچند سالی که

فرصت بدست آورد نتوانست از فرصت استفاده کند و بواسطه سوء سیاست کاری از پیش نبرد چند سالی هم که حکومت کرد برای این بوده که در مقابل خود رقیب نیرومندی نداشت .

۳ - حکومت حجاج در عراق حجاج بعد از کشتن ابن زبیر بحکومت حجاز منصوب شد ، درسال هفتاد و پنجم هجری عبدالملك اورا بحکومت عراق منصوب کرد . علت این امر نافرمانی عراقیها (مخصوصاً اهل کوفه) از اوامر حکام و خودسری آنان بود ، اهل کوفه از جنك صفین ببعد که انواع بیوفایی وغدروفریب و ناپایداری از خود نشاندادند ، ثابت کردند که اگر دارای حاکم مقتدری باشند منتهای زبونی را از خود نشان میدهند و اگر میدانی پیدا کنند آرام نخواهند نشست ، عبدالملك این اخلاق کوفیان را خوب میدانست و حجاج را برای آنان مناسبترین حاکمی تشخیص داد . حجاج بدستور عبدالملك از حجاز بکوفه آمد وطبق معمول مردم رادر مسجد جمع کرد تاطرز کارخودرا برای آنان بیان کند . اهل کوفه که بتن پروری وخودخواهی عادت کرده بودند ابتدا بانظر حقارت بحجاج نگاه کردند ولی پس از آنکه حجاج خطبه تهدید آمیزی ایراد کرد وبا لحن شدیدی از کشتن وشکنجه کردن سخن گفت ازهمان لحظه آثار زبونی وبیچارگی در کوفیان آشکار کرد . حجاج مدت بیست سال در کوفه حکومت کرد ودراین مدت ده ها هزار نفر راکشت یادرزندان نگاهداشت وازهیچ ظلم وزجری نسبت بمردم فروگذار نکرد بکوچکترین بهانه‌ای میکشت یاحبس میکرد درزمان او وقایع بسیاری رخ داد وعده‌ای درمقابل اوقیام کردند وجنگهای شدیدی میان وی و مخالفانش رخ داد که در همه آنها غلبه باحجاج بود از مهمترین وقایع زمان حجاج جنگهائی است که

میان او و عبدالرحمن بن محمد بن اشعث اتفاق افتاد عبدالرحمن از طرف حجاج فرمانده سپاهی بود که مامور فتح ماوراءالنهر بود ولی بعللی با حجاج بمخالفت بر خاست ولی عاقبت عده‌ای از یاران عبدالرحمن باوی خیانت کردند و او سخت شکست خورد و گروه بسیاری از هوا خواهانش چه در جنگ و چه بعد از جنگ بامر حجاج کشته شدند. حجاج در بقیه خلافت عبدالملك و ده سال از خلافت پسرش ولید بامنتهای قدرت حکومت کرد تا سال ۹۵ هجری بهلاکت رسید.

مرگ عبدالملك عبدالملك در شوال سال ۸٦ پس از بیست و یکسال خلافت در گذشت و پسرش ولید بخلافت نشست. عبدالملك مردی کاردان و باهوش بود و در راه اجرای سیاست خود از هیچ کار باك نداشت اگر مصلحتش اقتضا میکرد از کشتن نزدیکترین اقوام و یاران خود در و گردان نبود حجاج را فرستاد تا خانهٔ کعبه را خراب کرد و آتش زد و نیز او را بر مردم عراق مسلط کرد و هر کار میخواهد بکند و هر که را میخواهد بکشد. دیگر از کارهای عبدالملك سکه زدن درهم و دینار بود، تا زمان او مسلمانان درهم و دینار خود را در روم سکه میزدند (سابقاً بمسکوك طلا دینار و بمسکوك نقره درهم میگفتند. دینار در حدود یکمثقال طلا و درهم در حدود یکمثقال نقره ارزش داشته است) پیش آمدی باعث شد که عبدالملك دستور داد وسائل سکه زدن را خود مسلمانان فراهم سازند.

خلافت ولید پسر عبدالملك بعد از مرگ عبدالملك چهار نفر از فرزندان او بحکومت نشستند که اولی آنان ولید بود. ولید نسبت بآبادانی و ساختمان علاقه زیادی داشت و در زمان او بسیاری از راهها ساخته شد و بدستور او چاههای بسیاری کندند و در آبادی شهرها کوشیدند

مسجد معروف اموی دردمشق (که هنوزهم باقی است) بامر او بنا گردید

دیگر از کارهای ولید این بود که دستور داد افراد مبتلی بجذام (خوره) ازدیگر مردم جدا شوند ودرنقاط معینی نگاهداری کردند وزندگی آنان را تأمین نمایند. درزمان ولید نقاطی ازمشرق فتح شد و مسلمانان گذشته ازجنگهایی که باروميان کردند؛ ازراه آفریقای شمالی باسپانیا و نقاط دیگری ازاروپا حمله ور شدند و بطوریکه خواهیم گفت تا فرانسه پیشروی کردند

موسی ابن نصیر و حمله مسلمانان باروپا

درسال ۸۹ مردی بنام موسی بن نصیر ازطرف ولید بن عبد الملك بحکومت افریقیه برقرارشد (مسلمانان بشمال آفریقا (غیر از مصر) افریقیه میگفتند در آنوقت مرکز و جنوب افریقا هنوز کشف نشده بود) موسی در سال ۹۲ یکی از غلامان جنگدیده و آزمودهٔ خودرا بنام طارق بن زیاد باهفتهزار نفر که بیشتر آنان ازاقوام بربر بودند (مقصود ازبربر ساکنان بومی شمال آفریقا میباشد) مامور کرد ازتنگه ای که حدفاصل میان افریقا واروپاست عبور کند و نواحی آنطرف یعنی خاك اروپارا متصرف شود. طارق از تنگه مزبور گذشت وقدم در خاك اروپا درسر زمین اسپانیا، گذاشت چون طارق نخستین مسلمانی استکه ازاین تنگه وارد خاك اروپا شده، از آن تاریخ بکوه مرتفعی که وصل بتنگه است کوه طارق (جبل الطارق) و بآن تنگه، تنگه جبل الطارق گفته‌اند، طارق درکشور اسپانیا شروع به پیشروی کردو شهرها رایکی پس از دیگری فتح میکرد. بعداز مدتی موسی بدو پیوست و او نیزشهر هایی را متصرف شد ولی فرستاده ولید از دمشق رسید واو راازپیشروی بازداشت ودستور مراجعت داد. مسلمانان چون اول ناحیه‌ای که ازاسپانیا گرفتند، ایالت اندلس (آندولزیا) بود، بتمام اسپانیا

اندلس گفتند. دردورهٔ بعدخواهید خواند که اندلس چندقرن درتصرف مسلمانان بود و سلسله های مختلف دراین سرزمین حکومت کردند تا مسلمین دچار ضعف شدند و مسیحیان بتدریج بر آنان غلبه کردند و گذشته ازاینکه حکومتهای اسلامی را منقرض کردند، هزارها نفر از مسلمانان راقتل‌عام کردند و در آتش سوختند. هنوز بقایای آثار اسلامی و ساختمانهای مهم و مساجد بزرگ و کاخهای عظیم که ازهمه معروفتر قصر شگفت الحمراء است در شهرهای مختلف اسپانیا دیده میشود (بسیاری از آنها درده پانزده سال پیش که دراسپانیا جنگهای داخلی جریان داشت بوسیلهٔ بمباران ویران گردید) و درزبان اسپانیولی هنوزهم بسیاری از کلمات عربی وجوددارد.

مرگ ولید و خلافت سلیمان بن عبدالملک ولیدبن عبدالملک درسال ۹٦ درسن چهل و دوسالگی بعدازده سال خلافت درگذشت و برادرش سلیمان بجای او نشست سلیمان مردی پرخور و تن پرور بود و دردو سال و چند ماه خلافت خود، کارمهمی که انجام داد یکی محاصرهٔ قسطنطنیه و دیگری فتح گرگان و طبرستان (مازندران) بود.

خلافت عمر بن عبدالعزیز و جلو گیری از بدگوئی بحضرت علی (ع) گفتیم که بعد از عبد الملک چهار پسر او بخلافت نشستند. عبد الملك قبل ازمرگ، ترتیب خلافت هریك راداده بود، باین‌قرار که بعداز سلیمان برادرش یزید بخلافت بنشیند ولی چون هنگام مرگ سلیمان یزید حاضر نبود، سلیمان عمربن عبد العزیز بن مروان (پسر عموی خود را) بجانشینی معین نمود. عمرعبدالعزیز در میان امویان بزهد و عدالتخواهی وانصاف معروف است. وی بر خلاف دیگر خلفای بنی امیه بلهو ولعب و کارهای ناشایسته نمی پرداخت واز مهمترین کارهای او این بود که از

بدگوئی خطیبان نسبت بحضرت امیرالمومنین (ع) جلوگیری کرد وفدك رابفرزندان حضرت زهرا علیها السلام برگردانید: جلوتر متوجه شدید که از زمان معاویه طبق سیاست شومی که او اتخاذ کرده بود حکام اموی در هرجا که بودند آشکارا بناسزا گوئی مولای متقیان میپرداختند و بخطیبان دستور میدادند درضمن خطبه‌های خود بعلی (ع) دشنام دهند، این کوتاه فکران تصور میکردند میتوان بااین اعمال نورخدارا خاموش کرد. عمر عبدالعزیز این روش زشت را منع کرد و از اینروی بعضی از شعرای شیعه اورامدح کرده‌اند حتی پس ازمرك وی یکی ازشاعران معروف شیعه در ضمن اشعاری خطاب باو میگوید: ای پسر عبدالعزیز اگر بنا بود چشم من بر جوانی ازبنی امیه بگرید، حقا آنجوان تو بودی.

آغاز دعوت عباسیان

گفتیم که بعداز واقعهٔ کربلا گذشته از کسانیکه آشکارا درمقابل امویان قیام کردند، جمعیتهای سری نیز که بیشتر بوسیلهٔ ایرانیان حمایت میشدند وبا نظم صحیح بکار خودادامه میدادند ومردم رابمبارزه در مقابل امویان دعوت میکردند تادر سال صدم هجری زمان عمر بن عبدالعزیز محمد بن علی بن عبدالله بن عباس که در راس این جمعیت قرار گرفته بود، عده‌ای را باطراف فرستاد تا مردم را از بنی امیه بطرف فرزندان عباس دعوت کنند: میدانید که عباس یکی ازعموهای پیغمبر (ص) است وفرزند اوعبدالله ازعلمای زمان واز حکام حضرت امیرالمؤمنین (ع) میباشد، عبدالله پسری داشت بنام علی که گاهی در نهان مردم را بخود دعوت میکرد و از طرف بعضی ازخلفای اموی صدماتی هم باو وارد آمد. بعدازاوفرزندش درراس جمعیت ضداموی قرار گرفت وازطرف خود کسانی راباطراف گسیل داشت.

مرگ عمرعبدالعزیز و خلافت یزید و هشام دو پسر دیگر عبدالملک مروان عمرعبدالعزیز پس از دو سال وچند ماه خلافت وچهل سال عمر درگذشت ویزیدبن عبدالملک بخلافت نشست

یزیدمردی بسیار عیاش وفاسق بودودر شش سال حکومت خودجز بلهو ولعب بکار دیگری نمیپرداخت ، درزمان او یزید پسرمهلب که ازسرداران معروف زمان بود براو خروج کرد ولی عاقبت مغلوب و کشته شد . بعداز مرگ یزیدبرادرش هشام که مردی باهوش وسیاستمدار بود بجای او قرار گرفت

هشام نزدیک بیست سال حکومت کرد (ازسال ۱۰۶ تا سال ۱۲۵) ودر زمان او وقایع بسیاری اتفاق افتاد : زیدبن علی بن الحسین (ع) خروج کرد و کشته شد ، مسلمانان دراروپا تا فرانسه پیش رفتند ، جنگ میان مسلمین ورومیان شدت یافت ، عباسیان قوت یافتند وهواخواهان ایشان درنقاط مختلف مخصوصاً خراسان بسیار شدند ومقدمات کارشان فراهم گردید

خروج زید زیدفرزند حضرت امام زین العابدین (ع) وبرادر حضرت امام محمدباقر علیه السلام بود که در سال یکصدو بیست ویکم هجری بر هشام بن عبدالملک خروج کرد .

زیدبعللی ازهشام ناراضی شده بود وچون اهل کوفه نیزاوراتشویق بخروج میکردند در صدد برآمد درمقابل هشام قیام نماید . کوفیان طبق عادتی که داشتند ابتدا باحرارت زیاد بااو بیعت کردند سپس وی را تنها گذاشتند : تاچهل هزار نفر بازید بیعت کردند بااین شرط که باستمگران جهاد کنند و بداد محرومان برسند واین تعداد زید را مغرور کرد وهرچه دوراندیشان باو نصیحت کردند که باهل کوفه اعتماد مکن . آنان بااجدادت علی وحسن وحسین علیهم السلام که همه ازتو بهتر بودند آنطور بیوفائی کردند ، نتیجه‌ای

نداد و آشکارا بنای مبارزه باهشام را گذاشت وروزی رابرای خروج معین کرد ولی یوسف بن عمر والی عراق ازطرف هشام ازقصد او آگاه شد ودر صدد دستگیری وی بر آمد ، مردم کوفه هم همانطور که معمولشان بود بااو بیوفائی کردند وازاطرافش پراکنده شدند . زیدباجمعی ازیارانش بقتل رسید وجنازهٔاو تامرك هشام بالای داربود . بعداز کشته شدن زید پسرش یحیی درخراسان خروج کرد اونیز مقتول شد ، پیروان زید که بزیدیه معروف هستند تاامروز باقی میباشند ومذهب رسمی یمن مذهب زیدی است که اجمالی از عقاید ایشان را درضمن جغرافیای اسلام (جغرافیای یمن) خوانده آید .

جانشینان هشام هشام درسال ۱۲۵ درسن پنجاه وپنجسالگی در گذشت وبرادرزاده‌اش ولیدبن یزید بخلافت نشست ولیداز آغاز جوانی انواع فسق و فجور را مرتکب میشد ودین را خوار میداشت ، آشکارا شراب میاشامید وبقر آن مجیداهانت میکرد ، مردم وحتی اقوام خودرا بسیار آزار مینمود ودردحبس وشکنجه قرار میداد عاقبت خویشان واطرافیانش بستوه آمدند واورا کشتند وپسرعمویش یزیدبن ولیدرا بجای اوقرار دادند . ازاین ببعد خلافت اموی بسرعت رو بزوال نهاد و اختلافات آشکار گردید هر قدر حکومت اموی ضعیف میشد کارعباسیان رونق میگرفت ،یزید پس ازششماه در گذشت وبرادرش ابراهیم بجای اوقرار گرفت او نیز قدرتی نیافت و بعداز چندماه مروان بن محمدبن مروان معروف بمروان حمار (درسال ۱۲۷)اورا از دمشق بیرون کرد و خودبخلافت نشست . مروان آخرین خلیفهٔاموی در دمشق است .وی پنجسال خلافت کرد ، آشفتگی اوضاع درزمان او روز بروز بیشتر میشد عده زیادی براوخروج کردند که یکی از آنان عبدالله بن معاویة

بن عبدالله جعفر است (مقصود جعفر بن ابیطالب برادر حضرت امیرالمومنین (ع) میباشد) که باهل کوفه اطمینان پیدا کرد وقیام نمود ولی بااو نیز بیوفائی کردند ودچار شکست شد ومدتی در حدود ایران بود تادرفارس بقتل رسید ، یکی دیگر مردی بنام طالب الحق بود که او نیز در حضرموت ویمن بمخالفت بامروان بر خاست .

انقراض امویان وروی کار آمدن عباسیان

گفتیم محمد بن علی بن عبدالله ابن عباس مردم را بخوددعوت میکرد و کسانی را باطراف میفرستاد تا بنام خاندان عباس بیعت بگیرند . و بعلتی که گفته شد . ایرانیان بیش از دیگران این دعوت را پذیرفتند ، ازمیان مردم ایران اهالی خراسان نسبت بمبارزه بابنی امیه وروی کار آوردن عباسیان توجه بیشتری داشتند وپیشرفت آنان نیز در این امر بیش ازدیگران بود زیرا خراسان تادمشق مرکز امویان فاصلهٔ زیادی داشت وخلفا مخصوصاً موقعی که دچار ضعف وپریشانی بودند نمیتوانستند تسلط خودرا بهخراسان حفظ کنند ، خراسانیان نه تنها در منقرض کردن بنی امیه وروی کار آوردن بنی العباس پیشقدم بودند بلکه همانطور که در تاریخ ایران بعداز اسلام خوانده اید ، مرکز اغلب مخالفتهایی که ایرانیان با خلفا میکردند ومنشأ تجدید استقلال ایران وروی کار آمدن سلسله های مختلف ایرانی ، خراسان بود ، محمد درسال ۱۲۵ در گذشت و فرزندش ابراهیم (معروف بامام) که بجانشینی خود تعیین کرده بود ، بجای او نشست وروش پدر راتعقیب کرد .

ابو مسلم خراسانی نام ابومسلم ابراهیم بود که بعداً بدستور ابراهیم امام نام خودرا بعبدالرحمن تغییر داد.

مورخان اسلامی او را از فرزندان بزرگمهر حکیم، وزیر معروف دورهٔ ساسانیان میدانند. ابومسلم در آغاز جوانی بحضور ابراهیم امام رسید، چون ابراهیم آثار زیرکی و مردانگی در پیشانی او مشاهده کرد، وی را بخراسان باز گردانید و بهواخواهان خود دستور داد از او پیروی کنند، ابراهیم سفارش همه گونه سختگیری را بابومسلم کرد حتی باو گفت اگر میتوانی یکنفر عرب زبان در خراسان باقی مگذار (در قسمت سوم این تاریخ خواهید خواند که چون یاران آل عباس ایرانیان بودند آنان نسبت بعربها هیچگونه اعتمادی نداشتند بلکه در ابتدای کار ایشان را دشمن خود میدانستند و در دورهٔ خلافت طولانی خود کمتر اتفاق افتاد، کار حساسی را بیکنفر عرب بسپارند تازمان معتصم امور در دست ایرانیان بود و از آن ببعد ترکان نیز نفوذ بسیاری پیدا کردند)

آشکار شدن دعوت عباسیان ابومسلم در رمضان سال ۱۲۹ بامر ابراهیم امام دعوت خود را آشکار کرد و به پیروان خود در نواحی مختلف خراسان اطلاع داد قیام کنند شعار ابومسلم و یارانش یعنی علامتی که با آن شناخته میشدند لباس و پرچمهای سیاه بود. در اینوقت والی خراسان از طرف مروان حمار، مردی بنام نصر بن سیار بود، بعد از قیام ابومسلم بین او و نصر جنگهای شدیدی رخ داد و در همه جا ابومسلم غلبه میکرد، نصر از مروان کمک خواست ولی مروان نتوانست باو کمکی بکند بنابراین نصر با منتهای ناامیدی باابومسلم جنگ میکرد و هر تدبیری که برای جلوگیری ابومسلم اندیشید به نتیجه نرسید ناچار گریخت و میدان را خالی گذاشت و چون بساوه رسید مرگش فرا رسید. ابومسلم کسانی را که مخل کار خود تشخیص داد کشت و باین ترتیب خراسان

در تصرف او در آمد و برای هر یك از شهرهای خراسان حاکمی تعیین کرد یکی از حکام ابومسلم مردی بود بنام قحطبه که تا گرگان پیش رفت وچون حس کرد که مردم گرگان با او بنای مخالفت دارند آنجارا قتل عام نمود وسی هزار نفر را کشت بعد از آن بری آمد و آنجارا نیز متصرف شد بتدریج اغلب نواحی ایران بتصرف ابومسلم در آمد تا در سال ۱۳۲ که عراق (عراق عرب) نیز بتصرف عباسیان در آمد .

آغاز خلافت بنی العباس ابراهیم امام بدستور مروان حمار کشته شد ؛ بعد از قتل او برادران و برادرزادگانش بعراق آمدند . در اینوقت که عراق بتصرف هواخواهان آل عباس در آمده بود بزرگان آنان در کوفه نزد ابوالعباس عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله عباس برادر ابراهیم امام که بسفاح معروف است آمدند و باوی بخلافت بیعت کردند سفاح درروز جمعه دوازدهم ربیع الاول سال ۱۳۲ در مسجد کوفه منبر رفت وروی کار آمدن خاندان خودرا اعلام داشت در اینموقع ایران وعراق درتصرف ابوالعباس سفاح بود وقسمتهای دیگر درتصرف مروان حمار سفاح سپاهی برای تعقیب مروان و تصرف شام و مصر اعزام داشت .

کشته شدن مروان و دیگر سران بنی امیه و انقراض امویان سپاه ابوالعباس سفاح مروان را تعقیب میکرد تاوی در مصر درمحلی بنام بوصیر کشته شد وبا کشته شدن او خلافت اموی در دمشق منقرض شد ولی یکی از بنی امیه باندلس گریخت وهمانطور که در دورهٔ بعد خواهید دید ، در آنجا حکومتی تشکیل داد که سالها دوام یافت و آثار این حکومت هنوز هم در اسپانیا دیده میشود .

مدت خلافت مروان پنجسال بود وچون سرهر صدسال راسنة الحمار

میگویند و پایان خلافت مروان در حدود صد سال از حکومت اموی بود باو حمار گفتند و بقولی چون در جنگ شکیبا بود و حمار نیز در شکیبایی ضرب المثل بوده است بوی حمار گفته‌اند بمروان حمار مروان جعدی نیز گفته میشود.

بعد از قتل مروان دیگر بزرگان بنی امیه در امان میزیستند حتی در مجلس سفاح نیز حاضر میشدند تا روزی یکی از شعراء بنام سدیف هنگامیکه سران اموی در مجلس سفاح حضور داشتند داخل شد و قصیده‌ای مشتمل بر فجایع بنی امیه انشاد کرد ودر ضمن آن قصیده از واقعهٔ کربلا و کشته شدن زید بن علی و دیگر کارهای امویان یاد نمود. قصیدهٔ مزبور آنقدر مهیج بود که سفاح در همان مجلس دستور داد کسانیرا که از بنی امیه حاضر بودند کشتند ودست و پایشان را خورد کردند سپس برروی اجساد آنان که هنوز حرکت میکرد فرش انداختند وسفره پهن کردند ومشغول صرف غذا شدند در حالیکه صدای ناله ایشان هنوز شنیده میشد.

نبش قبر خلفای بنی امیه از طرف دیگر عبدالله بن علی (عموی سفاح) که در شام بود دستور داد قبرهای بنی امیه راشکافتند:

درقبر معاویه جزخطی ازغبار شبیه بریسمان نیافتند، درقبر یزید بن معاویه تنها مشتی خاکستر یافتند، درقبر عبدالملک فقط کاسهٔ سراو دیده شد، همچنین دردیگر قبرهاجز پاره‌هایی استخوان چیزدیگری نبود و آنچه یافتندسوختند؛ بعداز آن‌هر کس از بنی امیه که‌دست یافتند کشتند جز چند نفر که باندلس گریختند.

باین ترتیب حکومت اموی انقراض یافت و حکومت عباسی بجای آن مستقر شد. عباسیان که شرح خلافت آنان را در دوره بعد خواهید خواند گرچه بعنوان خویشاوندی پیغمبر (ص) روی کار آمدند ولی پس از تشکیل

حکومت بدشمنی اهل بیت پیغمبر (ص) برخاستند و از هیچ آزاری نسبت بخاندان نبوت فرو گذار نکردند .

خلاصه و نتیجه   از شرح مختصری که از تاریخ اسلام تا اینجا خواندید متوجه شدید که دین مبین اسلام از میان عده‌ای بت پرست و پای بند بخرافات که نه مدرسه داشتند نه افراد باسواد و در مراحل پستی از زندگی بسر میبردند آشکار شد با اینکه تمام قبایل عرب بدشمنی با پیغمبر برخاستند و طرفداران آنحضرت (ص) از چند نفر تجاوز نمیکرد تنها حقیقت این دین مقدس بود که در مدت کمی انتشار یافت و مسلمانان که در ابتدا بسیار ضعیف بودند در اثر نیروی ایمان آنقدر در مقابل شکنجه‌ها و محرومیت ها صبر کردند تا بر دشمنان خود غلبه یافتند . خواندید که در جنگهای اسلامی همواره عدهٔ مسلمانان و اسلحهٔ آنان بمراتب از دشمن کمتر بود اما با نیروی ایمان همیشه غلبه با مسلمانان بود .

پیغمبر (ص) از دنیا رحلت فرمود در حالیکه عموم قبایل عرب اسلام را پذیرفته بودند و نام اسلام بکشورهای دیگر نیز رسیده بود همچنین کتاب و احکامی از خود باقی گذاشت که نه فقط بشر آنروز از آوردن چنین کتاب و احکامی عاجز بود بلکه با پیشرفت فکر بشر و توسعهٔ علوم و تمدن ، عظمت آن کتاب و احکام بیشتر آشکار گردید قرنهاست بشر متمدن و مترقی روی قرآن و احکام اسلامی مطالعه میکند و بعظمت و اهمیت آن اقرار دارد بعد از وفات پیغمبر (ص) گرچه اهلبیت آنحضرت از حق خود محروم شدند و اختلافاتی میان مسلمانان بروز کرد اما چون هنوز عموم مسلمین بهمان ایمان و عقایدیکه در زمان پیغمبر داشتند باقی بودند ، توانستند در مدت کمی بر دنیای آباد آنروز دست یابند ؛ از زمان عثمان اختلافات

داخلی طوری شدت پیدا کرد که مانع از پیشرفت سریع مسلمانان گردید عثمان به بیت المال تعدی کرد و بر خلاف حق، اموال بیت المال و مناصب و حکومتها را میان اقوام خود تقسیم نمود و عده‌ای را باین بیعدالتیها عادت داد ازاینجهت چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خلافت ظاهری را قبول فرمودند، کسانی که بروش عثمان عادت داشتند با روش عادلانهٔ آنحضرت نتوانستند کنار بیایند و باحضرت مخالفت آغاز کردند. کم کم وضع مسلمانان و جاه‌طلبی عده‌ای از آنان بجایی رسید که معاویه با آنهمه سوابق ننگینی که داشت بهوس خلافت افتاد و باسیاستی که ابداً با تعالیم اسلامی مناسبتی نداشت خلافت اموی را تاسیس نمود: معاویه باآدم کشی ورشوه‌دادن وایجادمخالفت میان مسلمین حکومت خود راپایه گذاری کرد و آنقدر دراعمال خود جری شد که فاسقی مانند یزیدرا بولیعهدی خود برگزید، یزید درچند سال حکومت خود ننگین ترین اعمال را مرتکب شد: اهلبیت پیغمبر (ص) رابقتل رسانید و زنان آنانرا باسیری برد، خانه کعبه‌را ویران کرد و آتش زد، کارهای معاویه و یزید مسلمانان را بر آشفت و بفکر انداخت و از نواحی مختلف شروع بمخالفت با حکومت اموی نمودند وازجان خود نهراسیدند ولی بازهم این حکومت ننگین ادامه یافت و کسانی که ازارتکاب هیچ فسقی فروگزار نمیکردند و آشکارا بمی‌خوارگی وقماربازی میپرداختند، بنام خلیفه برجان ومال مردم مسلط بودند، آخرالامر مخالفان کارخودرا کردند و باکمک ایرانیان خلافت اموی رامنقرض کردند وعباسیان راروی کار آوردند، خلفای عباسی چون بوسیلهٔ ایرانیها روی کار آمده بودند تمام امورخودرا بایرانیان سپردند و آداب ورسوم ایرانی رازنده کردند وبرسم ایرانیها لباس پوشیدند وچون

میدانستند که مسلمانان و متدینین واقعی بآل علی علیه السلام توجه دارند شروع باذیت وحتی کشتن فرزندان علی نمودند میتوان گفت خلفای عباسی در درکشتار مردم و کشتن اهل بیت پیغمبر (ص) وارتکاب فسق وفجور وتهیهٔ دستگاه باشکوه وعظمت بنام خلافت . از بنی امیه عقب نیفتادند .

پایان قسمت اول تاریخ اسلام

قسمت دوم از خلافت آل عباس تازمان حاضر خواهد بود

تذکر و تقاضا

دراینجا قسمت اول جغرافیا وتاریخ اسلام بپایان میرسد . درتهیهٔ مطالب کوشش شده است ازمعتبرترین اسناد استفاده شود ، مخصوصاً در قسمت تاریخ از کتب مهم تاریخی ازقبیل سیرهٔ ابن هشام ، تاریخ طبری ، مروج الذهب مسعودی وکامل ابن اثیر اقتباس گردیده است .

درهرمورد مختصر تجزیه وتحلیلی نیز بعمل آمده واصطلاحات همانطور بکار رفته که نویسندگان اسلامی بکار برده اند . بطورکلی ، مقصود یک نظر اجمالی بتاریخ وجغرافیای اسلام بوده است .

چون در نظر است این کتاب تکمیل و بانقشه ها وعکسهای مناسب تجدید چاپ شود ، ازخوانندگان گرامی تقاضامیشود ، هرنوع نظری درهرقسمت دارند که رعایت آنرادرچاپ دوم یاجلد دوم لازم میدانند بنشانی سازمان دین ودانش (قم ـ دبیرستان دین ودانش) یامستقیماً بآدرس مؤلف (قم ـ انتهای خیابان بهرور) ارسال فرمایند .

درخاتمه لازم میداند ازمساعی مدیرمحترم چاپخانه حکمت درچاپ این کتاب همچنین ازکارکنان آن چاپخانه ، سپاسگزاری کند .

فهرست مندرجات ۱ ـ قسمت جغرافیا

فهرست تاریخ اسلام

☆ ☆ ☆

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦	۲۰	دراین	این
۹	۲۰	اثاثیه	اثاثه
۱۰	٤	دولتی	دولتی ایران
۱۱	آخر	اول	اول بیت
« «	« «	وگاهی	گاهی
١٤	١٥	میافت	می‌یافت
« «	١٦	یزبد	بامریزید
١٥	آخر	ششصد	شصت
« «	١٩	دولت	دولت ایران
٢٠	٢	١٣٣٤	١٣٢٢
٢١	آخر	سابقی	سابق
٢٢	٦	روزنامه	روزنامه است
٢٣	٧	بنغاری	لیبی
٢٧	٧	احاطه	واحاطهٔ
« «	١٢و١٣	هزارهزار	هزار
٢٨	١٥	عبدالحمید	عبدالصمد
٣١	٨	سال هشتم	سال بیستم
« «	١٢	طولان	طولون
٣٤	١١	خثوبس	خثوبس است
٣٧	٨	میداند	صلاح میداند
« «	١٤	یا	تا
« «	آخر	بطور	وبطور
٤٢	١١	این	درآمد این
٤٣	١	وصل	وصل میشود
٤٤	١	١٣١١	١٣١١ شمسی
« «	٥	عبدالاه	عبدالالاه
٤٥	١٤	این	دراین
٤٩	١	بوسیلهٔ	اغلب بوسیلهٔ
٥٠	٢	حلویه	ملویه
٥٢	١٢	تدمر بضم اول	تدمر بفتح اول
٥٣	٩	قرارداده	قرارمیدهند
٥٥	١٣	ازآن	درآن
٥٩	٨	فارسی	فارس
٦٠	٥	فرستاد	فرستاده
٦٦	٢	واصل	وصل
٧١	٢	بضم میم و کسر کاف	بفتح میم و ضم کاف

غلطنامه قسمت تاریخ

صفحه	سطر	غلط	صحیح
١	٣	فایداهٔن	فائدهٔ آن
٥	٧	نرزقم	نرزقهم
١٠	٩	حجاز	شبه جزیره
١١	١٦	گفتند	باخود گفتند
١١	١٨	که به یثرب	به یثرب

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	٤	تنیده	تارتنیده
۱٥	۱۷	مسلمانان آنان	مسلمانان
۱۸	۱٤	یرون‌ید	یریدون
۲۰	٤	تحریك	تحریك‌میکردند
۲۱	۱٤	سوره	سورهٔ‌فتح
۲٤	۹	کارهای	کارها
۲٤	۱۷	از	ازیکی‌از
۲٤	۲۱	درصورتیکه ایشان	درصورتیکه
۲٥	۱۹	دارد	که‌دارد
۲۷	۷	منقباهای	دامنهای
۲۸	۱	درمدینه	درمدینه که‌مدنی نامیده میشود
۲۸	آخر	قرائت	وقرائت
۳۰	٥	خبر	چون‌خبر
۳۰	٥	قبایل	ازقبایل
۳۰	٦	که‌بمدینه	بمدینه
۳۰	۱٥	سجا	سجاح
۳۲	۹	کنتانتیوپول	کنستانتینوپول
۳۲	آخر	میکردد	میگردید
۳٤	۲۱	بیزانش	بیزانس
٤۰	۱	بکنار	چون‌بکنار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤۲	۲۱	نامید	نامیده
»	۱۱	کتشه	کشته
٥٥	٦	سرزمینهای	سرزمینهایی
٥٦	۱۹	)	(
٥۷	۷	درجه‌اول‌حائزرا	درجه‌اول راحائز
»	۹	انتخاب	انتخاب کرده
٥۹	۳	عمر	عمر)
»	۱۸	شد	شده است
٦۰	۱٥	سعید	سعد
٦۲	۷	استحکام‌خود	استحکام کار خود
٦٥	٦	صدد	صرد
٦٦	۱٥	کرده	و هنوز متفرق نشده بودند
٦۷	۱۳	پس‌ازاین	پس‌ازآن
٦۹		عباس	عباس‌و
»	آخر	میسره	میسره‌قرار
۷٥	٥	صرو	صرد
۷٦	۱۷	کیفر	کیفری
۷۸	بالای‌صفحه	پاریخچه	تاریخچه
۷۹	٦	٥٥	٦٥